زنجبیل بسباسه بوزیدان بسفایج ابیض هندی شقاقل تودری
سرخ تودری زرد بسباسه قرنفل حب القلقل کبابه صمغ خشخاش
سفید اهلیلج اشیج یک ده درم کوفته بیخته به روغن
بادام یا به روغن گاو چرب کنند و به عسل بسرشند و بعد از
دو ماه استعمال نمایند اطریفل صغیر اکثر غار مفید بود سر را
نافع بود و بوی دهن را نیکو گرداند و لون را صافی کند صفت
پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد هلیله سیاه
آمله منقی مساوی کوفته و بیخته به روغن بادام چرب
کنند و بار مقدار عسل بسرشند شربتی دو درم
اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد و دردسر و درد چشم
و درد گوش که از بخار باشد نافع باشد صفت پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی کشنیز خشک
مساوی کوفته و بیخته به روغن گاو چرب کرده با سه
مقدار عسل بسرشند بعد از دو ماه استعمال نمایند

اطریفل شاهی جهة بواسیر عظیم نافع است صفته پوست
هلیله زرد املهٔ منقی پوست بلیله از هر یک ده درم مقل هیجده درم
مقل را در آب گندنا بگدازند و شصت مثقال عسل اضافه
نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها را با آن بسرشند
اطریفل مقل بلیغ زم گستد و بواسیر را نافع باشد صفته
پوست هلیله کابلی بلیلهٔ سیاه املهٔ مقشر افتیمون اسطوخودوس از هر یک
ده درم مقل و فلوس خیارشنبر از هر یک سی درم مقل و فلوس را در آب
حل کنند و با عسل بقوام آورند داروها را کوفته و بیخته و بروغن بادام
چرب کرده معجون سازند اطریفل دیدان کرمهای بزرگ و خورد
و حب القرع را بکشد صفته برنگ کابلی ده درم تربد حب النیل قسط
تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه ترکی افتیمون
نمک هندی خردل تخم حنظل سعد کوفی از هر یک درم کوفته
و بیخته با دو مقدار از آن عسل بسرشند شربتی از آن دو مثقال
مثقال کجب مزاج نافع باشد اطریفل مقلی بنوعی دیگر پوست هلیله

فسرده آرد و لقوه و گرانی گوش و زبان و استرخاء مثانه
و معده و سایر اعضاء و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد
صفته سنبل دارچینی عود بلسان و حب بلسان سلیخه اسارون
مصطکی زعفران از هر یک جزوی صبر سقوطری دو وزن ادویه
دیگر شربتی دو درم بعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع
و مالیخولیا و فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و
داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و صداع و شقیقه
و دوار و صمم و سهو و کلی و عسر النفس و درد گرده و مثانه
و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب
و داء الحیه و ریشهای کهنه بد را نافع باشد و حیض بگشاید
و بیمارکت و اسهال اولی زحملت صفته شحم حنظل پنج درم
بیار غنصل مثوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق انقوذریون
از هر یک چهار درم و نیم افتیمون کما دریوس مقل صبر از هر یک
سه درم حاشا هیوفاریقون سادج هندی فراسیون جعده

اسقیل فلفل سفید تخم کرفس مصطکی جندبیدستر فطراسالیون

زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل جاوشیر انجدان از

هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی چهار مثقال

بآب گرم و روغن بید انجیر استعمال نمایند

ایارج لوغاذیا که نفع [illegible] منافع هر دو قولنج [illegible]

صفت تخم حنظل شحم حنظل سقمونیا [illegible] از هر یک پانزده

درم بصل الفار [illegible] درم افتیمون غاریقون [illegible]

از هر یک ده درم جاوشیر ده درم فراسیون سکبینج

از هر یک هشت درم فلفل سیاه دارفلفل سنبل زعفران

دارچینی فطراسالیون از هر یک چهار درم جاوشیر سکبینج

عصاره افسنتین اسطوخودوس مازریون [illegible]

از هر یک پنج درم زنجبیل جندبیدستر زراوند طویل حنطیانای

رومی از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل سرشته بعد از شش ماه

استعمال نمایند شربتی چهار درم با یک درم نمک طعام در

طبیخ

حنطیانا اسطوخودوس از هر یک یک درم و نیم

مویز کرد [illegible]

پوست هلیله سیاه آمله [illegible] از هر یک پنج درم ترید سفید [illegible]

درم مصطکی ده درم هلیله [illegible] درم حب النیل [illegible]

[illegible] مقل [illegible] در آب گندنا حل کرده [illegible] کوفته و بیخته

بروغن بادام چرب کرده [illegible] بسرشند

شربتی [illegible] مثقال اطریفل افتیمونی بیماریهای سوداوی را

عظیم نافع بود و سیاهی موی را نگاه دارد [illegible] سفید شدن

صفت پوست هلیله کابلی پوست هلیله آمله از هر یک ده درم سنا مکی ترید

سفید افتیمون از هر یک پنج درم شاهتره هندی از هر یک [illegible] درم

کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یک مثقال یا چهار درم توان خورد

اطریفل غددی خناق و خنازیر را سود دارد صفت هلیله سیاه

پانزده درم هلیله ترید سفید [illegible] غددی که در گردن [illegible]

خشک کرده از هر یک پنج درم افتیمون ده درم بسفایج

فستق اسطوخودوس سنا مکی از هر یک [illegible] درم [illegible]

درونج [illegible] غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون [illegible]

بسفایج فستق یک درم
انیسون و نمک هندی
از هر یک ده درم

مصطکی جوزبوا خیربوا قرنفل سنبل از هر یک دو درم کوفته

و بیخته بعسل سرشته شربتی یک درم توان خورد اطریفل ایارج

بهق سفید و برص را سود دارد و سیاهی موی را نگاه دارد و امراض

بلغمی را نافع باشد صفت حب بلیله کابلی یک درم پوست بلیله آمله

مقشر از هر یک ده درم هلیله کابلی مقشر پانزده درم شیطرج هندی

سعد کوفی زنجبیل از هر یک سه مثقال سادج پنج درم بسفایج استوخودوس

از هر یک هفت درم غاریقون شش درم قسط سه درم مصطکی کندر

افتیمون قشر نفل خیربوا جوزبوا از هر یک چهار درم کوفته

بیخته بعسل سرشته شربتی از سه درم تا چهار درم بخورند

اطریفل دیگر عرق بدنی را سود دارد و اگر دهر وز استعمال نماید

مادة این علت را پاک گرداند صفت پوست هلیله کابلی پوست

بلیله آمله مقشر تربد سفید زنجبیل فلفل سادج کوفته و بیخته

بروغن بادام چرب کنند و با عسل سرشته شربتی دو درم

ایارج فیقرا اعضای غذا را پاک گرداند و فضول را از دماغ

قلیقل دار فلفل نارمشک
از هر یک چهار درم

و بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی

یک مثقال بزر کتان امرچ ترکیب نیز از هند یافت و دهان

را خاصیت دارد صفت هلیله بلیله آمله شیطرج از هر یک چهار درم ده

جوزبوا خیربوا قسط کندر مو قرنفل دار فلفل نارمشک

عصاره افسنتین سادج از یک هشت مثقال بیش چهار مثقال

کوفته و بیخته معجون سازند شربتی یک مثقال بخورند برود جرم

جرب و بیاض و دمعه و سلاق حکه و طرفه را نافع باشد

صفت توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد

زردچوبه از هر یک پنج درم دار فلفل مامیران حضض از هر یک سه درم

نمک هندی یک درم کوفته و بیخته ملیت سوزد در آب غوره تر و ده

کنند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال

نمایند برود دردی قرحه دمعه سرخ را نافع باشد صفت

سفیداب ارزیر پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی

هفت درم دیم شادنج مغسول ادس سوخته نشاسته افیون

زنجبیل

اگر اسهال زیاده
نشاسته را آب
بدهند بر طرف شود

صفت
برود نفعت
حب را نافع
نقطه کبیره خشک بر بادی رود
صمغ عربی کثیرا از هر یک یک درم
نشاسته سه درم سوخته و بیخته
نمک
بیخ سوخت ادر که هم پرورده
کنند و دیگر باره سا

از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند برود دیگر
استخوان سوخته ... یکی درم نمک اندرانی ... از هر یک یکدرم
ونیم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند برود دیگر قوة باصره
بیفزاید و محافظة چشم کند صفت توتیا مارقشیثا اقلیمیای
نقره از هر یک پنج درم سنبل سادج زعفران از هر یک یکدرم
بسد مروارید ناسفته دو درم کافور دو دانگ مشک دانگی صلایه
کرده استعمال نمایند برود اجهر چشم را خشک کند اندر سوزش
باز دارد صفت سادج مغسول ده درم روی سوخته پنج درم قاقله
تا شقوقه یکمثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه کرده استعمال
نمایند برود الورد دمعه را باز دارد و بیاض را ببرد صفت
سرمه و توتیای مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته
مرقشیثا
ده درم سادج هندی یکدرم زعفران نیم درم مارقشیثا ... هشت
درم مشک و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال
نمایند باسلیقون کبیر تاریکی چشم و ابتدای آب و دمعه و جرب

دسبل

سبل و ظفره و شعر زائده را نافع باشد صفت اکحل اقلیمیای
نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی سادج هندی سفیداب ...
قلقل دار فلفل سنبل الطیب ... از هر یک دو درم نمک هندی
قرنفل دو دانگ از هر یک یکدرم صبر سقوطری عصاره مامیثا ماهی
سوخته از هر یک پنج درم مامیران چینی ...
هر یک ... درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و بحریر بیخته
استعمال نمایند باسلیقون صغیر منافع آن قریب
بمنافع کبیر است صفت اقلیمیای نقره پنج درم روی سوخته
دو درم و نیم سفیداب اندرزنگ اندرانی توتیا ... فلفل
از هر یک نیم درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند مغیثی
آب کردن چشم
تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفت
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دارفلفل
سنبل الطیب از هر یک نیم درم سادج هندی دو دانگ
قاقله و مشک از یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بحریر

بپزند استعمال نمایند **برسیاوشان** ضماد نافع باشد و دفع باد کند
و دیده را تا ده کنند و چشم را هم قدر روز با صلاح آرد **صفت**
شیاف مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کتیرا کندر زعفران
دو درم افیون نیم درم کوفته و بیخته با آب باران با کتیرا بسرشند
در وقت حاجت بسفیده تخم مرغ حل کنند و استعمال نمایند **بخور**
که زکام و نزله را باز دارد **صفت** کندر میعه یا بجهر قسط سندروس
متساوی کوفته بیخته گلوله‌ها سازند در آتش نهند و بخار آن برآرند
بخوری که نزله و زکام حار را نافع باشد **صفت** سبوس گندم
آرد جو آرد باقلی صندل سفید گل سرخ بنفشه گل کرم از هر یک نیم درم
کافور دانکی کوفته در سرکه خیسانند و خشک کرده دیگر باره
کوفته و بیخته بگلاب سرشته حب سازند و در وقت حاجت
بر آتش نهند و بخار آن بر آرند **بخوری** که مقوی ذهن بود و دماغ است
و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع است **صفت** عود
هندی قسط شیرین صندل سفید از هر یک درم مشک و کافور

از هر یک

ساله

حار گرمی

طبیخ افتیمون **ایارج جالینوس** نفع آن از لوغاذیا
بیشتر است لقوه و فالج و تشنج و استرخا مفاصل و اعراض
بلغمی و سوداوی را نافع باشد و سلسل البول را باز دارد و اخلاط
غلیظ و لزجه را از بدن پاک کند **صفت** شحم حنظل غاریقون
بصل العنصل اشق سقمونیا جوزبوا سیاه و فیقون هیوفاریقون
از هر یک شانزده درم سکبینج فراسیون طیلی ده درم
فلفل سیاه و سفید دار فلفل دارچینی جاوشیر جند بیدستر
قطرا سالیون از هر یک چهار درم بسفایج گادریوس افتیمون
سلیخه از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
شربتی چهار مثقال **آبخورهای** جرب و سبل و ناخنه و ضعف
باصره را نافع باشد **صفت** توتیای کرمانی شسته و شیخ محرق
مغسول از هر یک ده درم مرداسنگ مغسول شش درم نبات را
بیست درم صلایه کرده استعمال نمایند **اکسیرین** که قرح و مو را
نافع است **صفت** سفیداب ارزیز هشت درم اقلیمیا نقره

و ده روز دیگر بنبیذ و انگور
خمیر آن تازه کنند

وصمغ عربی از هر یک چهار درم زردی سوخته یکدرم ناشسته
وافیون از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند
اکسیرین دیگر همین منفعت دارد صفت شادنج مغسول
ده درم نشاسته اکلیما نوره افیون نرم اصفهان از هر یک
یکدرم صمغ عربی وانزروت از هر یک دو درم سفیداب ارزیز
هشت درم صلایه کرده استعمال نمایند ایلیام معده را قوت
دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای طعام آرد صفت نان تازه گرم
در کوزه آب تدبیده بگذارند تا سرد شود و بعد از آن در زیر خمیر
کنند و در آفتاب نهند و تا ده روز سرکه بر سر آن بریزند و ده روز
دیگر بید و شاب خمیر آن تازه کنند بعد از آن ادویه گرم کوفته
و بیخته بر سر آن ریزند و چون خواهند که آنرا در رقیق بگیرند از آن
خمیر مقدار یکمن بگیرند و سه من سرکه بر سر آن کنند و بگیرند
برای زارد های گرم نیم کوفته در آن اندازند و چهل روز در آفتاب
بگذارند و بعد از آن استعمال نمایند باب الباه باد بهیج سرد رد

چیز بسته شده باشد

معده ها و جگر و رحم و احتباس طمث را نافع باشد و ریاح
غلیظ را دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید صفت زرنباد
درونج عقربی افیون جندبیدستر عاقرقرحا ملفوف دار فلفل
سلیخه بهوم الجوس بذر البنج قسط التلخ جاوشیر زعفران
از هر یک دو [illegible] درم بارزد و مرا از هر یک دو ایذ دو درم
حکم شش درم
مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بتکرین متعارف و
معجون سازند برشعثا نسخه شیخ ابو علی سینا زکام و نزله را
نافع بود و اوجاع را ساکن گرداند و قطع خون رفتن کند
صفت فلفل سفید بذر البنج از هر یک بیست مثقال افیون
ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون
از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل سرشته
و بعد از شش ماه که در میان جو نهاده باشند استعمال کنند
بول بسته باشد
دق البذور حرقة بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را
نافع باشد صفت مغز تخم خربزه ده درم تخم خیار پنج درم

مغز تخم کدو بذر البنج تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کشنیز
خشک کتیرا رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس
از هر یک ده درم بکوبند و بنادق سازند شربتی پنج درم
بشراب خشخاش بخورند بنادق کندر در ربه و اسهال معوی را
نافع باشد صفت مازو سبز یکدرم کندر کهربا نشاسته از هر
یک نیم درم افیون چهار درم شب الاکس ده درم کوفته و بیخته بنادق
سازند بنادق دیگر که قولنج بارده را تسکین کنند صفت
جند بیدستر شونیز نانخواه تخم کرفس افیون مساوی کوفته و بیخته
بنادق سازند هر یک دو دانگ بنادق دیگر مغص و قولنج صفراوی را
تسکین کند صفت تخم کاهو تخم خرفه افیون مساوی کوفته
و بیخته ~~بنادق سازند هر یک دو دانگ~~ بلعاب بذر قطونا سرشته
بنادق سازند هر یک دو دانگ صفت از تراکیب حکمای هندست
و از جهة جذام عظیم النفع است صفت هلیله سیاه شیطرج هندی
از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم بیش سفید ده درم و نیم کوفته

و بیخته

معوی
که
سبب که

از هر یک دوازده مثقال مر مکی زعفران زنجبیل بوزیدان بهمن
قنطاریون فودنج فراسیون قطراسالیون قسط فلفل سفید اسطو
خودوس دار فلفل مشک طرامشیع کندر فقاح اذخر صمغ البطم
سلیخه سنبل جعده از هر یک شش مثقال لک تخم کرفس سیاه کمون
حرف حماما دریوس کمافیطوس نانخواه عصاره لحیة التیس ناردین
ساذج مو فوه حنظیا تا رازیانه گل مختوم زراوند محرق حماما فلفل سیاه
هیوفاریقون صمغ عربی قردمانا انیسون افاقیا از هر یک چهار
مثقال جند بیدستر دو قوقیه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون
دقیق ذرادند مدحرج سک بینج از هر یک دو مثقال عسل که
از کل کاف باشد شراب ریحانی هشت رطل بوزن بغداد و صمغها
واقراص را در شراب خیسانند تا حل شود و عسل بر آن
کنند و یکشبانه روز بگذارند و بعد از ان ادویه کوفته
و بیخته بر وغن بلسان چرب کنند و در یکدیگر سرشند و
بعد از چهار ماه بلکه شش ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند

قنطوریون
که هر رطل از ان نود و شش مثقال بود
و صمغها

که بیش از پنج سال استعمال نتوان کرد و بعضی گویند بعد از ده و از
ده سال استعمال باید کرد و بعضی گویند آخر زمان در نهایت خوب
و با قوت باشد تا سی سال و چون از سی سال گذشت تا شصت
سال بحکم آن چون حکم معاجین کبار معمول باشد و از جهت جمیع امراض
مذکوره نافع باشد الا دفع سموم و گزیدن جانوران تریاق
گل مختوم کسی را زهر داده باشند این تریاق بدهند تا قی آورد
و بدن او از آن زهر پاک شود و بدین توان دانست که زهر
داده اند یا نه اگر زهر داده باشند قی آورد و الا نه صفت
گل مختوم حب الغار ابهل ساساوی کوفته و بیخته بروغن گاو
چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی مثقال یک فندق بخورند
تریاق اربعه دفع مضرت جانوران زهرناک گزیده کند و باد
بشکند و قی لنج نکند و اخراج جنین میت و تسهیل ولادت
کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت جنطیانا حب
الغار زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون

سازند

و بعد از قوت باشد تا شصت سال

سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین استعمال نمایند تریاق اربعه بعد از
تریاق اربعه ساخته اند منافع آن بیشتر از تریاق اربعه میباشد
صفت زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار ترجاف
قسط تخم جنطیانا زرد چوبه جلاوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون
سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال نمایند تریاق سرطان گزیدن
سگ را نافع باشد صفت سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا
از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یک مثقال بخورند تریاق عقرب جهة گزیدن عقرب نظیر ندارد
صفت پوست بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طر
خشخاش مساوی کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف سازند و
بخورند تریاق دیگر همین منفعت دارد صفت تخم سداب
زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد
چوبه تخم حنظل قاقله اجزا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
تریاق دیگر که همین خاصیت دارد مغز گردکان و سیر از هر یک

سرطان گرچنگ

دو درم سداب حلتیت هر از هر یک یکدرم کوفته با انگبین معجون
سازند شربتی سه درم با شراب بخورند تریاق دیگر که در گزیدن عقرب
نفع تمام دارد جنطیانا زراوند طویل حب الغار مر تلخ قسط فودنج
سداب جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زرنجبیل فلفل حلتیت مساوی
کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز با شراب
استعمال نمایند تریاق دیگر که همین خاصیه دارد صفت
زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته با شراب بنوشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن رتیلا مساوی زنند
نافع باشد صفت شونیز ده درم دوقو زیره کرمانی از
هر یک سه درم ابهل جوز السرو از هر یک درم سنبل الطیب
حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا
تخم سپند قوقو تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته با عسل بیخته
بسرشند شربتی مقدار یک جوز با شراب کهنه تریاق دیگر در
گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است صفت انیسون

از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با جلاب بسرشند و گلولها سازند
و بخور کنند بخوری که ابر اجتاس معین باشد صفت میعه سائله
بارزد حب الغار مساوی کوفته و بیخته با میعه بسرشند و
بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یک درم بخور کنند و بعد از آن
مباشرت نمایند بخوری دیگر که همین خاصیت دارد صفت
سداب خشک کوفته با موم گداخته و بهم فرو کوفته بسرشند
و بخور کنند بخوری که مشیمه بچه مرده را بیرون آورد صفت و بارزد
جاوشیر گوگرد و مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
و گلولها سازند و در زیر ظرف سوراخ کرده دود کنند و دود
سوراخ
فرج زنان رسانند بخور جوکی برود و دست سعد کوفی ده بخور و
طهر و سقاقل و قرنفل و لقوه و نسیان و وجع گرده را
نافع بود و لون را صاف گرداند و بوی دهن خوش
کند و معده و باه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول
براند و باد را بشکند صفت آب انگور رسیده صد من گوشت

تب کوچک

تنغان و پخته بپزند چون هموار نرم شود درهم [illegible]
مخلوط کنند و بیخ [illegible] از هر یک پنج درم سلیخه نیکو نرم [illegible]
زرد [illegible] و غنچه نعنع سعد کوفته سنبل از هر یک چهار درم [illegible]
دار چینی سنبل الطیب ساذج قرنفل از هر یک یک درم عسل و بط گوشت
[illegible] انگور [illegible] در کیسه کنند
دهن کیسه را نرم [illegible] و در آن دیگ اندازند هر لحظه دست
بر آن مالند و یک رطل گلاب اضافه کنند و در خم ریزند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند اگر خواهند از مرغ و کبوتر بچه
و کلنگ و امثال اینها اضافه کنند و از گوشت گوسفند
چیزی کم بکنند **باب الثالث در تریاق فاروق** و آن را تریاق کبیر نیز گویند
مضرت گزیدن افعی و رتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران
زهردار دفع کند و سکته و مضرت اینها [illegible] و جذام
و فالج و صرع و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس
و خناق سوداوی و طحال و استسقا و یرقان سده و دوار

دوار کبیر

قولنج و قی [illegible] بلغمی و درد گرده و مثانه [illegible] و درد
جگر و سپرز نیکو باید و سنگ گرده و مثانه بریزاند و حیض
براند و بواسیر و بادهای غلیظ که در شکم [illegible] دفع کند و ورم
صلب جگر و سپرز را بتحلیل [illegible] دارد و [illegible] الفواق
دفع کند و شهوة [illegible] تا [illegible] حمیات بلغمی و سوداوی
و جمیع امراض سوداوی [illegible] حرارت غریزی
برانگیزد و روح را قوت دهد و باه را برانگیزد اما مقدار
شربتی تریاق کبیر در مرض آنست که [illegible]
و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد مقدار یک مثقال
با ماء العسل دهند از جهت [illegible] را در سرکه دهند و در
سرکه حل کرده در موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه
سمیه مثل افیون و شوکران و فربیون و ذراریح و امثال
اینها در شراب دهند و در یرقان سده [illegible] در طبیخ اسارون
دهند و در استسقا یک فندق [illegible] دهند و از جهت

[illegible] مار و عقرب و سگ دیوانه [illegible]
[illegible] و شراب و [illegible]

فالج و رعشه و لقوه در ماء الاصول دهند و در جذام در ماء
الجبن دهند و وزن او بذر حب القرع را در طبیخ قیسوم دهند
و در حماقیص و حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با آب
گرم یا شراب دهند و در قولنج و نفخ معده و مغص یکی
و سقوط شهوت و ربو و انقطاع صوت و بحوحه یک
ترمس با ماء العسل یا با شراب دهند و در ضیق النفس
با سکنجبین عنصلی و در صرع و صداع و شقیقه یک ترمس
با آب گرم دهند و خراد ند بیضه را دو دانگ با شراب دهند
و از جهة احتباس طمث و اخراج جنین میت در طبیخ ابهل با
شک طرامشیع با سداب دهند و در تسبیع لمراضی اندک
آن یکطسوج و بسیار آن یکمثقال باشد صفت اقراص
عنصل چهل و هشت مثقال اقراص افعی [illegible] قرص
افیون دارچینی از هر یک شش و چهار مثقال گل سرخ تخم شلغم
[illegible]

از

ده درم فلفل سه درم ذراوند مدحرج جندبیدستر از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی
مقابل یک جوز تریاق دیگر که در گزیدن نافع باشد صفت
ریوند چینی ذراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی
کوفته شربتی یکدرم سفوف سازند و استعمال نمایند تریاق
دیگر که در واقع افیون نیکست صفت حلتیت جندبیدستر
ابهل فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
مقابل یک فندق در شراب کهنه نافع باشد تریاق ذهب
مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب عاج طباشیر [illegible]
کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید بهمنین قرنفل
سعد تیره کرمانی مدبر مصطکی کرویا [illegible] گل ارمنی
شادنج [illegible] آرد کمار [illegible] سنبل حب الآس [illegible]
عناب بریان کرده پوست پسته تخم زرشک از هر یک
درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده [illegible]

سفید

سفید دانه انگور بزرگ از هر یک پنج درم تعود خام بذر البنج
از هر یک دو درم رب به شرین رب سیب رب مورد مصطکی
معجون سازند و استعمال نمایند **باب الباء اثنیاذریطوس**
اوجاع کبد و درد معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی
چشم و ربو و صداع و جذام و صرع و برص و لقوه
و رعشه و فالج و جمیع امراض عتیقه مزمنه و انواع سوء المزاج
بارد و رطب را نافع بود و قولنج بادی را ببرد و استسقا که از سردی
بود و ضعف جگر باشد زایل گرداند و اسهال آن کی مشبعت باشد
و ادرار حیض و بول کند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و حرارت
غریزی را تقویت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک
گرداند و بادها را دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ را
نیکو گرداند **صفته** جبر ستوطاری پانزده درم غاریقون
بیست درم زعفران دارچینی وج مصطکی روغن بلسان
از هر یک درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فوفون

فلفل سفید و سیاه دار فلفل حنطیانا حب بلسان فقاع اذخر مو
ماما از هر یک دو درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش مثقال
سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان بسرشند
و باز چند آن عسل سرشته شربتی چهار مثقال و قوت این
معجون تا چهار سال باقی باشد **اثنیاذریطوس دیگر** منفعت آن
قریب بمنفعت اول است **صفته** جبر ستوطاری ... درم غا
ریقون بیست و دو درم زعفران وج دارچینی مصطکی
سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کمادریوس فلفل ابیض اسارون
عود بلسان از هر یک دو درم فلفل سیاه جندبیدستر از هر یک
چهار درم ریوند چینی مو سنبل از هر یک یکدرم عسل سه وزن
ادویه شربتی چهار درم با آب گرم **باب الجیم جوارشها** جوارش شهریاران
سردی جگر و معده و عسر البول را نافع باشد البته **صفته** قرنفل
قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز بوا هیل مصطکی
عاقرقرحا بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم ترید سفید

کمادریوس قسط افتیمون
از هر یک چهار درم

سقمونیا نیم درم

و حب النیل از هر یک شش درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال با آب گرم بخورند جوارش اترج
معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بوی دهان خوش کند
صفت پوست اترج خشک کرده سی درم قرنفل جوز بوا دار
فلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ
کوفته بیخته بعسل بسرشند جوارش عود بادها بشکند و خفقان
و دل تنگی زایل کند صفت عود هندی رازیانه تخم کرفس
وج سنبل از هر یک سه درم بسباسه نارمشک سعد فرنجمشک زرنب
درونج درنباد از هر یک یک مثقال دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل
مصطکی از هر یک دو درم گاوزبان بهمن سفید کافور قیصوری نیم
مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل برشند جوارش عود بنوع
دیگر معده و دل را قوت دهد و پیران را موافق باشد صفت
عود خام قرنفل سادج زنجبیل فرنجمشک دارفلفل از هر یک
دو مثقال زعفران یک مثقال کوفته و بیخته بعسل برشند جوارش عود

نافع

بنسخه

نسخه دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتها طعام آورد و بلغم
و رطوبت را دفع کند صفت قرنفل ده درم قاقله کبار سنبل از هر یک
ده درم عود پنج درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل برشند
جوارش عود دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای طعام آورد
و هاضمه را قوت دهد صفت قرنفل ده درم سنبل یکدرم عود دو درم
نبات یکمن نبات را بگلاب بگدازند و بقوام آورند و دیگر
و تیز بزنند دواها کوفته و بیخته با آن بسرشند و بوی مشک و عنبر اندازند
جوارش عود بنوع دیگر معده را اصلاح آورد و اشتهای طعام
پیدا کند صفت عود خام پنج درم پوست ترنج دو درم
مصطکی یک مثقال نبات یکمن همه پاک دستور برند جوارش عنبر
خفقان سردی معده و بدی هضم و اوجاع رحم را نافع بود
و از رای پیران بغایت خوشبوت صفت قاقله شقاقل دارچینی بسباسه
دارچینی از هر یک ده درم قرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوز بوا
پنجدرم مشک یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش عنبر

ده درم
نحو

دیگر عنبر نیم مثقال قند سفید یکمن قند را بقوام آورند و فرو گیرند
و عنبر را در آن حل کنند و تیز بو بندد بر روی سنگ ریزند جوارش مصطکی
سردی جگر و معده را نافع بود و بلغم را دفع کند و آب دهن
از دهان باز دارد صفت مصطکی ده مثقال کوفته با یکمن
قند و سی درم گلاب بر روی سنگ ریزند جوارش جالینوس
این جوارش را خاصیت بسیار است هم اعضا را قوت دهد
و بوی دهان خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول
که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد
و دیوانگی برد و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قوبا
و بهق و حصاه کلیه و مثانه را نافع باشد و سیاهی موی را
محافظت کند گفته اند که هر که بعد بدین جوارش مداومت
نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد صفت سنبل قاقله
سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل قسط بحری عود بلسان اسارون
تخم مورد قصب الذریره زعفران از هر یک دو درم مصطکی نیم درم

از اقسام ... گویند قسط
شیرین گویند و آن سفید رنگ است
فلفل دار فلفل زنجبیل
سعد کوفی

قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته و بیخته با دو چندان عسل
بسرشند شربتی دو مثقال یا سه مثقال پیش از طعام و بعد از
طعام توان خورد و بعضی اطبا خبث الحدید نیم درم اضافه کرده اند
جوارش قرنفل قولنج و عسر البول را نافع باشد صفت زیره کرمانی
تودری ارمنی قسط اسارون زنجبیل فلفل سفید از هر یک
دو درم و نیم سقمونیا مشوی پنج درم ... دانه هر دو بگدازند بادام
مقشر از هر یک ده مثقال ورق سداب ده درم خرما را
در سرکه خیسانیده یک شبانه روز و بکوبند و در غربال بیرون
کنند و عسل کف گرفته هم وزن ادویه بر سر آن کنند و
بجوشانند تا بقوام آید و ادویه کوفته را در آن بسرشند شربتی
پنج مثقال یا هفت مثقال یک گرم تناول نمایند جوارش
مشک خفقان و وبا و بواسیر را نافع بود و بادها دفع کند معده را
صفت نیلوفر قاقله زنجبیل دارفلفل و فلفل از هر یک ده درم مشک
خالص نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته

بعسل برشته جوارش کافور اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی
و حرارت بنشاند صفت زرشک ده درم گل سرخ هشت درم
طباشیر سفید کهربا قرنفل از هر یک چهار درم تخم حماض بریان
کرده هفت درم حب الآس شش درم پوست سیب ده درم
پوست خیار ده درم انار دانه بریان کرده پنج درم کافور دو درم
زعفران شامی بلوط از هر یک پنج درم قرنفل چهار درم در شراب
حماض برشته شربتی دو درم جوارش کندر اسهال بلغم را باز
دارد و معده را گرم گرداند صفت کندر شصت درم فلفل
دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان از هر یک
ده درم قرنفل جوز بوا از هر یک پنج درم مسک نیم درم
قند سفید هشت درم کوفته و بیخته بعسل برشته شربتی
سه درم جوارش جوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد
و بیم زحیر باز دارد و گیرد اگر هم استسقا بود نافع بود و ادرار
بول کند صفت قسط قرفه سنبل هیل سلیخه از هر یک

جرعتها وغیره

ده درم جوز بوا خولنجان مصطکی فاقله کبار قسط نقل انیسون اکلیل
الملک شیطرج تار مشک از هر یک چهار درم سیاه دارو عود
از هر یک سه درم ریوند چینی دو درم ادرک مد حسرج اسفنج از
هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت
بریان کرده از هر یک بیست درم بلیله ده عدد حب الآس
بوزن تمام ادویه در گلاب بگذارند و بقوام آورند و دارو ها
کوفته با آن برشته بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش
طباشیر تب و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت
طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک ده درم تخم حماض
صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره
لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران دارفلفل از
هر یک دو درم کوفته و بیخته بشراب سیب برشته شربتی
سه درم جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد صفت سماق
بیست درم حب الآس ده درم خرنوب سی درم صمغ

کلف را نافع بود و نیز از هر یکی پنج درم کوفته و بیخته با مویز منقی
دیگر بار بهم بکوبند شربتی سه درم جوارش ابخذان فی الحال بکاید
دل را قوی کند و غثیان و سستی معده را نافع بود صفت او زنجبیل دار
فلفل از هر یک پنج درم اقیشا دارچینی از هر یک شش درم انیسون
انجدان از هر یک ... درم کوفته و بیخته بعسل برسرشند شربتی
دو درم استعمال نمایند جوارش ... طبع را نرم گرداند و
کلیج را ... صفت او ... یکدرم قاقله دارچینی از هر یک
دو درم ... و قرنفل از هر یک درم دار فلفل نیم درم
زنجبیل ... درم سقمونیا بیست درم ترنجبین سی درم کوفته
و بیخته بعسل ... بسازند شربتی از یک درم تا پنجدرم نافع
باشد جوارش دیگر اسهال صفرا کند بی مشقت صفت او
خام ... از هر یک یک درم ... چهار درم سقمونیا نیم درم
کوفته و بیخته بعسل برسرشند شربتی پنجدرم با آب گرم بخورند
جوارش بسیار بواسیر و دردی معده و بدی هضم را نافع باشد و بادها

حب ... و طبع نرم کردن

غلیظ را دفع کند صفت او ... قاقله صغار زنجبیل دار فلفل
دارچینی ... از هر یک یکدرم قاقله ... درم فلفل دو درم
قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل
برسرشند شربتی یکمثقال جوارش مقلیانا ... و بواسیر را
نافع بود صفت او تخم ... کرده زیره کرمانی
تدبیر از یک یکدرم مصطکی شش درم هلیله کابلی بریان کرده
بروغن گاو یکدرم کوفته و بیخته بگلاب برسرشند جوارش ... معده را
قوت دهد ... را دفع کند و رنگ را
نیکو کند و اشتهای طعام آورد صفت او زیره ... نافع
زیره کرمانی ... دو درم ... ده درم
فلفل زنجبیل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یک درم ...
بود مثقال کوفته و بیخته بگلاب برسرشند جوارش که
حفظ را زیاده کند صفت او زنجبیل ... از هر یک
ده درم کنجد شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته

مسهل مختصر

کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل
معده و دفع فضلات کند صفت تربد سفید ده درم
زنجبیل بیست درم قند سفید پانزده درم شربتی سه درم
جوارش شهریاران نفع کند و فضلات از بدن دفع
کند و معده را قوت دهد صفت فلفل زنجبیل زیره کرمانی
سداب بوره ترمس تخم بنجان قسط از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا ده
درم عسل چندانکه درم شربتی یکدرم و نیم جوارش دارچینی صفت

خلال کرکتر

کرده و مثانه و معده را نافع باشد و بادها و غلیظ بشکند
و اخلاط غلیظه را دفع کند صفت دارچینی عود هندی
راسن از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه دار فلفل سنبل
اسارون از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعناع هشت درم
تیر بوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه سلیخه
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل سرشند جوارش حب الآس
هیضه و اسهال صفراوی را نافع باشد وقتی که از بلغم و رطوبت

باشد باز دارد صفت حب الآس نود مثقال بلیله سیاه
بلیله آمله طباشیر بیست ... از هر یک بیست درم فلفل سیاه
دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قردمانا گل نسرین
زیره کرمانی سنبل سلیخه فاقله قسط از هر یک شش درم جوز
بوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل
سرشند شربتی یکدرم جوارش اسقف قولنج و لقوه و بادهای سرد و بادها را
که در معده باشد سود دارد صفت سقمونیا تربد سفید از هر یک
پنج درم فلفل فاقله از هر یک سه درم زنجبیل دار چینی آمله
قرنفل بسفایج جوز بوا از هر یک دو درم و نیم قند سفید نود درم
کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی چهار مثقال جوارش هندی
اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت
سقمونیا ده درم تیر بوا دارچینی زنجبیل فاقله قرنفل مشک قرنفل ملکی
از هر یک یکدرم تربد سفید صد درم قند سفید صد درم کوفته
و بیخته بعسل سرشند جوارش زنجبیل ضعف معده را معاد

سادج هندی ... از هر یک چهار درم

د بلغمی را نافع بود و طعام را هضم کند و بادها را بشکند و
اسهال باز دارد صفت زنجبیل بیست درم صمغ عربی و خیربوا
از هر یک ده درم قسط نقل دار چینی از هر یک پنج درم جوز بوا
یک درم زعفران یک درم نانخواه چهل و دو درم شکر طبرزد نود
مثقال جوارش قمیحه قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط
غلیظه لزجه را دفع کند صفت دار فلفل زنجبیل هلیله زرد
تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا [illegible] سیاه تربد سفید از هر یک ده درم قند سفید شانزده درم
کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشته جوارش فواکه معده و دل و جگر را
قوت دهد و قی باز دارد و صفرا را دفع کند و تشنگی بدان
دفع کند صفت آب انار ترش و شیرین آب سیب آب به
آب امرود آب غوره آب زرشک آب سماق آب لیمو مرتع مساوی
بجوشانند تا بربع آید فرود آرند و قند بقوام زیاده آورده
و بتر [illegible] میرسند آبها را بمیر ریزند چندانکه خواهند در روی سنگ
ریزند باب الحاجب ایارج دماغ و اعضای سر را از فضول

نمک طبرزد از هر یک
یکی درم

واخلاط

واخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض عصبی را نافع بود
صفت ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم حب النیل و غاریقون
افتیمون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی از هر یک دانگی و نیم
کوفته و بیخته باب کرفس زیاده کرده بسرشند و حب سازند حب حبر اوجاع
مفاصل و نقرس و لعقود و فالج را نافع باشد صفت صبر سقوطری
یک مثقال تربد سفید یکدرم و نیم حب النیل و غاریقون از هر یک
نیم درم شحم حنظل دانگی و نیم نمک هندی قدری مقل و کتیرا از غیون
١ از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند حب
سورنجان مفاصل و نقرس و وجع القدم را نافع باشد صفت
صبر سقوطری ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان تربد سفید
از هر یک مثقال کتیرا دانگی حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک
هندی دانگی و نیم کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند حب
سورنجان نسخه دیگر همین خاصیت دارد صفت ایاره فیقرا تربد
سفید ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد

غاریقون دانیسون رومی از هر یک نیم درم سقمونیا دو کیرات ابهل سنجم
حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب برگ انجیر حب سازند حب
سورنجان توبخ دیگر صفت صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید
از هر یک نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی و نیم
درم سورنجان بحکم کرفس علک نیز از هر یک دانگی با آب برازیانج
حب سازند حب بسیار درد معده را نافع باشد و قوت باصره
دهد و درد سر و تاریکی چشم را ببرد صفت صبر سقوطری سه درم
پوست هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هر یک
یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال
یاره مثقال در وقت خواب فرو برند و بخسبند حب قوقایا
صداع و درد چشم را نافع باشد و فضلهای غلیظ را
از بدن فرود آرد صفت صبر سقوطری عصاره افتیمون
مصطکی از هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم
درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب

ودرکاه ... از ...

دابستنی

غاریقون افشرده کند ... و امراض کبد را نافع باشد
صفت افتیمون صبر سقوطری ... ... درم غاریقون
چهار درم افتیمون ... ... فرو ... از هر یک
دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب ... حب
سازند شربتی دو درم حب غاریقون دیگر که خاصیت
دارد و طبع را نرم کند ... هر شب از آن یکدرم بخورند
صفت غاریقون ده درم عصاره ... و ریوند
از هر یک ... درم تربد سفید پانزده درم با آب ... حب
... قالج و لقوه ... و ... بکشد و ...
... را نافع باشد ... صفت ...
... شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد
اند ... ... با آب ... کنند ... را
کوفته و بیخته با آب ... و حب سازند شربتی دو درم
حب اسطمخیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ

کوفته و بیخته با آب

دبادان غلیظ را ...

باک کنند صفت پوست هلیله کابلی شش درم آب افسنتین
غافث ایقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس
از هر یک ده درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارج
فیقرا ده درم سقمونیا دران محل کند دارو ها کوفته و بیخته
بان ... سرشند و حب سازند حب الذهب صداع و درد چشم را
نافع بود صفت صبر سقوطری هشت درم پوست هلیله زرد
ده درم کثیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک دو درم ورق
گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم
حبی دیگر که داء الثعلب و صداع و سودا و بلغم را نافع باشد
صفت افتیمون چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک
هندی افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال
انزروت بسفایج فستقی از هر یک مثقال تربد سفید
دو مثقال کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی
سه درم حب سکبینج قولنج بلغمی و بادها دفع کند

قرنفل یکدرم فانیذ چهاردرم
فانیذ را در آب بگدازند
و دو درم

حب الاسطوخودوس النافع من الصرع
والمالیخولیا والامراض السوداویة والبلغمیة
و داء الثعلب هلیله اصفر هلیله کابلی
اسطوخودوس صبر سقوطری
شحم الحنظل تربد ابیض
غاریقون افتیمون لسان العصافیر
وکبیبا ... قرنفل فودنج
... درهم

صفت ... تخم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم آب
سداب ... حب سازند شربتی یکدرم حبی دیگر که بادها و ... و ...
... را نافع باشد صفت تخم کرفس تخم اسفند
مصطکی زعفران از هر یک یکدرم قرابا ... فودنه اذخر
قسط ... دو درم ... اسارون از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته با آب سداب حب سازند شربتی یکدرم حب بادزهر ...
استسقا ... را نافع باشد صفت ریوند چینی ... عاقرقرحا
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون ... مازریون ...
ده درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر همین
خاصیت دارد صفت تخم ... و مغز بادام از هر یک
نیم درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند حب ... ...
... را نافع باشد صفت ایارج فیقرا ده درم
غاریقون دو درم و نیم شحم حنظل یک درم و نیم انزروت
چهار درم تربد هفت درم جاوشیر یک مثقال ... در دو درم

انیسون
پوست هلیله کابلی آمله سکبینج مقل
از هر یک دو درم

سقمونیا یکمثقال کوفته و بیخته با آب کنند تا حب بسازند شربتی
نیم درم یکدرم حب واحلی که [illegible] خاصیت دارد صفته
سنبل سلیخه حب بلسان اسارون [illegible] مصطکی دارچینی
زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس
تخم حنظل از هر یک نیم درم تربد سفید هفت درم نمک هندی
دو درم سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم حب شیطرج عرق النسا
و اوجاع مفاصل و درد ظهر را نافع باشد صفته پوست
هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دار فلفل از هر یک
یک درم خردل سه درم جوز شیطرج هندی تخم حنظل زنجبیل نانبند نبات
از هر یک دو درم تانبند سکری چهار درم و با آب کرنب حب
سازند حب غافث یرقان و درد جگر را نافع باشد صفته شربتی دو درم
غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته
با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که بهق و برص ۹
و صرع و امراض سوداوی را نافع باشد صفته ایارج فیقرا

نیم درم افتیمون ده درم لاجورد مغسول هفت درم سقمونیا
تخم حنظل خربق سیاه از هر یک ده درم سنبل [illegible]
از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب شربتی دو درم نیم
شاهتره جرب را نافع باشد صفته پوست هلیله زرد
هلیله سیاه از هر یک پنج درم صبر سقوطری هفت درم سقمونیا
دو درم نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم
حب مقل که بواسیر را نافع است صفته پوست هلیله
کابلی و مقل از هر یک پانزده درم تربد سفید ده درم سکبینج نیم درم
خردل دو درم مقل و سکبینج را با آب گندنا یکبار تر کنند تا خوب
حل شود داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن [illegible] کنند حب و حب سازند ۹
مقل نوعی دیگر که شقاق را نافع باشد طبع را نرم کند
و بحور را نافع باشد صفته پوست هلیله کابلی بیست درم
مقل ده درم کثیرا پنج درم انجیر را در آب بپزند تا مهرا انجیر سی عدد
شود و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست

هلیله کوفته با آن بیخته سرشته و حب سازند شربتی دو درم
حب مقل بیخته دیگر معده و امعاء و بواسیر را نافع باشد
صفته هلیله سیاه بلیله و آمله از هر یک جزوی مقل برابر
همه را در آب گیرند تا حل شود و داروهای دیگر کوفته و بیخته
با آن سرشته حب سازند شربتی دو درم و نیم استعمال نمایند نسخه دیگر
که بعون الله تعالی بنوشتند بواسیر را نافع باشد صفته
هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نانخواه هندی صعتر
مصطکی و سورنجان اشق هزار اسفند شاه تره هندی تا نخود
از هر یک یک درم سنبل زنجبیل زعفران دارچینی قرنفل
قلقل سلیخه از هر یک شش درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج
دو درم مقل و سکبینج را در آب گیرند و بگذارند و باقی
ادویه کوفته بیخته با آن سرشته و حب سازند شربتی دو مثقال
حب [illegible] دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج بگشاید
صفته سنبل [illegible] دارچینی [illegible] دار فلفل [illegible] مصطکی

از هر یک یک مثقال سقمونیا بیست مثقال قند سفید
[illegible] مثقال کوفته و بیخته تنها سازند هر یک مقدار نخود
[illegible] دفع میکنند حب بدا استسقا و [illegible] را نافع
باشد صفته صبر سقوطری دوازده درم افتیمون [illegible]
درم زعفران یک درم و نیم غاریقون [illegible] درم ماهی زهره کوفته
و بیخته حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر که [illegible] نافع
باشد صفته ایارج فیقرا یک مثقال [illegible] سنبل [illegible]
شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با [illegible] حب
سازند حب [illegible] ایارج فیقرا نیم مثقال افتیمون اسطوخودوس
بسفایج نمک هندی غاریقون از هر یک دانگی [illegible] بو
بلیله زرد شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب دیگر جهت [illegible] صفته صبر یک درم غاریقون
نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دانگی و نیم مصطکی و سنبل
از هر یک دانگی حب سازند [illegible] اسطوخودوس [illegible] حب

سقمونیا چهار درم سنبل [illegible]
ترنجبین سفید مصطکی از هر یک ده درم

دیگر بجهة ضعف باه صفت ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک
یکدرم حب النیل انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون
غافث قرصة الثعلب از هر یک دانگی نیم نمک هندی محموده دیگرا
از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر
بجهة آن صفت ایاره فیقرا یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون
ولا جورد مغسول پوست هلیله زرد بورکان از هر یک نیم درم
سقمونیا دانگی و یک طسوج کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب
هلیله حب دیگر آنا فع باشد صفت پوست هلیله زرد صبر سقوطری
از هر یک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانگی کوفته و بیخته حب
سازند حب فالج ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم
شحم اسطوخودوس بوزیدان از هر یک نیم درم کثیرا دانگی کوفته
بیخته حب سازند حب اسر خاجهة صرع نافع است صفت
ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم اسطوخودوس
بوزیدان عود صلیب از هر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی از

انیسون و کثیرا از هر یک دانگی

سکبینج شحم حنظل حب النیل از هر یک دانگی و نیم

هر یک

هر یک دانگی محموده نیم دانگ بآب رازیانه حب سازند حب
استسقا تربد سفید یکدرم ایوند چینی نیم درم غاریقون زراوند
مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگی نیم مغل الیهود تخم الجزره
از هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده دانگی
کوفته و بیخته بآب خالص حب سازند حب دیگر جهت استسقا
صفت ایاره فیقرا تربد از هر یک یکدرم غاریقون اسارون
ریوند چینی افسنتین رومی تخم الجزره از هر یک نیم درم نمک هندی
دانگی مقل دو دانگ بآب رازیانه حب سازند حب سیلان
سدی صفت دو درم پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک یکدرم
نمک نفطی نمک هندی رازیانه تخم کرفس از هر یک نیم درم
محموده دانگی و نیم بآب خالص حب سازند حب صبر ایاره فیقرا
تربد سفید صبر سقوطری از هر یک یک مثقال حب النیل نیم مثقال
شحم حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم انیسون یکدرم مقل
مصطکی کثیرا از هر یک دانگی بآب رازیانه حب سازند

حب بهق تربد یکدرم و دانگی و نیم غاریقون ایارج فیقرا
افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شیطرج عصاره
افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا گوز مقل انیسون
از هر یک دانگی با آب حب سازند حب لقوه تربد یکدرم و نیم ایارج
فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهی
زهره و زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده مقل از هر یک دانگی
با آب حب سازند حب غشا تربد سفید یکدرم پوست هلیله کابلی
غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ گل سرخ دو
دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ با آب حب سازند حب
تشنج در حشیشه سقز چهل درم تربد یکدرم و نیم سورنجان
چهار دانگ بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک
دو دانگ با آب حب سازند حب دیگر که درد نقرس در ساعت
بنشاند صفت آن زیره کرمانی انیسون فلفل سفید دارفلفل
موقف القرطم از هر یک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل فرفیون

از

صبر درم
فلفل ازرق زراوند گرد
غاریقون سنبل
راوند طویل دارچینی
انزروت زنجبیل
مصطکی سعد کوفی
سورنجان کندر
نانخواه بارزد جوز
درم

از هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان ثلث درم
با آب رازیانه حب سازند شربتی دو درم با آب زیره کرمانی
حب رجا تربد سفید یکدرم و نیم غاریقون ایارج فیقرا
افتیمون از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق ماهی زهره عصاره
افسنتین از هر یک دو دانگ شحم حنظل سقمونیا از هر یک
سه حبه مقل انیسون از هر یک دانگی با آب رازیانه حب سازند
حب اختلاج تربد یکدرم و چهار دانگ افتیمون نیم درم
عصاره غافث و عصاره افسنتین از هر یک
دانگی و نیم شحم حنظل مقل انیسون مصطکی از هر یک دانگی با آب
خالص سازند حب مفاصل تربد یک مثقال سورنجان نیم درم
شحم حنظل حب النیل تمر هندی زنجبیل محموده از هر یک
دانگی و نیم ایارج فیقرا یکدرم گل سرخ انیسون مصطکی
از هر یک دانگی مقل دو دانگ کبریت الصبوح با آب خالص
حب سازند حب ایوند تربد یکدرم ایرسا نیم درم ایارج فیقرا

غاریقون از هر یک یکدرم محموده دانگی مقل دو دانگ نمک هندی
نیم درم باب حب سازند حب رعشه ایارج فیقرا و غاریقون از
از هر یک یکدرم جند بیدستر شیطرج هندی بذر الانجره از هر یک
سه درم سکبینج و شحم حنظل از هر یک چهار درم کوفته و بیخته
باب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب یرقان صبر سقوطری
یکدرم محموده یکدانگ و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره
غافت دو دانگ باب کاسنی حب سازند صفت حبی که نافع است
جهة نقرس حار سورنجان یکدرم محموده دانگی و نیم تخم
کرفس دانگی صبر سقوطری یکدرم باب کاسنی حب سازند صفت حبی
دیگر که بلغم را از مفاصل و بیرون جذب کند صفت
سعد کوفی سورنجان بوزیدان از هر یک یکدرم و نیم ماهی زهره دو
دانگ تربد چهار دانگ شحم حنظل دانگی و نیم فرفیون دانگی باب
خالص حب سازند صفت حبی دیگر که وجع ظهر را نافع باشد
شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر سقوطری چهار درم عنزروت بیدستر

مقل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته باب حب سازند شربتی دو درم بنم
حب بیرو ما او علاج مفاصل را در روز با صلاح آورد صفت
صبر سقوطری تربد سفید از هر یک هشت درم سورنجان زرد
بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم افتیمون و سقمونیا از
هر یک یکدرم و نیم باب کشته تا حب سازند شربتی سه درم باب کرم

مقل یکدرم و نیم

حب لاجورد سودا را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد
صفت لاجورد مغسول سه درم قرنفل افتیمون سقمونیا از هر یک
یکدرم غاریقون پنج درم افتیمون و بسفایج از هر یک چهار درم
ایارج فیقرا شش درم باب کرفس حب سازند شربتی سه درم در
ماء الجبن حب کوکنایا عصاره سرد معده و از اخلاط پاک
گرداند و قاطع دلقوه و داء الثعلب را نافع باشد چون یکدرم از این حب
و یکدرم ایارج فیقرا حب کرده بخورند چشم را روشن سازد و
مانع نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن پاک گرداند
حب صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک

دانگی و نیم مقل دانگی کثیرا نیم دانگ باب حب سازند حب العزره
نقوه در عرق و فالج را نافع باشد صفته زنجبیل فلفل دار فلفل
شیر انگ سعد کوفی مصطکی دار چینی سنبل سلیخه اسارون از هر یک
ده درم صبر سقوطری هشت درم باب کرفس حب سازند شربتی
دو درم و نیم حب الصدر سرفه کهنه و ضیق النفس و ربو و امراض
سینه را نافع باشد صفته غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم
اصل السوس شحم حنظل ایارج فیقرا انزروت از هر یک دو درم باب
حب سازند شربتی یک مثقال بعاد العلل کوزند حب الملوک نافع است
کسی را که مسهلات در طبع او کراهیت داشته باشد و مسهل را می کند
صفته تربد سفید یک درم و چهار دانگ غاریقون چهار دانگ
پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم افتیمون
نیم درم گاوزبان [illegible] بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران
گل سرخ از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب منفعت
امراض چشم و سینه را نافع باشد و صفرا دفع کند صفته [illegible]

دو درم تربد یک مثقال محموده دانگی و نیم رب السوس نیم درم باب
حب سازند حب الملوک دیگر قولنج بکشاید و بادهای غلیظ را
دفع کند صفته صبر سقوطری [illegible] تربد [illegible] دو درم پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی [illegible] دو درم مصطکی زعفران
ساذج هندی قسط سلیخه ریوند چینی سنبل الطیب انیسون [illegible] کرفس
قرنفل فلفل [illegible] دار چینی [illegible] اقاقیا از هر یک نیم درم سقمونیا دو مثقال
مسک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی از درم تا دو درم
حب افتیمون [illegible] درد معده را سود دارد [illegible] صفته
ایارج [illegible] شحم حنظل غاریقون [illegible] افتیمون مقل از
هر یک ده درم تربد شش درم محموده یک درم باب حب سازند شربتی
دو درم نیم حب بسفایج بلغم و سودا را از معده و دماغ پاک
گرداند صفته ایارج فیقرا ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل
شش درم اسطوخودوس و افتیمون از هر یک دو درم نیم
باب حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که جمیع امراض سودای

تربد هشت درم سقمونیا یک درم نیم

وصفرا وی را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد شش درم
پوست بلیله آمله مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایارج
فیقرا پنجدرم تخم کدو مقشر عصاره افسنتین از هر یک درم تخم کرفس
نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با آب کاسنی حب سازند
شربتی سه درم حب السعال صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک دو درم مغز دانه
مغز تخم کدو و تخم خیار از هر یک دو درم مغز بادام مقشر خشخاش سفید از
هر یک چهار درم شکر طبرزد دو چند از هر یک [illegible] درم کوفته
و بیخته بلعاب بذر قطونا حب سازند اگر سرفه بلغمی باشد رب
السوس منقی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم اضافه نمایند حب
السعال که نافع است اطفال را که از بسیاری سرفه قی کنند دیگر [illegible]
که مانع باشد از خواب در شب و نزول ماده را دفع کند صفت
نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید افیون مساوی کوفته و
بیخته بلعاب به دانه حب سازند هر یک مقدار یک نخود حب السعال بارد
مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک

یکدرم

یکدرم رب السوس دو درم با قلا سه درم بلعاب بذر قطونا
حب سازند و بخورند حب السعال حار صفت پوست بیخ رازیانه
پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام کوفته و بیخته با آب
خالص حب سازند [illegible] حب السعال دیگر سرفه خشک را نافع
باشد صفت نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی
کثیرا کوفته و بیخته بلعاب به دانه حب سازند حب السعال
نوعی دیگر که [illegible] را نافع باشد و سرفه گرم و
سرد صفت صمغ عربی کثیرا مغز به دانه تخم خطمی رب السوس
خشخاش سفید تخم خرفه قند از هر یک سه درم مغز بادام با قلا مغز
مغز تخم کدو دانه از هر یک [illegible] درم بلعاب بذر قطونا حب سازند
حبی دیگر که سینه را پاک و آواز را صاف کند و حرارت [illegible]
کهنه را نافع باشد صفت مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده
مغز چلغوزه از هر یک دو درم کثیرا انیسون صمغ عربی [illegible] اصل السوس
رب السوس از هر یک نیم درم کثیرا نمایند قند از هر یک

مغز تخم خیار

مغز بادام شیرین

چهار درم با آب رازیانه و قدری عسل حب سازند حب
دلیره را
المسک بوی دهان خوش کند و قوة دهد صفت فلفل و قرنفل
خولنجان عاقرقرحا از هر یک یکدرم گل سرخ صندل سفید
هلیله از هر یک دو درم طباشیر نیم درم مشک کافور از هر یک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب المسک همین خاصیت دارد
صفت فاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل از هر یک
یکدرم مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک یک مثقال
سعد کوفی دو درم بگلاب حب سازند حب دیگر که همین منفعت دارد
صفت مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد کوفی سنبل پوست ترنج
عود خام مساوی کوفته با آب زرد الو حب سازند از بهر سودا که خون در
دهان و معده هر صباح یک حب ازان در دهن نگه دارند حب دیگر بوی
سیر و پیاز و شراب از دهان ببرد صفت پوست ترنج قرنفل مشک
هیل زنجبیل کبابه سنبل بسباسه سعد کوفی از هر یک نیم درم مشک و طباشیر از هر یک
نیم درم عنبر هم مثقال صندل سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب

حب سازند و به دهان گیرند حب دیگر همین عمل کند کبابه چینی قرنفل
قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود خام یکدرم
کوفته و بیخته بگلاب که صمغ عربی در آنجا منقوع باشد سرشته حب سازند
حب مقل قاطع خون رفتن از بواسیر باز دارد پوست هلیله سیاه
پوست هلیله کابلی آمله مغز مقل از هر یک دو درم مرجان کهربا
دوده سوخته از هر یک یکدرم مقل در آب گندنا حل کنند و
داروها صلایه کرده دران آمیزند و حب سازند و شربتی دو درم
حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت هلیله کابلی بریان
کرده بروغن گاو سی درم کندر یا ده مثقال مقل برابر هم با آب
حل کنند و ادویه دیگر را کوفته و بیخته بان آمیزند و حب سازند
شربتی دو درم حب الملک طبیعت را ببندد و خون رفتن باز
دارد صفت سماق دو درم مازو یکدرم پوست انار نیم درم حب الآس
ده درم تخم زبیب سه درم کوفته و بیخته با آب بلعاب صمغ عربی
حب سازند شربتی دو درم با آب مورد بدهند و از معقبات آن آب

بازبیت
تمت

بروتبان خورند حب کبدی که اسهال نخلتیه باشد سود دهد صفته مازو
گلنار زج افیون مساوی با آب حب سازند شربتی یکدانگ حب دیگر
که اسهال را باز دارد مجرب قرفه چند بیدستر افیون مساوی کوفته
و بیخته حب سازند بقدر نخود مقابل یک حب فلفل بر سر هر حب
ما بیخ بخورند صفت المنیر اسهال کهنه و ترحید اتلاف باشد کاهی
که حرارت و عفونت نباشد صفت چند بیدستر اسارون میعه
سائله بذر البنج سیاه کندر مساوی کوفته با آب حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر که در ساعت شکم به بندد صفت افیون یکدرم
اقاقیا دو درم گل گز سماق حب الآس از هر یک چهار درم
کوفته و بیخته با بلی که بعضی عرب در آن منقوع باشد حب سازند
شربتی نیم مثقال بخورند حب که منفعت تمام آرد بطلی اسهال
اثر تمام دارد صفت عود خام قرنفل کبابه چینی قسط فلفل
از هر یک سه درم زعفران نیم درم بالنگو ده درم دارفلفل تخم
تخم بابونه و مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند

بقوام

بقوام آورند و بسرشند و حب سازند هر یک یکدرم مقدار تجویزی
حب که مسکن اوجاع است صفت مصطکی حب الغار زنجبیل زعفران
فلفل قرنفل سنبل سیلیخه سنبل مدنی عاقرقرحا از هر یک یک مثقال مسک
دانگی افیون یک مثقال و نیم بلعاب حب سازند شربتی
یکدرم حب حقنه گشنیز حیات است و سرسام و اعراض حاده را نافع
بود و طبع را نرم کند صفت عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر تخم
کوفته سپوس کرسنه تخم خطمی خیار شنبر الکلیل الملک از هر یک کفی
انجیر پنج عدد و در رطل آب بجوشانند تا برطلی آید درپالایند
شکر سرخ پنج درم روغن بنفشه بادام ده درم
روغن کنجد ده درم آنجا پنج درم اضافه نموده و نیم
گرم حقنه نمایند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس
ده درم سپستان سی عدد دو کف بنفشه نیلوفر
از هر یک پنج درم بابونه یک کف جمله را در سه من آب بجوشانند
تا بیک من آب آید و صاف کنند و ده درم لعاب بذر قطونا

و بیست درم بهم عسل منقی و بادام کوفته ده درم بیجاده دو درم
نمک
بوره ارمنی و یک درم اشنان و نمک هندی ثلث درم شکر سرخ در آن
حل کنند و [illegible] بزنند حقنه معتدله جالیه برای اکثر عناب
سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک [illegible] سبوس گندم
از هر یک کفی بپزند چنانکه بر ثلث آید و بپالایند و ده درم [illegible]
و دو درم بوره ارمنی [illegible] نمک هندی [illegible] ده درم گلاب و روغن [illegible]
اضافه کرده حقنه کنند و [illegible] عمل نمایند حقنه حاده شحم حنظل افتیمون
بسفایج از هر یک دو درم قنطوریون [illegible] بپزند و بپالایند
و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن [illegible] بابونه اضافه نمایند و استعمال
کنند حقنه دیگر قوی که بلغم [illegible] و بادهای غلیظ را پاک سازد
حقنه حلبه بزرگ قنطوریون [illegible] بابونه [illegible] نیم کوفته حنظل از هر یک
کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم
برگ چغندر برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته
تخم [illegible] از هر یک سه درم [illegible] کوفته [illegible] بپزند و بپالایند

ده درم ثلث شحم حنظل

[illegible] الجبر نیم کوفته

چنانکه [illegible] یک درم [illegible] ده [illegible] بوره ارمنی و نیم
ده درم
درم [illegible] ده درم آب [illegible] و [illegible] شکر سرخ اضافه کنند
و استعمال نمایند حقنه دیگر [illegible] رفع [illegible] بلغم را نماید
باشد حقنه سنا مکی [illegible] درم شبت بابونه [illegible] نیم کوفته [illegible]
از هر یک کفی برسیاوشان بابونج [illegible] قنطوریون دقیق [illegible] از هر یک
دو درم شکر سرخ [illegible] ده درم آب [illegible] ده مثقال آب برگ
چغندر و روغن زیت از هر یک ده درم نمک و بوره ارمنی
نیم درم بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر که قوی [illegible] نماید
سنا مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هر یک
سه درم [illegible] لیمون بسفایج از هر یک ده درم بابونه
از ده
سبوس گندم گل خطمی از هر یک کفی گل سرخ تازه ده عدد
و روغن زیت روغن گل سرخ شکر سرخ آب برگ چغندر
از هر یک ده مثقال [illegible] مثقال [illegible] و کلغندر [illegible] از
هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم [illegible] و صاف کرده [illegible]

رحمت کلفی بیند صفت کودن رقوده و اسهال صفرا را
برگ خرزهره آب
سود دارد صفت آب برگ ... از هر یک چهل مثقال تخم مرغ
بر روغن گل آمیخته با بیضه ... نیم درم ... [illegible]
کاغذ سوخته سعید آنک کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم
با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند صفت دیگر قرص
اسهال را نافع باشد صفت ... [illegible] ...
... از هر یک ... مثقال بیزند ... سازند و سعید آب
... از هر یک نیم درم زعفران
... از یک یکدرم ... ده درم گل
کنند در یکدیگر ممزوج سازند ... باب البحار
یقوی ... [illegible] ...
... بسیار ... صفت شراب کهنه
ده رطل عسل صاف ... رطل زنجبیل ده درم قاقله ... زعفران
از هر یک یکمثقال ... از هر یک نیم درم دارچینی و فلفل

دماغ را

درآن افکنند

... [illegible] ... مشک و زعفران ... کند
و ... [illegible] ... و کنیرا ...
... [illegible] ... مشک و زعفران
... خضاب ... [illegible] ...
کثیرا ... [illegible] ... از هر یک ... درم ...
... درم ... در روغن زیت ... [illegible] ...
... [illegible] ... آب گرم ... بکذارند ... چهار
ساعت ... [illegible] ... کنند
خضاب ... [illegible] ...
بشویند خضاب دیگر ... ده درم ... پوست ...
... از هر یک ... درم ... بیست روز ...
بنهد و ... خضاب
دیگر ... در سرکه جوشانیده بیست درم ... روغن زیت
بکنند تا سوخته شود ... درم ... سوخته پوست کردکان ... [illegible]

آمله

هر یک ده درم ... با روغن ... تعالی الله هر یک

ششم درم ... و بیخته با عسل کرم ... شیرین

هر بعد از آن ... بیست ... هر یک

خیف دیگر پوست گردکان ... یونس ... شعر

لادن ... کوفته و بیخته با ... کرم ... سازند و خضاب کنند

خضاب دیگر ... درم ... درم ... سوخته ... سیاه

نمک اندرانی ... کرده ... روغن ... زیت و خضاب

اکنند ... از هر یک ... درم کوفته و بیخته با ... کرم ... شند و خضاب

کنند خضاب دیگر شکوفه گردکان و ... با روغن زیت ... کنند

... استعمال نمایند و بعد از ... ساعت با آب گرم بشویند باب الدوال

دوا السعد و آن ... الملوک ... گویند او ... مقاصد و

... و ... سعید و سیاه و ... را نافع باشد

... را قوی گرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون استعمال

نماید موی او هرگز سفید نشده باشد سفید نشود صفت ...

۱۶

و بلیله و آمله از هر یک ... مثقال ... هر یک چهار مثقال

... از هر یک ... دو مثقال

فاقله ... سه ... از هر یک ده مثقال ... سعد

مثقال ... را کوفته و ... کنند دوا دردها را

کوفته و بیخته ... با عسل ... سرشته ... از هر یک

... مثقال ... و نیم هر بامداد ... از آن بخورند و در سال

که این معجون استعمال نماید از ... دوا

والمسک ... صفت معده و دل و خفقان ... و ... التفرح

دا فراق سوخته دی را

... مربع ... المسکی ... و قع

کنند ... صفت ... از هر یک

مروارید ... ابریشم مقرض از هر یک نیم درم ... سرخ

و سفید ... هندی ... التعلیب ... از هر یک

چهار دانگ ... از هر یک دو دانگ مشک دو دانگ و نیم کوفته

و بیخته به عسل آتش ندیده ... بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی

کاربه عسل بلادر از هر یک شرح مثقال

دوا المسک بارد

ابو بکر... دوا المسک بارد و نسخه معتقه

این کمپانیست معطر... چهار درم مروارید ناسفته دو درم کهربا

چهار درم ابریشم مقرض دو درم صندل سفید ... کوفته و بیخته با

... ساز ند دوا المسک مر رطوبات معده را

... و خفقان سودا نافع و درم ... نافع باشد صفت

افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم ریوند چینی شش درم

... زعفران ... از هر یک چهار درم مسک ...

... مروارید ... از هر یک دو درم ... یکدرم و نیم

بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال دوا المسک کبیر ... طحال

و معده و استسقا و برد ... معده را نافع باشد و سده بگشاید

و بول براند و سنگ گرده و مثانه براند و بدن را لاغر کند صفت

لک مغسول ... تخم کرفس ... ازهر یک

درم ... از هر یک چهار درم ...

... از هر یک یکدرم صبر سقوطری و سنبل از هر یک دوازده درم

قرہا

قو ... درم حب بلسان ... مصطکی قصب الذریره ...

مقل از هر یک ... درم ... درم دار فلفل ... طویل از هر یک

... درم ... ریوند چینی جعده

اذخر از هر یک دو درم فلفل قسط از هر یک دو درم ... درم

کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال دوا المسک صغیر منافع

آن قریب بمنافع کبیر است صفت لک مغسول ... تخم ...

اذخر ... حب الغار ... فلفل از هر یک ده درم ریوند چینی ...

درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین ...

گرم بخورند دوا الکرکم کبیر امراض جگر و سپرز را که از سردی بود نافع

و سده بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند و گرده و مثانه را قوت

دهد و بول براند و استسقا را که بسبب ورم جگر و سده باشد سود

دارد صفت زعفران دو دانگ ... اسارون ...

و قطراسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل ... درم قسط

و سلیخه و فقاح اذخر ... از هر یک یکدرم ...

[illegible]

پنج درم عود ده درم رب السوس مصطکی غافث از هر یک
سه درم قصب الذریره چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یکدرم یا
بماء العسل
صفت دواء الکرکم نافع کبد ... قریب ... ده درم
زعفران سنبل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بیک شبانه روز در
شراب انگوری ترکنند و روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
دبید ورد سنبل الطیب سادروان قسط مصطکی اسارون مغول صندل
سفید طباشیر سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال ورق گل سرخ ده مثقال
عسل سه وزن ادویه دواء الکبریت امراض بلغمی و سوداوی و تبهای
کهن و ناقص و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که از سینه بیرون آید
و استسقا و درد سینه و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و حرارت ادویه تیزه چون افیون و شوکران و بنج را
دفع کند و از جهة گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفته
کوکرد زرد ... ماهیزهره از هر یک درم ... سداب و قسط از
هر یک ده درم افیون و زعفران از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم

و وسط تفاح او خ
دارچینی از هر یک یکدرم

بذر البنج سفید

فلفل سفید حلتیت دو دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
و جهت ... کلی بشکند و قولنج را نافع باشد صفته ... سنبل
دارچینی ... و حلیم از هر یک ... درم دواء نافع عقرب فلفل و دار
فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی دو درم دواء الحلتیت
بجهت گزیدن عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد از جهة
تب ... دهند بعد از آن که جهل روز کهنه گشته باشد و از
جهة گزیدن جانوران زهردار در شراب دهند صفته حلتیت سداب مر فلفل
ساوی کوفته و بیخته بعسل سرشته مقدار یک جوز بخورند دواء الملح
دیلمون استسقاء و اکثر امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفته
ماهی زیتون در سرکه خیسانند و یک شبانه روز در سایه خشک کرده یکدرم
زیره کرمانی و نمک هندی ... بلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون
دواء ... تربد سفید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو درم
زنجبیل مصطکی از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شکر طبرزد

صفت
حمیات بلغمی را نافع باشد

جهل درم شربتی بهر شب یک مثقال دواء الترنجبین ضعف باه را
که سبب آن حرارت غالب باشد نافع بود صفت ترنجبین یکصد و سی درم در
دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملعقه بنوشند
دواء المسک در تقویت باه بی نظیر است صفت حسک خشک
بکوبند و بیزند و در آب حسک تر نه روز در آفتاب بنهند و
و هر روز تازه کنند چنانکه آب حسک تر بر دو رز حسک خشک
بکار رود پس خشک کنند و سه درم ازان با پانزده درم شیر تازه
و ده درم نبات سفید بنوشند و بر دفع اخراج قدری زنجبیل کوفته
و بیخته اضافه می نمایند دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آرد
و بغایت مقوی باه بود صفت آب پیاز بگیرند و عسل در وی جوش دهند
تا بقوام آید و در وقت خواب دو ملعقه ازان بنوشند
دواء الکمونی جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت
بود و یا قی بود صفت هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم
قرنفل مثلو یکدرم نانخواه و صعتر فارسی از هر یک سه درم حب الآس

ده درم

ده درم شربتی دو درم با شراب کهنه بخورند دواء الخطاطیف
خناق بلغمی و سوداوی را نافع باشد چون غرغره کنند یا بر خارج
حلق طلا کنند صفت تخم کرفس انیسون و نانخواه و بزر
اسپند و دارچینی و حرو و زراوند طویل زعفران از یک ده درم
گل سرخ بیست درم قسط رماد الخطاطیف از هر یک سی درم مشک
و سنبل از هر یک پنجدرم مازو سبز کوفته و بیخته بعسل سرشته
و استعمال نمایند دواء الخردل همین خاصیت دارد صفت
هزار اسپند تخم ترب حلتیت بوره ارمنی و نوشادر بسیار کوفته
و بیخته استعمال نمایند دیافوزا دفع نزلات و سرفه کهنه و خشکی را
بغایت مفید باشد صفت تخم خشخاش سفید با پوست تخم خطمی
کثیرا صمغ عربی تخم خیار از هر یک ده درم اصل
السوس بیست درم بذر قطونا ده درم مجموع را در شش رطل
آب باران خیسانند و شبانه روز تا نرم شود پس بآتش نرم بپزند
تا مهرا شود و به نیمه آید بعد ازان صاف کنند و یکمن قند سفید

اطعام نمایند با قوام آورده دوا فوه بنفشه و کل قرنفل المنفعه است
بالجمله ادویه صفت خطمی تخم کاسنی سفید بابونه بیخ کاسنی سیاه
هر یک یک درم و دو مثقال بنفشه مرمکی و صمغ عربی از هر یک نیم
مثقال اصل السوس سه درم آب انار ترش و شکر با هم یک
مثقال بپزند سفید صمغ در شربت سازند و بخورانند [illegible] رحمت
دیگر [illegible] اگر درد ناصور و لحم زاید را نافع باشد صفت
زرنیخ زرد و زرنیخ سرخ از هر یک شش درم توتیا دو درم آهک آب ندیده
پانزده درم زنگار یکدرم کوفته و بیخته با سرکه کهنه بسرشند و قرص سازند
دارو که معتبر و باید که از دست پادشاه گیرند صفت برگ جاسوز [illegible]
تبوره و نوشادر بریان کرده [illegible] کوفته و بیخته به روغن معود
یا روغن زیت بسرشند استعمال نمایند دارو که درد پا را [illegible]
صفت سیب یمانی در آب حل کنند و پای را بدان بشویند و پای
را با آب برگ سوسن یا برگ سوسن یا زرگ [illegible] بشویند نافع باشد دارو
که حب القرع و کرمهای دراز را بکشد و اخراج کند صفت

حنظل

قنطوریون [illegible] مر [illegible] بنج از هر یک نیم درم [illegible] دو درم [illegible]
رنگ کابلی [illegible] از هر یک یکدرم [illegible] کوفته و
بیخته با شیر و شکر بیاشامند و [illegible] دارو که [illegible] همین
خاصیت دارد ترنگ [illegible] درم [illegible] قنبیل یکدرم
حب النیل نمک [illegible] از یک نیم درم کوفته و بیخته بجوز
[illegible] دارو دیگر [illegible] بر آتش نهند [illegible] دود آن
جانوران [illegible] صفت [illegible]
کوزی [illegible] دارو [illegible]
و بیخته [illegible] استعمال نمایند دارو که [illegible]
برگ مورد و [illegible] گل سرخ صندل و گلاب بکوبند و جامه
را بدان تر کنند و بپوشند دارو که نافع است از جهت کرمی
که در گوش باشد صفت شراب [illegible] درم [illegible] درم روغن ۹
گل یکدرم سفیده و تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و پشم
پاره بدان تر کنند و نیم گرم در گوش نهند [illegible]

مکیده کنند یکساعت و بعد ازان بچکانند آب شلغم پاره را بیرون
کشند کرم بیرون آید البته دارو دیگر که از جهت کرم دندان مجرب
و جمیع بالخاصیه مفید باشد صفت آهک یک توت کوفته
بسته بیند بر روغن بو پنبه بر کشند و بر محل زخم نهند با آهک در رز ده
لحم آمیخته بر زخم نهند درد ساکن گردد و اگر با قلای کوفته
بدوشاب سرشته بر موضع گزیده مالند فی الحال درد ساکن ۹
گرداند و اگر کرم را در روغن کنجد بجوشانند و بپالایند
و کسی را که کژدم بگزد بران موضع مالند درد ساکن شود
و اگر با عسل آن روغن را بیامیزند و اگر در هم خورده کژدم اندازند
اورا درد نکند و اگر حرکت گوش خر بر موضع گزند کی مالند
درد ساکن شود و اگر ریش بزرگ تر کرده بتند همین
عمل کند اگر آن کژدم که کسی را گزیده بود بگیرند و بنمک سوده هم
بروغن کرم کشند و بر زخم کژدم نهند و اگر رکب
تاک بکوبند و بر موضع نهند فی الحال درد ساکن شود

حیض کودک را دور برآید اوران نیم درم بکام کودک بمالند

جراغ همین عمل کند

و اگر چون حضور دا ... بگیر و بپزند و ... نرم باشد
دارو دیگر که ... مقتول ... سبب ... بلون مصطکی
سورنجان از هر یک دو درم ... درم ...
سه درم روغن گل ده مثقال روغن زیت ... مثقال
آب لیمو پنج مثقال بیه بزرسی مثقال اگر ... باشد
و سفید آب و مرداسنگ از هر یک دو درم زنگار نیم درم
نمایند و بطریق مرهم ترتیب ... بدستور معمول ...
دارو دیگر که بیهوشی آورد افیون ... دو درم
در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی کنند ... آب تمام
و نابود گردد ... خشک کنند و ببویند که همین عمل
ازان هر که ... بیخود شود دارو دیگر که همین عمل کند
سیاه و تخم ... از هر یک پنج درم ... دو مثقال بکوبند
تا صاف شود ... بقوام آید ... مثقالی ازان ... باشد
و اگر در شراب کنند هر که بخورد بیخود گردد و اگر خواهند که مست

نیم رطل بجوشانند

واگر

دوای صلح درب

نوع دیگر شیار کوده سرکه کهنه با گلاب به جهند یا دو ع گاو
بیرق سرو کرده ابنوشند دوای که نافع است از جهة حکه
وجرب وبعضی آنرا قشعی گویند صفته پوست هلیله
زرد شش درم سناء مکی وشاه ترج از هر یک دو درم افستین
یکدرم دنیم کوفته وبیخته با کشمش کوفته بسرشند شربتی
مثقال یک جوز بخورند دوای که نافع است از جهة درد دندان
که سبب حرارت باشد صفته افیون یک دانگ در روغن گل
حل کنند وقدری پنبه بدان تر کنند وبر دندان نهند
نافع باشد دوای دیگر نافع است از جهة درد دندان که
سبب آن برودت باشد وآن را تریاق الاسنان خوانند صفته
جند بیدستر حلتیت فلفل مرزراوند مدحرج زنجبیل میویزج افیون
بذر البنج مساوی کوفته وبیخته بعسل بسرشند وبفتیله ایران تر کنند
وبر دندان نگه دارند دوای دیگر که همین منفعت دارد صفته
فلفل عاقرقرحا میویزج زنجبیل از هر یک یکجز وبوره ارمنی

یکجز

یکجز ونیم کوفته بعسل بسرشته استعمال نمایند دوای دیگر که دندان
سوراخ دار را نافع باشد صفته فلفل عاقرقرحا بابزه مساوی
فلفل وعاقرقرحا را بکوبند وبا زرد برشته ودر سوراخ
دندان نهند نافع باشد دوای دیگر که لثه را محکم کند
وگوشت رفته برآرد باید صفته کندر زراوند مدحرج دم
الاخوین گلنار استعمال نمایند دوای دیگر که درد دندان از باد ساکن
کرده اند صفته عاقرقرحا میویزج از هر یک سه درم تخم مورد
یکدرم آب گشنیز تازه بیست مثقال سرکه ده مثقال بجوشانید
تا بسیار رنج وبر دندان نهند همین عمل کنند واگر سداب تازه
یا مویز سیاه بکوبند وبر دندان نهند همین عمل کند باب
الذال وزدر ملکا یا درد تیغ وابتدا از ردعرا نافع باشد صفته
انزروت پرورده بشیر خرانشاسته صمغ عربی نبات مساوی
کوفته وبیخته بحریر استعمال نمایند ذرود اصغر نافع از جهة بهت کمه
المده ودرد چشم که سبب آن رطوبه باشد صفته انزروت

سواک زوفا زرانان مامیرا
مصطکی یکدرم

...

مربی پنج درم شیاف مامیثا دو درم صبر سقوطری زعفران کحل
کحل از هر یک نیم درم افیون چهار دانگ کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور اصفر دیگر انزروت مربی ده درم
صبر زعفران حضض از هر یک دو درم مرصاف یکدرم کوفته
و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر اصفر که قرحه دموی سرخ را
نافع باشد صفت سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول
صلایه کرده در حمام بسازند ذرور وردی ابیض از هر یک دو درم
ابتدای رمد را نافع باشد صفت اقلیمیا و نقره سفیداب
صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا بیست درم صمغ عربی
چهل درم کحل سفید شش درم نشاسته سی درم افیون ده درم
کوفته و بیخته با یک دیگر (بگیرند) پرورده سازند و ذرور کنند
ذرور رمادی جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفت
مامیران چینی یکدرم توتیای کرمانی پرورده شیح سوخته [illegible]
توتیای مسی سوخته (مغسول) سرمه اصفهانی پرورده از هر یک دو درم کوفته

و بیخته

و بیخته استعمال نمایند ذرور وردی انزروت [illegible] درم اقلیمیای (سفیداب)
نقره دو درم و دو دانگ [illegible] صمغ عربی یکدرم
و دو دانگ انزروت نیم درم مس سوخته دو دانگ [illegible]
شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته (بگیرند) استعمال نمایند ذرور
انزروت قرحه را پاک سازد صفت [illegible] درم انزروت
مربی اسفیداب رصاص از هر یک دو درم کوفته و بیخته
ذرور سازند ذرور [illegible] را نافع بود [illegible]
نباشد صفت سرگین خطاف [illegible] انزروت [illegible]
[illegible] اقلیمیا کوفته و بیخته [illegible] (استعمال نمایند) ذروری [illegible]
و جرب و ضعف بصر را نافع باشد [illegible]
صفت توتیای مغسول ده درم پوست هلیله زرد صبر سقوطری
دار فلفل زرد چوبه از هر یک پنج درم فلفل دو درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذروری که نافع است از جهة درد چشم کهنه
و سرخی و آب رفتن صفت توتیای مغسول نشاسته و سفیداب

موسرح [illegible]
نافع بود صفت

ابیض [illegible] کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور طوره شیاف
مامیثا شادنج هندی [illegible] از هر یک یکدانگ و نیم درم فلفل و
زنجبیل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری که نافع
از جهة جرب و سبل و ظفره و [illegible] صفت اقلیمیا صمغ عربی
از هر یک دو درم زعفران فلفل شنگرف از هر یک دو درم افیون
یکدرم و نیم صلایه کرده استعمال نمایند ذروری که از جهة درد چشم
اطفال نافع است صفت انزروت مربی [illegible] از هر یک
ده درم مامیران [illegible] از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور [illegible] دار فلفل دو دانگ [illegible] حضض [illegible] از هر
دو درم زبد البحر یکدرم مامیران چینی دو دانگ صبر [illegible]
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور سبل توتیای مغسول دو مثقال
مامیران چینی دو درم حضض [illegible] زبد البحر صبر سقوطری دار فلفل [illegible]
هلیله زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی
یکمثقال کوفته (و بیخته) ذرور سازند ذروری که همین خاصیت دارد

صفت

صفت انزروت دم الاخوین [illegible] از هر یک
نیم درم عدس مقشر کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری که گوشت
فاسد شده را بخورد و مرهم جراحت [illegible] درد [illegible]
به شدن [illegible] جراحت [illegible]
صفت انزروت چهار درم دم الاخوین دو درم کحل [illegible]
از هر یک یکدرم صبر سقوطری [illegible] از هر یک ده درم کوفته
و بیخته ذرور سازند که بسیار نافع است ذرور بیاض شادنج [illegible]
مس سوخته سرمه اصفهانی [illegible] از هر یک [illegible] شادنج عدسی
مغسول [illegible] از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران چینی
از هر یک دو درم صلایه کرده ذرور سازند ذرور کافوری نافع از جهة
حرارت چشم و درد صفت صدف سوخته مروارید ناسفته از
یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه کرده ذرور
نموده استعمال نمایند ذرور اربعه گوشت برویاند خون
رفتن از جراحت باز دارد و رعاف را نافع بود صفت

کحل [illegible] شیاف مامیثا
از هر یک یکدرم

بندد و ثبت کنند درم الا قیمتین مساوی کوفته و بیخته ذرور سازند
جفت معقد
ذروری که نافع است از قروح و قشور رحم و مقعد صفت
سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو مساوی کوفته و بیخته مقعد را
به روغن گل چرب کنند و بر آن افشانند ذروری که از استر جای
مقعد را نافع باشد صفت جفت بلوط مازو جلنار کندر
شیخ سوخته کلنار زاج کوزن محرق مرداسنگ صدف سوخته
اقاقیا مساوی جمله را کوفته ذرور سازند ذروری که همین خاصیت
دارد صفت جفت بلوط کلنار جوز سرو کاغذ سوخته از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بر مقعد افشانند ذروری که سوختگی آتش و
روغن گرم و مانند آن را نافع باشد صفت مرداسنگ
آهک و حنا از هر یک قدری بکوبند و جای سوخته را به روغن
گل چرب کنند و این دارو بر وی افشانند در سه روز خوش شود
باب آرا آه روغن قسط فالج و لقوه و معده و جگر سرد را
سود دارد و سیاهی موی را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد

صفت

صفت قسط ده درم شلیخ فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا
چهار درم جندبیدستر دو درم شراب کهنه صد درم روغن زیت
پنجاه درم قسط و شلیخ و عاقرقرحا را نیم کوفته در شراب خیسانند
یک شب و صباح شراب را بجوشانند تا به نیم آید بعد از آن روغن
زیت را در آن ریزند و چندان بجوشانند که شراب برود و روغن
بماند و بعد از آن جندبیدستر و فرفیون کوفته و بیخته در آن
ریزند در زجاجی که از آتش فرود آورده باشند روغن قسط
به نحو دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع است
صفت قصب الذریره سادج هندی میعه سایله پنج سوسن
قرفه اشنه قسط از هر یک بیست درم سوسن خشک سلیخه
عود بلسان از هر یک ده درم مرصاف قرنفل از هر یک
پنج درم مجموع را نیم کوفته در سه من آب بریزند تا یک من آید و یا نیم من
روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
قسط دیگر که سردی جگر و معده را نافع باشد چون بیاید هند

و چون بر محلی که موی نباشد بمالند موی بر وی برآید و اعضا را
محکم گرداند صفت تخم تره صد درم مرماحوز جبق درم سلیخه درم
مجموع را نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند یک شبانه
روز دیگر بجوشانند و بپالایند و در وی سه رطل روغن زیت یا روغن
کنجد بریزند و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط دیگر
که امراض بارده را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و
مقوی اعضا است صفت قرنفل سلیخه از هر یک ده درم
قصب الذریره سنبل سادج قرفه اشنه جندبیدستر قسط
از هر یک بیست درم پنج مغز از هر یک سی درم مرماحوز پنج درم و نیم کوفته
در آب بجوشانند تا نیم شود و بعد از آن صاف کرده
دو من روغن کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن شونیز فالج و تشنج را سود دارد
صفت شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم بکوبند و
روغن آن بکشند روغن افسنتین معده و جگر و جمیع

جندبیدستر

اعضا را

اعضا را قوت دهد صفت روغن زیت یا روغن بادام
تلخ یا روغن جوز یا روغن انگور تلخ نیم من افسنتین
تازه دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بنهند
روغن فرفیون هم درد که از سردی بوده باشد زایل کند و
فالج و استرخا را سود دارد صفت قسط ده درم کندش
چهل درم جندبیدستر پنج درم فوه کوفته خشک دوازده درم
عاقرقرحا شش درم میویزج سه درم جمله را نیم کوفته با چهار صد درم
شراب کهنه بپزند تا دو ثلث برود و یک ثلث بماند پس سی درم
روغن دو درم فرفیون تازه بیندازند و یک جوش
دهند و بردارند روغن سوسن سردی دست و اختناق رحم را
سود دارد و درد مثانه سرد را گرم کند صفت سلیخه بلسان قسط
از هر یک ده درم قرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن
سی عدد زعفران ده درم زردی سوسن بردارند و دیگر
نیم روغن کنجد در شیشه کنند و دارو ها را کوفته بر وی

و نصف آن روغن خیری
تا آن با مغز بادام
و روغن باشد

انگنند ذرن دیگ آفتاب بنهند در سایه و چهل روز بگذارند پس
بیرون آورند و نگاه دارند روغن بیدانجیر ساده جهت بلغم
بود و اعصاب را از رطوبات پاک کند صفت
بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف بگیرند
و نگاه دارند تا تمام کف بردارند و آب زرد ناخن آن آب
بریزند و آن کفها بجوشانند که تمام بار روغن صاف میشود
روغن بیدانجیر مرکب فالج و لقوه و سده جگر و سپرز را نافع
باشد و قولنج بگشاید صفت ناخواه صعتر فودنج کوهی
تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک بیست درم بیخ
کرفس و مقل از هر یک پنج درم سلیخه جاوشیر زنیان درونج عقرب
از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی خیربوا قاقله کبابه دارفلفل
جدوار بسباسه شونیز قسط کرد ما از هر یک چهار درم مجموع نیم
کوفته کنند و در آب یک شبانروز بجوشانند تا نرم شود
و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بیدانجیر ساده بر روی آن ریزند

بیخ بادیان
بیخ سوسن راسن ...
از هر یک دو درم
شیطرج

و بجوشانند

و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربتی دو درم
تا سه درم در ماء الاصول بخورند روغن ترب مانند روغن
زیت بود و گرم تر از روغن بیدانجیر باشد و درد گوش را
نافع باشد و باد که در گوش بود دفع کند صفت
آب ترب برجوشد و بگیرند و در روغن کنجد بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن مشک غیر السوس (?) که عظیم نافع است صفت
مشک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال و نیم کوفته بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن کنجد سکرن (?) مالیدن
سرسام و لیتو (?) لمیا را نافع باشد صفت کدو تازه
بستانند و پوست بخراشند و با لحم و شحم بکوبند
و آب آن بگیرند چهار من و یک من روغن کنجد بروی
آن ریزند پس بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
اما بهتر آنکه از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن
بادام روغن ریحان فالج و درد زانو را نافع بود

و بپالایند و یک چهار یک روغن کنجد اضافه
نمایند و بجوشانند

صفت آب ریحان ده درم و ده درم روغن کنجد بگیرند و بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند
صفت برگ لاله از نبات ادجیلا (?) گیرند ده درم در شیشه کنند
و روغن زیت بر وی بریزند و یک ماه در آفتاب بنهند
روغن که درد گوش را که از گرمی باشد زایل کند صفت
روغن گل ده درم بادام روغن شیرین پنج درم سرکه
کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه
برود و روغن بماند در گوش چکانند روغن که درد
درد گوش که از سردی بود زایل کند صفت کندر نیم درم
صبر و مصطکی و جندبیدستر خشخاش انزروت از هر یک یک درم
روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه
کوفته با شراب در روغن بجوشانند تا روغن بماند
و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی معده را
قوت دهد صفت روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند

و ده درم مصطکی بروی آن ریزند و یکی را تا نیم آب کنند
و آن شیشه را در میان دیگ آب آویزند و آتش کنند تا
آب بجوشد چندان که مصطکی گداخته شود روغن مورد
موی را نگاه دارد و اگر ریخته باشد برویاند صفت
بگیرند آب مورد تر جوشد و در روغن زیت بکنند و بایکدیگر
بجوشانند تا آنکه آب برود و روغن بماند روغن دیگر
روغنی که می فطت (?) موی کند صفت پوست هلیله کابلی
مازو و برگ مورد از هر یک یک جزو در شراب ریحانی
خیسانند یک شبانروز پس بپزند و بپالایند و یک جزو
روغن کنجد در وی ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن
در وقت فرو گرفتن بیفزایند تا یکبار دیگر فرو گیرند
و شب موی را چرب کنند و صباح در حمام بشویند روغن
دیگر که موی را سیاه کند و درازی بخشد و از افتادن
نگاه دارد صفت سادج هندی مامیثا حضض لادن

تا قدری لادن اندازند تا یکبار بزند
و فرو گیرد

آمله

از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب بپزند تا یک رطل آید
و یک رطل روغن کنجد در آن ریزند و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند هر روز با آب چغندر می‌شویند و این روغن
همچنانکه روغن که موی سیاه کنند و تا مدت شش ماه سیاه
بماند صفت جوز هندی و سر آن برگیرند و چهار درم از آن
مغز بادام ده درم امله و دو درم براده آهن و نیم درم بوره
ارمنی در هم سایند و در میان آن جوز کنند و
سر آن بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز را در گل حکمت
گیرند و در میان آتش نهند تا یک ساعت نجومی بگذرد و
از آتش بیرون آورند روغنی که از آن زاییده شود در موی مالند
که مقصود حاصل است روغن که موی را سیاه کند و
و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت
برگ حنا یک چهاریک در ده من آب بجوشانند تا یک من
آید و بپالایند و در نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن

و آب برگ کنجد

و مغز آن بیرون کنند

بماند

بماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند صفت
آمله مقشر برگ مورد و پوست بیخ صنوبر ساوی کوفته در
آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و بجوشانند تا روغن
بماند روغن بنفشه دو هفته بر هر جا که بمالند موی برآید
صفت بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه از آن بریزند
و سی عدد زرده تخم مرغ در درون آن خربزه با پنج
سیر روغن زیت و برگ مورد کوفته و براده آهن
صلایه کرده از هر یک ده درم سوراخ خربزه را محکم کنند
و در گل حکمت گیرند و یک شب در تنور نهند و روز دیگر
بیرون آورند و گل از آن جدا کنند و آن خربزه را
با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغن که
بعد با سر اطلا آورد و بعد بر بینی مالند صفت نوشادر
نمک نفط تخم سپندان تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج
ساوی کوفته نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا جدا

هم چندان روغن کنجد اضافه ...

بکار گیرند از روغن در قوارها نگاه دارند

شود پس صاف کنند با هم چندان آب و روغن بید انجیر
بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن معده را
قوت دهد و حبس عرق کند اگر بر دل گلاب بو کنند و باز
خورند اسهال باز بندد صفت برگ مازریون یک چهاریک
در ده من آب بجوشانند تا نیمه آید و سه دفعه روغن بادام
در آن افکنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بادام بجای بماند
با شیر شتر استسقا را بخورند نافع بود روغن بنفشه بادام سرد و تر بود
در جرب مالیدن نافع بود و صلابت مفاصل را نرم
کند و در ناخن مالیدن صحت آن راکه دارد و دفع خواب
کند صفت مغز بادام شیرین که تلخ در میان او نباشد
سفید کنند و بر دو نیمه سازند و خشک کرده و ده من بادام
یک من بید مشک برد پیش نهند و در خریطه کرباس نو کرده در
میان بید را کنند و بعد از آن بید را از او جدا سازند و
بنفشه تازه بی علف بر دیگر ریزند هر هفته دیگر باره

آب ده درم ... روغن کنجد ... تا آب برود و روغن ... مستسقی را نافع است

بنفشه

بنفشه تازه بی علف بر وی ریزند و چند روز در زیر حمام خواب
کنند تا نیک بوی بنفشه بگیرد و بعد از آن معلق بیا
ویزند تا نیک خشک شود و بنفشه از آن جدا کنند و روغن
آن بکشند چنانکه رسم است روغن گلبادام معتدل بود
در برودت و حرارت و دماغ را نافع بود و حافظه بیفزاید
و اسهال صفراوی باز دارد و درد سر را که از گرمی بود سود
دارد و چون در آب برکه بریزند بر صاحب جرب
و حکه مالند نیک شود صفت آن چون بنفشه بادام است بجای
بنفشه ورق گل سرخ کنند هر ده من بادام ده من ورق
گل کنند روغن گل سرخ و سفید و شقایق و زنبق و یا
یاسمین و نرگس و سداب و شبت و بابونه و هر چه تازه باشد
دستور آنست که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند روغن
آجر که آن را دهن المبارک خوانند خواص بسیار دارد و
گرم تر از نفط سفید بود و لطیف تر امراض بارده را نافع است

بیک روز ... بر وی بنفشه تازه ریزند و در آفتاب بیاویزند

سود مند بود جهة گزیدن عقرب و کسی که افیون و بذر البنج
خورده باشد نافع بود صفته آن سرخ آب بذر ده
و بادام کشند و در آتش اندازند تا سرخ شود و باز برگیرند
و در روغن زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند
و خورد کنند و در شیشه کنند که سرش بگل حکمت گرفته
باشند و سرش بموی آب بگیرند و بجلکی نهند که سوراخ
در ته آن باشد و بر فحم کنند و آتشی در آن اندازند و
ظرفی در زیر شیشه نهند و روغن که بچکد نگاه دارند روغن
سورنجان مفاصل را نافع باشد صفته سورنجان معری
آب کرفس تازه از هر یک ده مثقال قصب الذریره
پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره را نیم کوفته بخیسانند
یک شبانه روز و بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب و سوز دیگر
اضافه نموده و با یک چهار یک روغن زیت بجوشانند
تا آب بگذرد و روغن بماند روغن کراث بواسیر را

نافع بود

نافع باشد صفته آب گندنا یک من روغن کنجد نیم من با
ده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
ناتوره جهة دفع سرعت انزال نظیر ندارد و چون کف
پا را چرب کنند صفته ناتوره هندی را از پوست پاک
کنند و نیم کوفته در میان شیشه دراز گردن کنند و
سر شیشه را بموی آب محکم سازند و سر شیشه بگل حکمت گیرند
و در کاسه بزرگ که آتش تحمل کند ترتیب نمایند و بیخ
کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون
آرند و در زیر شیشه پیاله نهند و کاسه را بیالای سه
پایه نهند و آتش از بالای شیشه کنند در آن اندرون کاسه
کنند و روغن که از آنجا بچکد بکار دارند روغن عقرب
سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد صفته
ریوند چینی سعد هندی حنظل با پوست بیخ کبر از هر یک یک وقیه
و روغن کنجد بر سر آن ریزند و یک هفته در آفتاب بنهند بعد از آن

بادام تلخ یک رطل داروها را کوفته
در شیشه کنند و روغن

بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه ببندند
و یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند پس بپالایند و دو ده
در احلیل بچکانند روغن ناردین منقول از قانون
اوجاع بارده و احشا و قولنج و مغص ریحی را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش را ساکن
کند و چون در بینی بچکانند صداع و درد شقیقه بارده را
سود دارد و در رگ تا ثقوب کرده اند رحم را گرم کند
و چون در احلیل بچکانند امراض مثانه را نافع بود این
روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیارست
صفته قصب الذریره و سعد و آذان الفار و خود بسبانک
ساذج هندی برگ مورد و اوقا ابهل راسن قردمانا
مرزنجوش مساوی نیم کوفته در شراب و آب بخیسانند
یک شبانه روز روز دیگر صاف کنند و با روغن
کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن

ناردین

ناردین بنسخه دیگر اورام صلابت معده را نافع باشد صفته
روغن بادام یک رطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر قصب
الذریره از هر یک یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند و سر
محکم سازند و یک هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن صاف
کنند و ادویه را دیگر باره در آن اندازند همچنین تا سه نوبت
و بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند روغن العقارب
سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفته بگیرند عقرب را و در دیگ نو نهند در شیشه
در شیشه محکم کنند و سر بگل حکمت گیرند و در تنور نیم گرم نهند
شش ساعت پس بیرون آرند کوفته و بیخته بحریر یک دانگ
استعمال نمایند باب الزاء زرعونی بیست دو درم
قوی و محکم سازد و معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و بوی
دهن خوش کند و آب از دهن رفتن باز دارد و بادهای غلیظ
بشکند و ریگ از مثانه پاک کند و منی بیفزاید صفته
تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم بیست نانخواه رازیانه تخم

حب
خربزه تخم مغز بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال
عاقرقرحا زعفران مصطکی عود خام از هر یک پنج درم
لسان العصافیر قرنفل کبابه چینی فلفلمویه از هر یک سه درم عنبر اشهب
یکمثقال عسل وزن ادویه عنبر را در عسل گرفته بگدازند
و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از آن دو ماه استعمال
نمایند **دیگر معجون** دیگر منی را بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت
و گرده را محکم سازد و برای مجامعت عظیم نافع است **صفت**
تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه
مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس مغز حب الغلفل مغز حب الزلم مغز نارجیل
تازه مغز چلغوزه از هر یک چهار مثقال بسباسه قسط نقل فلفلمویه
عاقرقرحا کبابه چینی زنجبیل تخم انجره تخم جرجیر تخم پیاز حب
الرشاد الخره تخم کندنا خولنجان جوزبوا کل قرنفل دارفلفل از
هر یک سه درم خرفه زعفران کسته از هر یک چهار درم تخم لبلاب
بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل لسان العصافیر از

مصطکی عود

هر یک پنج درم بصل الغار بریان کرده یکدرم خصیة الثعلب
قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک تر خشک مربی کشمش خرما
از هر یک ده مثقال مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه
عسل بوزن مجموع بطریق معهود معجون سازند گرم مزاج دو مثقال
بخورد و در عقب آن ده درم شیر تازه و ده درم شکر در آن
حل کرده بیاشامند و سرد مزاج پنج درم فرو برد و بعد از آن
یک کاسه ماء العسل بیاشامد **باب الثانی سفرجل** مسهل
معده را قوت دهد و اشتهار طعام آورد و قولنج بگشاید
صفت به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیم من در سرکه
یا در شراب بجوشانند تا مهرا شود و از غربال بیرون کنند
و یکمن عسل صاف بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام
آید و این داروها که مذکور میشود کوفته و بیخته با آن بسرشند
زنجبیل فاقله کبار دارفلفل قاقله صغار دارچینی زعفران
از هر یک درم مصطکی پنجدرم تربد سفید سی درم سقمونیا ده درم

عنبر اشهب دو مثقال

ریزه ریزه کنند و در پاتیله کرده آنقدر
را که ریزند که بر سر آید

شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهة قولنج نافع باشد
سفرجل تابستانی صاحب مزاج گرم را نافع باشد در فصل
گرما تقاضا داد از این جهة محمد زکریا این را سفرجل تابستانی
نام نهاده **صفت** سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید ده درم تخم
مغز خیار مغز کدو از هر یک پنج درم ورق گل سرخ و طباشیر
از هر یک دو درم و نیم ترنجبین و عصاره به از هر یک پنجاه
درم آب به و ترنجبین که گداخته شود و بقوام آید پس داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند و این حیله ده بار ثبت **سفرجل** ممسک
شکم ببندد و معده را قوة دهد و دفع قی کند و لونرا نیکو
گرداند و اشتهار طعام آورد **صفت** به اصفهانی از پوست و
دانه پاک کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن
بکوبند و نیم من عسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام
آید و فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
زنجبیل قلقل دارفلفل از هر یک چهار درم شوبتی چهار مثقال **نخود** حیا

بجوشانند چندانکه
ترنجبین

تخم کرفس نانخواه زعفران
از هر یک دو درم و نیم

بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان و قولنج بلغمی را
سود دارد و سده جگر بگشاید و ملایة آن را تحلیل دهد و معده را
گرم گرداند و تخمه را نافع باشد و سرد مزاج را نافع باشد
صفت چند بیدستر دارچینی اسارون فو مو دو قوهر یک
یکدرم فلفل دارفلفل بازرد قسط از هر یک شش درم زعفران
نیم درم بازرد را در عسل بگدازند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال با دو درم با آب گرم
سکنجبین ساده صفرا دفع کند و محرور مزاج را موافق باشد
و تبهای حاده و جگر گرم را سده بگشاید و بول براند **صفت**
قند سفید یکمن در دیگ کنند و یکچهار یک سرکه صاف بر روی
آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و دیگ و قیه گلاب بر سر آن
کنند و فرو گیرند **سکنجبین** بزوری بارد سده جگر بگشاید
و بول براند و استسقا و تبهای حاده را نافع باشد و تشنگی بنشاند
صفت پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خیارین از هر یک پنجدرم

نافع بود و تشنگی بنشاند

و نیم کوفته در یکچهار یک سرکه خیسانند یک شبانه روز دو روز
دیگر بجوشانند و بپالایند و یکمن قند بقوام آرند و فرو گیرند
سکنجبین بزوری حار سده جگر و معده بگشاید و بول
براند و فضول را از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد
صفته تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس بادیانه
انیسون از هر یک پنج درم پوست بیخ بادیانه پوست بیخ کرفس
از هر یک ده درم در آب سرکه خیسانند چنانکه ذکر رفت
و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین ریوندی
یرقان و درد جگر را که از گرمی سود دارد صفته تخم
کاسنی نیم کوفته بیست درم تخم شاهتره تخم کشوث از هر یک
ده درم ریوند چینی پنج درم را کوفته در کیسه بندند و با ادویه
دیگر در دو من آب بجوشانند و زبان زنان کیسه ریوند را
دست می مالند تا سیره تمام باز دهد بعد از آن صاف
کنند و با یکمن قند و چهل مثقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید سرتی

در آب

و بر آن کنند و دیگر بار

بقوام آورند

بازده

بازده درم یا پنجدرم گلاب بجوشانند سکنجبین ریوندی دیگر
درد جگر را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم کند
صفته ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج فستقی تخم کاسنی
نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون مقل پنجدرم مجموع را
در دو من آب فرو ریزند ده درم و دو دانگ زرکیسه کوفته اضافه
نمایند و صاف کنند و با قوام آرند سکنجبین بزوری معتدل
سده از جگر بگشاید و بول براند و تبهای مرکبه را نافع باشد
صفته تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک بیست درم
پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک سی درم مجموع را
نیم کوفته در سه رطل آب و بیست رطل سرکه خیسانند یک شبانه روز
روز دیگر بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین نعناعی تبهای
محرقه و جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی بنشاند صفته
آب انار شیرین و آب انار ترش از هر یک نیم من بجوشانند
تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صاف یکچهار یک و قند یکمن

و بادیانه یکچهار یک سرکه و یکمن دو نیم کنند

چنانکه ذکر رفت

سه تخمه از هر یک پنجدرم

اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید اگر بعوض تمر هندی کنند سرکه
شاید سکنجبین سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام
آورد و سده جگر بگشاید و نافعها را مفید باشد و طعام را هضم
کند صفته آب به صاف کرده یکمن تا یکچهار یک سرکه و یکمن
قند بجوشانند و بقوام آورند و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب
باشد سکنجبین بلیموی که همین خاصیت دارد صفته
آب به پنجاه مثقال سرکه صاف کرده گلاب و آب لیمو
از هر یک سی مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آورند
سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را نافع است صفته ریوند
چینی غاریقون فوه پوست بیخ کبر پوست درخت بید گز مازج افتیمون
غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم در یکچهار یک
سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین
دیگر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال صفرا را باز دارد
و کسی را که آبله بیرون آمده باشد نافع بود صفته سرکه کهنه د

گلاب

گلاب از هر یک یکچهار یک برگ گل سرخ پنجاه درم گلنار بیست
درم در سرکه و گلاب خیسانند و بپالایند و با یکمن قند سفید را
سفید بقوام آورند سکنجبین افتیمونی مالیخولیا و توحش و جرب
را نافع بود صفته افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از
هر یک شش درم گاوزبان برسیاوشان تخم کاسنی ایرسا تخم
کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنجدرم حاشا ورق گل
سرخ کمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک
بادرنجبویه زرنباد درونج عقرب بهمن سفید بهمن سرخ دارچینی قاقله
از هر یک درم کاغذ آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب
خیسانند یک شبانه روز بجوشانند و با یکمن قند بقوام
آورند سکنجبین اسطوخودوسی بنوع دیگر اسطوخودوس از یانه
تخم شاهتره از هر یک پنجدرم افتیمون بسفایج فستقی سناء مکی
پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم و نیم کوفته در پنجاه درم
سرکه خیسانند و با نیم من قند بقوام آورند که نافع خواهد بود

ریشه بانه روز بس بجوشانند

سرخ بهمن سفید

سکنجبین قوه استسقا و صلابت طحال و ورم صلب جگر را
نافع بود و سده بگشاید صفته رازیانه پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کبر کاسنی انیسون پوست بیخ کاسنی حسک زوفا فوه
غافث افسنتین از هر یک ده درم تخم کشوث تخم کرفس
پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم
در صد درم سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی
ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع باشد صفته سرکه
عنصل یکبار یکمن عسل مصفی بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین
عنصلی دیگر استسقا و درد پهلو که از سردی بود و سرفه کهنه بلغمی
و فالج و لقوه و برسام بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد و سده
جگر و سپرز را بگشاید و بچه مرده بیندازد صفته سرکه
عنصلی یکمن زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت شیح قرنفل فودنه
از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا از هر یک
پنج درم ادویه را نیم کوفته کنند و در سرکه عنصلی دیگبار یک عسل

صاف

صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند
و نگاه دارند و پیش از طعام سی درم تناول نمایند سرکه منضج
بیخ دندان سخت کند و بوی دهن خوش کند صفته بگیرند
پیاز عنصل و بکار دیوچینی پاک کنند و در ریسمان کشند چنانکه
بیکدیگر نچسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود و بعد از آن
در ظرف کنند و هر یک من پیاز ده من سرکه کهنه اضافه نمایند و
دو ماه در آفتاب نهند و بکار دارند که مفید باشد سفوف
طباشیر دل گرم را سود دارد صفته گل سرخ طباشیر از هر یک
سه درم گشنیز خشک ده درم پوست بیخ مروارید ناسفته کهربا
از هر یک نیم درم کافور دانگی شربتی دو درم با سکنجبین سفرجل
بخورند سفوف درد دل خفقان سرد را نافع باشد صفته
درونج عقربی لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد دو درم
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با یکجام شراب کهنه و ماء العسل
بخورند سفوف قابض معده زردتر را سود دارد صفته قرنفل

جهت
کنند و از
دجنی بدان مضمضه
عرق النسا و ضیق النفس
و ربو

کبابه از هر یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک سه درم عود
خام بیست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال با ده درم
گلنقند بخورند سفوف قاتله شهوت طین و رطوبات ردیه
زنان حامله را نافع باشد صفته قاقله خیربوا کبابه مساوی
شکر بوزن همه شربتی دو درم با آب گرم سفوف تخم خیار تخم
کاسنی تخم کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق گل سرخ
طباشیر ساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با یکطسوج کافور
در آب انار حل کرده بنوشند سفوف کرنب رفع رقه می کند
صفته تخم کرنب مغز بادام تلخ فودنه از هر یک درم ناخواه
و سداب و زیره از هر یک یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل
کرده باز خورد شربتی سه درم سفوف انیسون بادهای معده را
دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند صفته
ناخواه تخم کرفس از هر یک پنج درم کندر چهار درم قنابح اذخر قسط
و مصطکی از هر یک سعد ان سفید سی درم کوفته و بیخته با

مغز بادام شیرین

فانیذ

فانیذ

بنوشند شربتی پنج درم سفوف اسهال بلغم را باز دارد صفته
جوز بریان کرده سه درم ناخواه یکدرم کندر ... درم کوفته
با آب گرم بنوشند سفوف مقلیاثا بواسیر و مقعد و اسهال
کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع بود صفته تخم تره تیزک
بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانند و خشک کرده و
بریان کرده از هر یک پنج مثقال مصطکی یکمثقال مجموع کوفته
موی تره تیزک شربتی دو درم با آب سرد سفوف که اسهال بلغمی را
نافع است صفته بلوط پنج درم کندر سی درم گشنیز خشک
بریان کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک ده درم گلنار ماز و از هر
یک پنج درم شربتی سه درم با آب خالص سفوف دیگر که
همین خاصیت دارد صفته کندر سعد کوفی خولنجان زیره
کرمانی بلوط آب آلکس مساوی کوفته و بیخته بنوشند سفوف
نمک معده و جگر را و جاع مفاصل و هر مرضی که سبب آن امتلا
باشد نافع است صفته نمک طعام سی درم ملح سفید بیست درم

بزر کتان و تخم کنفر نا و هلیله سیاه
در روغن زیت بریان کرده
از هر یک ده مثقال

هم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم تخم جرجیر یا کراث
نعنا در فلفل سیاه فودنه از هر یک ده درم کوفته و بیخته
شربتی سه درم با آب گرم بنوشند سفوف هلیله در جگر را
نافع باشد صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر یک
چهار درم تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم با شیر شتر بخورند سفوف دیگر ورم
جگر را نافع باشد و بول براند صفت تخم خربزه تخم خیارین
از هر یک پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم
کرفس انیسون رازیانه ربّ السوس از هر یک دو درم عصاره
زرشک چهار درم ریوند چینی یکمثقال لک مغسول چهار دانگ
زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یکدرم کافور
دو دانگ شربتی سه درم سفوف فربهی نخود سفید پنجاه درم
در سرکه و قدری آب خیسانند یکشبانه روز و خشک کنند
و برنج شسته خشک کرده و نان میده خشک کرده از هر یک

خشخاش سفید سی درم

سی درم مغز بادام مقشر شصت درم کشک جو کشک گندم از
هر یک سی درم شکر طبرزد نیم من مجموع کوفته در یکدیگر ممزوج
سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوف
بهبودی جهة زحیر مجلست صفت تخم ترتیزک بریان کرده بذر
قطونا بریان کرده اهل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی
تخم کشنیز تخم شبت خشخاش انیسون کرفس بذر البنج از
هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی کوفته و بیخته دو درم
از آن سفوف سازند سفوف دیگر نفث الدم را نافع باشد
صفت طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم سادج هندی
مغسول از هر یک یکدرم نیلکها با مروارید ناسفته تخم خشخاش سفید ربّ

تخم خرفه

السوس از هر یک سه درم اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک
سه درم بذر قطونا بیست درم افیون دو درم مجموع کوفته
و بیخته سوی بذر قطونا سفوف سازند شربتی دو درم با آب باران
یا با آب برگ خرفه اگر حرارت قوی نباشد سه درم کندر اضافه

کنند سفوف حب الرمان ضعف معده و اسهال حراری
و امعا را نافع باشد صفت انار دانه بریان کرده ده درم
بلوط سماق زیره کرمانی مقدر حب الآس سبخه کشنیز خشک
بریان کرده خرنوب نبطی آرد کعک از هر یک پنجدرم شونیز
تمام نیم درم آمله یکمثقال کوفته و بیخته با ربّ به استعمال
نمایند شربتی سه درم سفوف الطین و آن را سفوف التشیر
کویند اسهال حراری و دموی را نافع باشد صفت بذر قطونا مرزرشک
تخم ریحان تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی
طباشیر مساوی کوفته بغیر از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند
شربتی سه درم بر دوغ کلیا دام چرب کنند و بگلاب
تر کرده فرو برند سفوف ابن ماسویه زحیر و سحج امعا
و سحج را نافع است صفت تخم حماض تخم خیازی خرفه بریان کرده
از هر یک پنجدرم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی گل ارمنی
از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم صباح و سه درم

سفوف ابن ماسویه
اسهال صفراوی و
معوی را نافع باشد
صفت نشاسته صمغ
عربی تخم خطمی تخم خبازی
بریان کرده از هر یک پنجدرم
گل ارمنی دو درم کوفته
و بیخته سفوف سازند

شام با آب طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده
باشد نافع بود سفوف زرشک که ببندد و ضعف
معده را نافع بود صفت سماق نانخواه زنجبیل انار دانه
بریان کرده زرشک منقی آرد کعک از هر یک دو درم نبات
سفید بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال نافع باشد سفوف
سماق تشنگی بنشاند و اسهال معدی را نافع بود صفت سماق
ده درم حب الآس انار دانه بریان کرده از هر یک پنجدرم
خرنوب پانزده درم صمغ عربی گلنار از هر یک دو درم
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف سورنجان نقرس و
مفاصل و عرق النسا را نافع بود صفت سورنجان
مصری ده درم سنای مکی هفت درم پوست هلیله زرد مغز بادام
مقشر از هر یک سه درم زعفران نیم درم سقمونیا یکدرم
قند سفید سی درم اگر ماده بلغم بود تربد سفید پنج مثقال
اضافه نمایند سقمونیا نیم درم نیز اضافه نمایند سفوف

سرطان مسلول را نافع بود و نهایت نجولیت صفت
سرطان بحری محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش
سفید و سیاه مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم کوفته و
بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار میخوش یا شراب خشخاش بخورند
سفوف سنگ گرده و مثانه اطفال پاک کند صفت مغز تخم
خربزه صمغ عربی آلو هندی قلت مساوی کوفته و بیخته
شربتی نیم درم یا یکدرم استعمال نمایند سفوف که خفقان گرم را
نافع بود صفت گل ارمنی کشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر
و کهربا از هر یک نیم درم کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با دوغ
کادو دهند سفوف ارسطاطالیس که از بهر اسکندر ساخته بود
بتباهی معده و زردی او و وسواس و نسیان را نافع بود
و طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت دهد
صفت قرنفل سادج عود و هال اسارون مصطکی هلیله کابلی
تخم کشنیز خشک زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل زنجبیل — دار فلفل

ناردانه

نار دانه جوزبوا کافور قاقله از هر یک دو درم مشک و عنبر
از هر یک یکدرم نبات شش وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم
سفوف عبادی معده سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت
دهد صفت لک مغسول حب الآس مصطکی بلوط مازو عود بلسان
پوست انار از هر یک چهار درم زنجبیل کندر از هر یک یکدرم
نبات نه درم شربتی سه مثقال و یک هفته استعمال نمایند و گوشت
بخورند سفوف کندی ورق گل سرخ زرشک منقی لک مغسول از
هر یک یکدرم و نیم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یکمثقال زعفران
دو دانگ قوه و طباشیر و صندل سفید نشاسته صمغ عربی
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف که فواق
بلغم را نافع باشد صفت تخم کرفس فطراسالیون و سعد از
هر یک دو درم و نیم دوقو پوست بیرون پسته انیسون از
فودنه و اسارون و قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم وج
نیم درم شربتی دو درم سفوف که درد جگر و تپش را ببرد

صفت گل سرخ هشت درم زرشک پنج درم سنبل
اسارون و مصطکی عصاره غافث افسنتین رومی ریوند
چینی از هر یک دو درم شربتی دو درم با سکنجبین سفوف که حرارت — فقاح اذخر
جگر را بنشاند و بخار دفع کند و اسهال صفراوی باز دارد — اسارون رب السوس از هر یک دو درم
و غلبه خون ساکن گرداند و کسی را که آبله بر خواهد آمد سود دارد — نیم زعفران یکدرم
صفت ورق گل سرخ ده درم طباشیر بیست درم سماق
تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش
سفید از هر یک پنج درم صندل سفید دو درم و نیم کافور
یکدرم شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب
انار بخورند سفوف کهربا خون بسیار که از رحم رود باز دارد
صفت کهربا و گل ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته
و بیخته شربتی سه درم با یکدانگ افیون و در یک وقیه نعناع
حل کرده دهند سفوف دیگر که از جهت بول الدم نافع باشد
صفت سادج مغسول دم الاخوین بسد کهربا و شیاف گلنار

تخم

تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو
درم با یک سماق سورنجان پخته دیگر از وجع مفاصل را
نافع باشد صفت سورنجان هفت درم زیره کرمانی
بریان کرده فودنه از هر یک دو درم فلفل یکدرم قند
سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف حجر
الیهود که سنگ گرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد
صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر
یک پنج درم حسک ترکی چهار درم حجر الیهود و قلت از هر یک
سه درم تخم کرفس سلیالیوس فطراسالیون از هر یک یکدرم
صمغ عربی و کثیرا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم
با شراب حسک بخورند سفوف حجر الیهود نسخه دیگر تخم ملت
پانزده درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از
هر یک چهار درم و نیم سیلیوس دو درم صمغ عربی نشاسته
کثیرا از هر یک درم حجر الیهود شش درم قند [illegible] ده درم

حبه بکمر سستی

کوفته و بیخته شربتی دو درم باب کوه سیاه سفوف
که در سختی شکم به بندد صفت ساه بلوط سه درم مازو پوست
انار از هر یک چهار درم گل سماق شش درم حب الآس هفت درم
کوفته و بیخته شربتی دو درم باب سرد سفوف مقوم کند عود
خام از هر یک یکدرم خشخاش ده درم تخم کافور پنجدرم زعفران
دانگی نبات بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف که شهوات
ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتهای
طعام آرد صفت زرنباد تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر
یک دو درم کندر سه درم کهربا مقشر ده درم نبات نود مثقال
کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف که دفع سرعة الانزال کند
صفت طباشیر خشخاش انیسون کشنیز از هر یک یکدرم جوز الزرد
سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب خشخاش خورند سفوف
که مر قوت و مسلول و تردح سینه و نفث الدم را نافع

صفت

9 صفت صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز به دانه خشخاش
سیاه تخم کاهو تخم خطمی از هر یک شش درم صندل سفید دو درم
شکر العشر طباشیر از هر یک درم ورق گل سرخ تخم خیار تخم
خرفه از هر یک پنجدرم مغز تخم خیار بن مغز تخم کدو عصاره
لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران
یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال با نیم دانگ کافور
دو دانگ رماد السرطان با آب خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد
سفوف که باد را دفع کند و استسقای طبلی را نافع باشد
صفت تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون قسط رومی
از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل سعد از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف که اسهال معدی را
نافع بود صفت انار دانه بریان کرده آرد کنار آرد سنجد
از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم فوتنج
سنبل و بلوط در سرکه خیسانیده یک شبانه روز در سایه خشک

کرده و بریان کرده از هر یک پنجدرم سماق سه درم کوفته
و بیخته شربتی دو درم سفوف که قروح مثانه را نافع باشد
دم الاخوین صفت سادج مغسول نشاسته تخم کرفس از هر یک نیم
درم صمغ عربی یکدرم مومیائی دو دانگ کاکنج دو درم
کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم با شیره خشخاش بخورند
سفوف بوبوبی دو استطلاق بادی کبدی را نافع بود و معده و
دل جگر را قوت دهد و حرارت تشنگی بنشاند صفت
مروارید ناسفته چهار درم نبد سوخته کنار طباشیر زرنب گل
ارمنی گل قبرسی تخم گل و صندل سفید با شکر بریان کرده
تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد پوست کنار آرد کشنیز
بریان کرده خشک بریان کرده سماق عربی زرشک پوست جو بریان
کرده طراثیث تخم خرفه بریان کرده از هر یک سه درم گل مختوم
مصطکی از هر یک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا و اقاقیا
مغسول از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از کهربا که

حب الآس تخم مورد

بزر قطونا بریان کرده

و بزر قطونا سفوف سازند سفوف در تخم حماض زرشک
بی دانه تخم ریحان کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ و حب الآس
از هر یک دو درم انار دانه چهار درم کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوف فوتنج سنبل بیدانه زیره کرمانی سماق پوست
کنار حب الآس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده سادی کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با آب مورد نافع باشد سفوف البرو
باد را حل کند و معده را قوت دهد صفت کرویا انیسون زیره
کرمانی قاقله قرنفل نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم
درم زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ قند سفید
مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب العنب شکم
به بندد و معده را قوت دهد صفت دانه انگور صمغ عربی
از هر یک چهار درم حب الآس و سماق از هر یک دو درم مصطکی
و گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف
دیگر که نافع است جهت اسهال که با آن سرفه باشد صفت

که اسهال معدی را نافع باشد

صمغ عربی یکدرم

حب الآس ماه بلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوف که همین خاصیت دارد صفت
صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم سماق و
کندر از هر یک یکدرم خرنوب شامی مقل مکی از هر یک سه درم
کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش بخورند که نافع است
سفوف که قطر البول و وجع گرده و مثانه را نافع باشد و بول بلند
صفت مغز تخم خربزه خشخاش سفید یکدرم از هر یک ده درم نشاسته
کتیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید دو درم قند
برابر همه شربتی سه درم صباح و سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
بخورند سفوف ذیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط
از هر یک پنج درم نشاسته کتیرا تخم کاهو خرفه از هر یک سه درم صندل
سفید شربتی سه درم باب انار ترش بخورند سفوف مفاصل و ورکی (ده درم)
سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف
که بواسیر و اسهال و زحیر و مغص را نافع است صفت تخم تره تیزک

سه درم مغز تخم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه

کوفته و بیخته

و چهار دانگ بیکدرم

بریان

بزر قطونا از هر یک درم
بریان کرده

بریان کرده نود مثقال بزرک بریان کرده گل ارمنی تخم
مرو از هر یک ~~ده درم~~ دو درم و نیم ~~بزر قطونا سه درم تخم کرفس~~
~~بریان کرده دو درم و نیم~~ صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته سوی تخم
تره تیزک و بزر قطونا و تخم مرو سفوف سازند سفوف
که نافع است از جهت حرارت و یرقان و ثقل الدم و سده
جگر صفت بهدانه مقشر نشاسته تخم متوخیار از هر یک
چهار درم گل ارمنی لک مغسول گل سرخ سنبل الطیب
اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیم درم مصطکی
دو دانگی شربتی یکدرم باب سرد سفوف که نافع است
از جهت یرقان و درد جگر و قی صفراوی صفت لک مغسول
یکمثقال طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم
کافور دانگی شربتی دو درم باشراب تمر هندی یا شراب آلو بخورند
سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت
بلوط شاه بلوط دانه مورد آرد کتان از هر یک ده درم خرنوب

نبطی و حب الآس از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت دانه مورد
تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هر یک سه درم حب الآس و بلوط
از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
صفت بزر قطونا دو درم تخم خرفه دو درم کشنیز خشک
یکدرم و نیم شربتی یکمثقال ناشتا سفوف سازند سفوف
که نافع است از جهت فواق امتلائی صفت تخم کرفس سعد کوفی
زیره کرمانی مساوی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف
که نافع است از جهت ضعف معده که بسبب آن حرارت باشد
صفت کهربا گل سرخ از هر یک پنج درم عود دو درم زرشک
ده درم انکه طباشیر از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران
عود کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
باشراب انار سفوف که رنگ اسرنج کند صفت زوفای
خشک دو درم زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته

و بیخته

و بیخته هر روز سه درم سفوف سازند سفوف که معده و سپرز
بگشاید و طحال را نافع است صفت تخم کاسنی کز مازج
از هر یک پنج درم حب العقد یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی
سه درم با سکنجبین بخورند سفوف که نافع است بود درد
کلیه که سبب آن برودت باشد صفت قسط سنبل
قردمانا تخم کرفس بادی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف
دیگر که همین خاصیت دارد صفت لک مغسول دو درم
نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم
مرزنگوش پوره ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال به گلقند بنوشند سفوف دیگر که همین خاصیت
دارد صفت لک مغسول سنبل ادرکس از هر یک چهار
دانگ مرزنگوش نیم درم زراوند مدحرج جنطیانا
از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوف
که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع بود صفت

دج

و بدن را لاغر گرداند

نانخواه
زنیان است

یکدرم تخم سداب سه درم تخم قنبیل تخم سوسن از هر یک دو درم

کلنار و ورق گل سرخ از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته دو درم از ان در دوغ یا آب غوره حل کرده

بنوشند سفوف که نافع است از جهة قروح کلیه و

صفته مثانه گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم کدو مغز

تخم خربزه تخم کرفس مغز خیار بادرنج سوس لک مغسول ربوند

چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بذر البنج مساوی کوفته و بیخته

بشربتی دو درم بخورند سفوف که درد کلیه و مثانه را تسکین

دهد صفته بذر البنج دانگی افیون قیراطی مغز تخم خیارین دو درم

تخم کاهو و تخم خرفه از هر یک درم کوفته و بیخته بشراب

خشخاش بنوشند سفوف که از جهة استرخا زیادتی نافع

صفته دارچینی جاما سنبل از هر یک درم ساذج هندی

نانخواه فراد نه طین ارمنی تخم کرفس سنبل مصطکی سیاه پوش

دوقو انیسون از هر یک یکدرم فرو آرمنا سفته کهربا از هر یک

دو درم کوفته و بیخته بشربتی یکدرم با آب گرم یا شراب کهنه

بنجینج

بخورند سفوف که بر آستن معین باشد زنان راه عاج و ثبات

از هر یک یکمثقال زنجبیل زرشک فودنج بارزد و جهار درم

با او مجامعت کند آستن شود بشرط آنکه طهر باشد بعضی گویند

زنان را علاج را زن بعد از روز متعالی هر روز دو درم علاج

بیاشامد و بعد از ان علاج دیده آستن شود سفوف دیگر که بول

براند ~~و مقتلبول بلانه~~ و حرقة البول را نافع باشد صفته

مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش نشاسته

کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بذر البنج دو درم قند سفید

برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش سفوف که قی را

نافع باشد صفته گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر

از هر یک نیم درم کوفته و بیخته باوه درم رب به بنوشند

سفوف که قی بلغم را قطع کند صفته کندر مصطکی از هر یک

یکدرم عود خام هشت درم انار دانه پانزده درم قرنفل

ناقله جوز بوا البسباسه سعد کوفته نعناع از هر یک چهار درم

پوست ترنج قرنفل از هر یک ده درم گل سرخ شش درم

سنبل و آمله از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی

سه درم سفوف که شهوت طین و شهوات ردیه زنان حامله را دفع

کند صفته انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک

ده درم فلفل سفید ده درم و نیم قرنفل یکدرم کوفته و بیخته شربتی

هر صبح و شام یک مثقال بخورند سفوف دیگر که همان خاصیت

دارد صفته مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقلتین مساوی

نبات برابر هم کوفته و بیخته سفوف سازند سعوط که صداع گرم

و خشک را نافع باشد صفته آب کاهو و روغن کل روغن نیلوفر از هر یک

بگیرند و شیر دختران دو جزو یکدیگر ممزوج سازند و در بینی چکانند

سعوط که درد بینی و درد چشم اطفال را نافع بود صفته

صبر زعفران از هر یک کندش حضض ملح کندر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته گلوله ها

نیم درم

سازند بوقت حاجت بشیر دختران با روغن بنفشه یا بادام بسایند و در چشم

و بینی چکانند سعوط که صداع بلغمی و دیرینه را نافع باشد صفته

صبر سقوطری کندر حضض جندبیدستر زعفران فلفل سفید

از هر یک یکدرم کندش دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب

مرزنگوش سرشته قرص سازند و بوقت احتیاج با آب

مرزنگوش بسایند و در بینی چکانند سعوط که سکته و لقوه را

سود دارد صفته زهره کلنگ با آب مرزنگوش یا آب سداب

سائیده بچکانند یا تکلیس جندبیدستر با آب العسل در بینی چکانند

سعوط که صداع حار را نافع باشد صفته روغن بنفشه

بادام روغن نیلوفر روغن کدو و آب کاهو کاسنی

شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی چکانند سعوط که

فالج و لقوه را نافع باشد صفته صبر شونیز بوره ارمنی

مساوی کوفته در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند سعوط

شقیقه و درد را نافع باشد صفته روغن بادام با آب مرزنگوش

در گوش و بینی چکانند سعوط که برسام و صداع حار را نافع باشد

معتبر

صفت آب مورد و عرق بید و صندل کافور بیکدیگر مخلوط
ساخته در بینی چکانند سعوط که صداع بارد و نسیان را سود دارد
صفت جوز بوا درمنه ترکی قرنفل مرزنگوش از هر یک یک مثقال
سیاه دانه چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنگوش در بینی چکانند
سعوط که خناز را نافع باشد صفت سیاه دانه کاذبان از هر یک
یکدرم زهره خارپشت و کافور از هر یک یکدانگ و نیم زعفران
نیم درم کندش ده درم یا بر که و روغن گل در بینی چکانند سعوط
که فالج و لقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده رطبه مزمنه را که در سر و چشم در
باشد نافع باشد صفت جندبیدستر از هر یک ده درم عودی
و صعتر از هر یک پنج درم صمغ عربی و سداب و زهره کلنگ و
جاوشیر و جند بیدستر و شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران
از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب خالص قرصها سازند
هر یک بمقدار عدسی و در وقت حاجت یکی را با آب مرزنگوش
و یا روغن بنفشه بادام سائیده در بینی چکانند سعوط که رعاف را

نافع

نافع باشد صفت کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا
مازو در برگ انار […] و سوخته پوست انار ترش عود و کندر و صدف
سوخته شادنج مغسول از یک قدری با آب بادروج در بینی چکانند
سنون سورنجان ضعف اسنان را نافع باشد صفت
سورنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید
گلنار همه مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که همین
خاصیت دارد صفت پوست هلیله زرد و نمک هندی از هر یک
پنجدرم قرنفل یازده درم دارچینی و سعد از هر یک سه درم شب
یمانی و سماق از هر یک دو درم عاقرقرحا اشنه درم نوشادر
دارفلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم گل کزمازج مثقال اقاقیا گلنار
از هر یک چهار درم نبات شانزده درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنون که حافظ صحت اسنان باشد صفت شاخ
گوزن محرق کزمازج سعد کوهی سنبل از هر یک چهار درم نمک
اندرانی یکدرم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که دندانها را

نمک اندرانی
از حرک پاک کند صفت جو سوخته زبد البحر سماق مسحوق نمک
مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون که دندان متحرک را محکم کند
سنون سازند
صفت گلنار شب یمانی اکر اقاقیا مساوی کوفته و بیخته بر کبریت بسایند
و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و سنون سازند سعوط
که نافع است از جهة درد دندان که سبب آن ورم لثه باشد
صفت تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید
عاقرقرحا کافور مساوی کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند
بعد از آنکه گلاب و سرکه را گیرند […] در دهن نگه داشته باشد
سنون که بیخ دندان سخت کند و خون رفتن باز دارد
صفت شاخ گوزن محرق نمک اندرانی محرق پوست هلیله
زرد گل سرخ از هر یک ده درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه و
دندان افشانند سنون که دندانها را محکم کند و خون رفتن باز دارد
هلیله
و بوی دهان خوش کند صفت هلیله آمله مقشر گل سرخ گلنار
اقاقیا شب یمانی قرط طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته

سنون

سنون سازند سنون که خون رفتن از بن دندان باز دارد
دو درم
صفت شب یمانی محرق یکدرم نمک بریان کرده سماق سه درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون الملوک درد دندان را نافع باشد
و بوی دهن خوش کند صفت […] جوز السرو عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که تا صدر بن دندان را نافع باشد
و با صلاح آرد صفت بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب
یمانی گلنار مازو سماق از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنون که زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن خوش کند
صفت کزمازج کف دریا زبد البحر فاقله دارفلفل از هر یک دو درم
نمک بریان کرده ده درم جو سوخته بیست درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنون که خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهان
خوش کند صفت شب یمانی پنجدرم پوده ده درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون که نافع است از جهة درد
دندان که سبب آن رطوبت باشد صفت فلفل دو درم نیم

بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که لثه را محکم کنند و
بوی دهن خوش کند صفت سعد کوفی گل سرخ از هر یک پنج درم
گلنار کزمازج فوفل از هر یک سه درم الاچی کبار قرنفل
ملک اله رای مصطکی بوده محرق از هر یک دو درم عود خام
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که بیخ دندان
سخت کند و خون رفتن باز دارد صفت پوست
انار ترش ده درم شب یمانی هشت درم عاقرقرحا گل سرخ
کزمازج سماق از هر یک چهار درم نمک هندی پوست هلیله از
از هر یک ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون
که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد صفت کات هندی
فوفل گلنار گل سرخ سماق دم الاخوین کوفته و بیخته شب
بپاشند و صباح بگلاب و آب سماق مضمضه کنند سنون
دندان که سیاه باشد سفید کند صفت پوست هلیله زرد

خون نیستن از دندان

مساوی کوفته

ده درم

ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم مازو نیم هندی مازو سوخته (دو درم)
هشت درم کوفته و بیخته بر دندان می مالند نافع باشد سنونی
که لثه را محکم کند و نفث رطوبات کند صفت گلنار ده درم
نوشادر ده درم مویزج سه درم مازو یکدرم قیود نه سوخته ده درم
نمک بعل برشته و سوخته ده درم استعمال نمایند سنونی که دندان را
جلا دهد و لثه را محکم گرداند و بوی دهن خوش کند صفت شب یمانی
سوخته ده درم شیح سوخته و نمک اندرانی و زبد البحر سوخته و
چوب تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا کبابه گل کزمازج
هر یک پنجدرم قرنفل و سماق از هر یک چهار درم کوفته و بیخته
سنون سازند سنون دیگر که خون باز دارد و لثه را محکم کند
صفت گل کزمازک از هر یک سه درم عصاره لحیة التیس گل
مختوم اقاقیا از هر یک دو درم دار چینی نیم درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنون دیگر که دندانها را سفید کند و بوی دهن خوش
کند صفت زبد البحر ده درم نمک بریان کرده عدد سوخته (دو درم)

کوفته و بیخته

داروست ... دندان ... [illegible]

چوب سوخته صندل سرخ و کزمازج و گلنار و عاقرقرحا و قرنفل
سادج گل سرخ سعد کوفی سماق از هر یک پنجدرم فرادند
طویل سنگ حب الآس از هر یک سه درم کوفته و بیخته در دندانها
مالند سنونی که بجهت محل داروی آکله سالیدن بر داهی و بیخ
دندان آشامند منع دهن جوشش کند و اگر دهن بوسیده
باشد باصلاح آورد صفت زراوند مدحرج برگ مورد کندر
سعد گلنار بیخ سوسن دم الاخوین مازو مساوی کوفته و بیخته
استعمال نمایند سنونی اگر وناصور بیخ دندانها نافع باشد
و خون رفتن باز دارد صفت مرزنجوش بیخ سوسن زرنیخ
سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
دیگر که همین خاصیت دارد صفت بیخ سوسن عاقرقرحا
از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو و سماق از هر یک دو درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم کند
صفت مرتوتیا شب یمانی نشاسته سماق گل سرخ پوست انار

استعمال نمایند

[illegible]

کزمازج مساوی
ترشی استخوان هلیله زرد و نمک گلنار مازو ~~از هر یک ده درم~~
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی دیگر اگر دهن و لثه را نافع
باشد صفت پوست انار ترش و شیرین از هر یک سی درم
مازو و گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم
سماق باز ده درم نمک هندی نوشادر از هر یک پنجدرم
کوفته و بیخته ببرگ آب سرشند و گلولها سازند و در سایه خشک کنند
و در وقت احتیاج دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سنون حجاج
بنجم دیگر که استخا دو درم لثه را نافع باشد و دندان را از
چرک پاک کند صفت پوست انار ده درم گلنار زرد چوبه
سماق شب یمانی مازو از هر یک یکدرم کوفته و بیخته ...
صفت باب السابع در شراب افسنتین معده را از اخلاط بارده فاسده
پاک کند صفت افسنتین رومی پنجدرم ورق گل سرخ بیست درم
تربد سفید دو درم در ده من آب بپالانید و یک من قند اضافه
کنند و بقوام آورند شراب افسنتین بنجم دیگر معده

استعمال نمایند

بجوشانند

ضعیف و جگر و سپرز را سود دارد و طبع را نرم کند و
بادهای روده را دفع کند صفت افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم
تخم کرفس ده درم در ده من آب بپزند تا به نیمه آید و با یکمن قند
شربت بپزند شراب افسنتین دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون
گل سرخ سلیخه داسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل
از هر یک هفت درم در دو من آب بجوشانند بغیر از مصطکی
و صاف کنند و با یکمن و نیم قند بقوام آورند و بعد از آن مصطکی
صلایه کرده با آن ممزوج سازند شراب دیگر که معده را از صفرا پاک
کند و سوء المزاج گرم را زایل کند صفت ورق گل سرخ
هفت درم شاه تره و افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه
بیست عدد تمر هندی بیست درم مویز منقی بیست دانه در
دو من آب بپزند تا بنصف آید صاف سازند و نیم من شکر
سفید در آن حل کنند و بقوام آورند شربتی ده درم با یک درم
صبر سقوطری بخورند شراب السعال سرفه کهنه را نهایت مفید بود

و سینه را از اخلاط پاک کند و در بود ضیق النفس را نافع بود
صفت انجیر سفید شست عدد در قدری رطل ظرف آب خیسانند و بجوشانند
و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند شراب
فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی کند صفت
آب سیب آب به آب انار ترش آب انار شیرین آب امرود از
هر یک یک جزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعرور
از هر یک نیم جزو بجوشانند تا به ثلث آید و آن مقدار قند
که کفاف باشد اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید
شراب انار ترش جهت قی باز دارد و صفرا دفع کند
و معده را قوت دهد صفت آب انار ترش دو من
نعناع تازه دو شاخ عود خام ... مصطکی از هر یک دو درم
پوست بیرون پسته پنج درم کوفته و چهره در آب بجوشانند
سوی مصطکی تا به نیم آید صاف کنند و با یکمن قند
بقوام آورند بعد از این مصطکی اضافه نمایند شراب انار منقی

بیا زنجبیل یک وقیه مغز بنفش
و دو وقیه زنیسون تخم وقیه

فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوت دهد صفت
انار ترش و شیرین با پوست و تخم بکوبند و آب آن بگیرند دو من و یکمن
قند و یک وقیه نعناع آب اضافه کنند و بقوام آورند شراب
آلوی مسهل صفرا و بلغم دفع کند صفت آلوی سیاه صد عدد
تمر هندی گلهای ریگ ترید سفید بنفشه از هر یک بیست درم در
یک کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یکمن آب آید و نیک
بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده اضافه نمایند
و ... بپزند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن حل سازند
شراب خشخاش منع نزلات کند و ریش سینه و شش را نافع
بود و بیخوابی زایل کند صفت خشخاش بزرگ با پوست صد عدد
نیم کوفته کنند و با ده من و نیم آب باران بپزند و بپالایند
و با یکمن و نیم قند شربت بپزند و اگر خشخاش بی پوست
بود و بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند
بقوام آرند لیکن اولی آن بود که با پوست بپزند شراب سیب

هو الشافی
زنجبیل سلیخه دارچین سنبل الطیب
زرنباد زنجبیل فلفل دارفلفل ...
و قرنفل مصطکی زنجبیل ... خولنجان ...
دارفلفل تخم ... خطائی ...
زعفران افیون ... عنبر ...
شیح جندبیدستر ... ثعلب ...
عود قماری ... ورق نقره
... ورق

اصفهانی معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی را
ساکن گرداند و اسهال صفراوی را نافع بود صفت سیب اصفهانی
اندرون بیرون کرده در هاون چوبین یا سنگین بکوبند و آب
آن بگیرند ده من و بجوشانند تا بدو من آید و یکمن قند اضافه
کنند و بجوشانند تا بقوام آید شراب که دل را قوت دهد و معده را
قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد و قی و
غثیان باز دارد صفت به ترش و شیرین اندرون آن
پاک کنند و آب آن بگیرند و پنج من آب یکمن قند اضافه
نمایند و بقوام آورند شراب ریباس اسهال صفراوی را
نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت
دهد صفت ریباس را رو دنبال بکارد چوبین بینداززند
و در هاون چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند
و بجوشانند تا بثلث آید و زمانی بگذارند و یک پاس بپالایند
و بهر یکمن آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آرند شراب

بیرون

یا سنگین

خاصی صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت دهد و
خفقان گرم را نافع بود صفته آب حماض بیست ده مثقال قند
سفید یکمن شربت بپزند چنانکه رسم است شراب لیمو معده را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد و صفرا بشکند و قی
باز دارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار کند و طریق
ساختن آن مثل شراب حماض است شراب نارنج تشنگی
بنشاند و دماغ را قوت دهد و دردسر که از گرمی بود ساکن
گرداند صفته آب نارنج یکمن بجوشانند تا بنصف آید و کف
از روی آن بردارند و با ده من قند شربت بپزند شراب
شراب غوره تشنگی بنشاند و معده گرم را سود دارد و خمار
دفع کند صفته آب غوره بگیرند و بجوشانند تا بنصف
آید و کف آن بگیرند و زمانی بگذارند و دیگر بار نو
بپالایند و هر یکمن آب غوره را یکمن قند اضافه کنند
و شربت بپزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهن

خوش

خوش کند و هاضمه را قوی گرداند صفته عود هندی و آمله
مقشر از هر یک ده درم سنبل و قرنفل و مصطکی و جوز
بوا از هر یک دو درم مجموع نیم کوفته در کیسه کتان کنند در
ده چهار یک گلاب بجوشانند و کیسه را خوب بمالند
تا قوت آن بگلاب دهند و یکمن قند بقوام آورند و گلاب
بر سر آن ریزند دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند و
نیم درم مشک خالص سوده دران حل کنند شراب حب
الآس معده را قوة دهد و اسهال را باز دارد صفته حب الآس و امرود
خشک از هر یک پنجاه درم قرظ و طراثیث از هر یک ده درم
آب به آب سیب آب انار از هر یک یکمن در این آبها بجوشانند (و اسهال را کهنه)
تا ثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند
شراب حب الآس بنوع دیگر اسهال بار قوی را نافع باشد صفته
حب الآس بکوبند و بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و با
جزو از ان ده جزو قند سفید اضافه نمایند و اگر قدری گلاب

سفید سوده دران حل کنند بهتر باشد شراب دینار طبع را نرم
کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه و
استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفته
تخم کاسنی نیم کوفته و ورق گل سرخ از هر یک بیست درم بیخ کاسنی
چهل درم نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث
در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود و صاف کنند
و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و دو مثقال ریوند
چینی ساییده دران حل سازند شراب زوفا سرفه مزاج بلغمی را
نافع باشد و سینه و شش را نافع بود و از اخلاط پاک
گرداند و ربو و ضیق النفس را سود دارد صفته عناب
سی دانه سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه بنفشه چهار درم
پرسیاوشان هشت درم تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک
پنج درم اصل السوس و زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند
و بپالایند و با یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم فی

داخل بسازند شراب تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا
بشکند و معده را قوت دهد و قی باز دارد صفته تمر هندی
نیم من بجوشانند و شیره اش بگیرند و بپالایند و با یکمن قند
بقوام آرند شراب صندل دل را قوة دهد و خفقان
گرم و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفته
صندل سفید ساییده بیست مثقال در گلاب خیسانند
و یک شبانه روز دیگر اندک جوش بدهند و شیره آن بگیرند
و با یکمن قند شربت بپزند شراب انجر کرده و مثانه را نافع
بود و منی بیفزاید و باه قوت دهد و درد پشت زائل کند
صفته انجر خوب ده من به پنج من آب بپزند تا یکمن و نیم آید (و باز یکمن نخود سفید در نیم من آب بپزند)
دهد دو رایست بمالند و صاف کنند و یکمن و نیم عسل
صاف بر سر آن کنند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب
از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته دران اندازند
و بجوشانند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه

بنفشه معمول ذات الجنب و ذات الریه و تب و صداع و سرفه
و درد چشم و درد سر را نافع باشد و بول براند و سینه نرم
کند صفت بنفشه تازه یکبار یک جوش دهند و بپالایند و با یکمن
قند بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک دفعه بنفشه خشک
کنند و باید که بسیار بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار
و تبهای صفراوی را و سرفه و ذات الجنب را و ذات
الریه را نافع باشد صفت گل نیلوفر یکوقیه و اگر تازه بود
یکبار یک بجوشانند با یکمن قند شربت بپزند شراب عناب حار را
و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه و غلبه خون را نافع باشد عناب
جرجانی یکبار یک در دو من آب بپزند و بدست بمالند
و بپالایند بمبالغه و با یکمن قند شربت بپزند شراب
گاوزبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج را سود دارد
و خفقان را زایل کرداند صفت آب گاوزبان تازه
یکمن با یکمن قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بیست و بقوام آورند

مثقال

مثقال گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان
تازه نباشد یکبار یک خشک کنند شراب بادرنجبویه
دل را قوت دهد خفقان سرد را نافع بود و توحش
سوداوی را زایل کرداند صفت بادرنجبویه تازه بستانند
و آب بگیرند نیم من و با یکمن قند شربت سازند و اگر تازه
نباشد پنجاه مثقال خشک کنند شراب هلیله اوجاع مفاصل
و تبهای کرم را نافع بود و طبع را نرم کند صفت هلیله زرد
صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرف کنند و آب بر سر آن ریزند دو روز [illegible] (در حاشیه: و دیگر آب بر سر آن ریزند)
دیگر در آفتاب نهند و آب اول و دوم با هم بیامیزند و
صد و پنجاه مثقال ترنجبین در آن حل کنند و صاف
کنند و بر سر آتش نهند و بقوام آورند و فرو گیرند و یک مثقال
سقمونیای سوده در آن حل کنند شراب که فواق نشاند
خاصه آنکه از پس طعام آورد صفت زیره کرمانی انیسون کندر خورند
از هر یک ده درم در دو من آب بجوشانند تا یکمن آید و بپالایند

دوره
جو شکسته بشوشته شراب هلیون ریگ از مثانه پاک گرداند
صفت هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و
بپالایند و با یکمن قند شربت بپزند شراب بزوری معده
و جگر را نافع بود و بادها دفع کند و مفاصل را سود
دارد صفت پوست بیخ کاسنی سی درم تخم کاسنی پوست
بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه تخم کرفس از هر یک (در حاشیه: پوست بیخ کرفس)
ده درم تخم کشوث در کتان بسته هشتاد درم بجوشانند
و بپالایند و با یکمن و نیم قند شربت بپزند شراب ورد
مکرر مسهل صفرا و تبهای محرقه را نافع باشد صفت ورق
گل سرخ تازه نیم من در نه من آب بجوشانند و با یکمن
قند شربت بپزند شربتی سی درم با ده درم سکنجبین و
آب یخ استعمال نمایند شراب توت درد گلو و خناق را
نافع باشد صفت آب توت سیاه بگیرند و صاف کنند
و بجوشانند تا به نیمه آید و بهر پنج رطل از آن سه رطل قند صاف

(در حاشیه: صفت من آید بپالایند و نیم من دیگر برگ گل در آن آب بجوش نهند و دیگر بپالایند چند نوبت همچنین میکنند تا بیکمن آید صاف کنند)

اضافه

اضافه نمایند و بقوام آورند شراب انار [illegible]
قوة دهد و تشنگی بنشاند صفت آب انار شیرین بگیرند و بجو
شانند تا به نیم آید و بهر یکمن از آن آب یکمن قند اضافه کنند
و بقوام آورند شراب عنبر درد معده و اعصاب را سود
دارد و خفقان بارده را زایل کند صفت عسل دو من در
ده من آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر
و زعفران سوده از هر یک یک مثقال اضافه نمایند شربتی پنج درم
شراب مسک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع باشد
و پیران را موافق باشد صفت عسل یکمن قند سفید یکمن
در دو من آب بجوش نهند و بقوام آورند و یک مثقال مسک
و یک درم زعفران سوده اضافه نمایند شربتی سه درم شراب [illegible] که
نافع است از جهت اسهال دموی و ضعف معده صفت
رب به شیرین سی مثقال گلنار [illegible] صندل سفید
حب الآس از هر یک یکمثقال گلاب و قند سفید از هر یک [illegible] مثقال

بطریق معهود شربت سازند شربتی سه درم شراب ابریشم
جگر و دل را و احشا را قوت دهد و سده بگشاید و جمیع امراض
بارده را نافع بود و باه را زیاده کند و نشاط آورد صفته
ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانند و بر شانه اوزند
در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولنجان
و وج و مصطکی از هر یک درم زعفران یکدرم صلایه کرده
اضافه نمایند و یکمن قند شربت بپزند شربتی چهار درم شراب
اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع بارده و جمیع
امراض دماغ را که سبب آن برودت باشد سود دارد صفته
اسطوخودوس برسیاوشان عود صلیب از هر یک پنجدرم
اصل السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ کرفس تخم خطمی تخم خرفه
گل سرخ از هر یک سه درم مویز منقی بستان از هر یک پانزده دانه بجوشانند
صاف کرده یکمن قند شربت زنند شراب مفاصل پوست
بیخ کبر پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست مثقال تخم کرفس

رازیانه

رازیانه انیسون نانخواه ماهی زهره سورنجان از هر یک ده درم
پوست بیخ کرفس بیست درم قند سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند
شراب اصول مواد غلیظ را نضج دهد و سده بگشاید و
بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده
جگر و معده را نافع بود صفته پوست بیخ کبر پانزده درم
پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس بیخ کاسنی از هر یک
سی درم رازیانه تخم کرفس تخم کاسنی از هر یک بیست درم انجیر
زرد بیست دانه منقی چهل دانه قند سفید یکمن شربت بپزند و — اذخر سنبل اسارون ده درم
بخورند شراب کزر درد پشت را نافع باشد و باه قوت دهد
صفته کزر شسته پاکیزه ده من بر دیگ بیندازند و ده درم
کنند و در دیگ سنگین اندازند و آب بر بالای آن ریزند
و باتش ~~آهسته بزنند~~ در دیگ بالا پر محکم کنند چنانکه بخار
از وی بیرون نرود و باتش آهسته بزنند و بگذارند تا پخته شود
پس سر دیگ بگشایند و نیک بمالند و آب آن صاف کنند و — بستانند و

با هم سنگ آن عسل در دیگ بریزند و سنبل و خولنجان و
قرنفل و دارچینی از هر یک یکدرم زعفران نیم درم مجموع نیم
کوفته در کیسه بندند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست
بمالند و بجوشانند تا بقوام آید شراب الجبار اسهال دموی
و نفث الدم و سیلان طمث را نافع بود و معده و جگر
گرم را قوت دهد صفته صندل سرخ و سفید ساییده نیم — از هر یک نیم مثقال و جبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید
بطریق معهود شربت سازند شراب حب الآس بنسخه دیگر
یکمثقال حب الآس دو مثقال پوست بیخ الجبار گلنار گل سرخ
تخم حماض بری از هر یک ده درم رب به شیرین و گلاب از هر یک
بیست مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور معهود
شربت سازند شربت دیگر که از جهت مالیخولیا و امراض
سوداوی را نافع است صفته تخم کاسنی تخم خرفه
تخم بادرنجبویه از هر یک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه
هفت درم و نیم ابریشم ساده درم اصل السوس پنجدرم رازیانه

بسفایج

بسفایج فستقی از هر یک سه درم و نیم در شش مثقال
ادویه گلاب و دو مثقال آب سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی
باقی ماند و با یکمن قند شربت بپزند شراب قند دفع بلغم و دفع
کنند و سردی را جا را نافع بود صفته زنجبیل دارچینی از
هر یک پنجدرم قاقله از هر یک دو درم قرنفل یکدرم مجموع
نیم کوفته در هفت رطل آب بجوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند
و با پنج من قند بقوام آرند و نیم درم زعفران ساییده اضافه
نمایند شراب عسل معده و جگر را گرم کند صفته سنبل مصطکی
دارچینی قاقله عود هندی جوزبوا از هر یک یکدرم قرنفل نیم
درم مجموع نیم کوفته در رطل آب بجوشانند و بقوام آورند — تا به دو رطل آید بپالایند و با پنج رطل عسل بجوشانند
شراب خار دفع خار بی نظیر است صفته آلو سیاه تمر
هندی دانه از هر یک یکرطل عناب پنجاه دانه در شش رطل
آب بجوشانند تا به دو رطل آید و بپالایند و آب انار ترش و
شیرین و آب سیب و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه نمایند

دو با یکرطل قند بقوام آورند شراب فنجنکشت رعت انزال را
نافع باشد صفت آب انگور خام شش رطل سماق مازو گلنار
گل سرخ کشنیز خشک کنند و صعتر سعد از هر یک ده درم زعفران
و ثبت عاقی از هر یک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند
تا بثلث آید صاف کنند و استعمال نمایند شراب دارو تخت
مقوی اعضاء رئیسه است و نسیان و امراض بلغمی و سوداوی را
نافع است و باه را قوت دهد و پیران را موافق باشد
صفت آب انگور [illegible] من به شیرین [illegible] من سیب اصفهانی دو من
گلاب نیم من آب خالص ده من دارچین قرنفل مصطکی
سنبل الطیب کبابه [illegible] جوز بوا خولنجان از هر یک
سه درم بهمن عود خام بسباسه دوالیه از هر یک سه درم زعفران دو مثقال
عنبر یکمثقال سیب و به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و — مشک نیم مثقال
بعد از آن برگشته صاف کنند و مشک و زعفران و عنبر را
در گلاب حل کنند و اضافه نمایند و ادویه نیم کوفته در کرباس کنند

و در میان جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند و زمان زمان
بدست بمالند تا شیره باز دهد چون شیره انگور را در خم
ریزند کیسه را نیز در خم اندازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شراب خبث الحدید معده را قوت دهد و [illegible] را قوی گرداند
و [illegible] و باه و بواسیر را نافع باشد صفت تخم کرفس
زیره کرمانی رازیانه افسنتین نانخواه صعتر [illegible] کاشم کرویا
کشنیز خشک [illegible] دارفلفل [illegible] دارچینی سنبل قرنفل جوز
بوا تخم جرجیر تخم [illegible] سعد زرنباد از هر یک یک مثقال خبث
الحدید ده مثقال در شش مقابل ادویه شراب بجوشانند تا به
نیم آید و صاف کنند شربتی هر روز سی درم کافی باشد شراب
ریحانی نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را قوت
و پیران را موافق آید صفت شیره انگور در خم ریزند شش من
آب اضافه کنند دارچین قرنفل بسباسه جوز بوا از هر یک
ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در خم اندازند در خم را

بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند باید که اول خم را
پاک بشویند و اندرون او موم کرده خشک گردانند و اندرون او
بمشک و عنبر خوشبو گردانند شراب [illegible] معده و دل را قوت دهد
و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آب سیب
سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ سنگین کنند و قرنفل
یکدرم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ
از هر یک سه درم کوفته در کرباس بسته در دیگ اندازند و [illegible]
سیب و به بجوشانند تا به نیم آید و در خم ریزند و شراب
ریحانی دو من بر بالای آن ریزند و قند سفید یک رطل و نیم
اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند
و بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند شیاف احمر [illegible]
و غلظ و آخر رمد را نافع باشد صفت شادنج مغسول ده درم
مس سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا دو درم [illegible] از هر یک
دو درم [illegible] مروارید ناسفته ساذج هندی از هر یک چهار درم

دم الاخوین و زعفران از هر یک یکدرم صلایه کرده شیاف
سازند شیاف احمر حاد سبل و ظفره و سلاق و بیاض را نافع
باشد صفت شادنج مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم
مس سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون و صبر سقوطری
از هر یک نیم درم زنگار دو درم و نیم زعفران و مر از هر یک
دانگی و نیم کوفته و بیخته بحریر شیاف سازند شیاف اخضر جرب
و سبل و بیاض را نافع باشد صفت زنگار سه درم اقلیمیای
نقره اشق صمغ عربی سفیدآب ارزیز از هر یک دو درم
صمغ را و اشق را در آب سداب حل کنند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته بحریر بدان بسرشند و شیاف سازند شیاف [illegible] — زرنباد
[illegible] و جرب و سبل و سلاق و [illegible] زاید را نافع بود صفت
زنگار شش درم صمغ عربی و اشق از هر یک چهار درم اقلیمیای
طلا و افیون از هر یک دو درم بازرد یکدرم کوفته و بیخته
با آب سداب بسرشند و شیاف سازند شیاف طرخماطیقون

بازرد غاسنیرا گویند

کنند و حب و سلاق و استر خاجنن و برنج سبیل را نافع
بود صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم
زنگار و قلقطار سوخته از هر یک پنج درم مس سوخته چهار
درم افیون و زعفران از هر یک یکدرم با آب رازیانه
برشتند و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع
بود و درد صعب را بنشاند و کحذر کند صفت
سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی پنج درم افیون و
کتیرا از هر یک یکدرم بسپیده تخم مرغ برشتند و شیاف
سازند شیاف گل سرخ نسخه محمد زکریاست امد را نافع باشد
حدة و قوت آن کمتر از حدت و قوت ابیض است بهتر
و سبکتری شیاف وردیست صفت گل سرخ چهار
مثقال سفیداب ارزیز و زعفران از هر یک دو مثقال
افیون و صمغ عربی یک مثقال بدستور معهود شیاف سازند
شیاف بریو ما رمد را در روز با صلاح آورد صفت

صفته سفیداب
شیاف ابیض انزروت
انزروت ... درم انزروت مربی ... بسپیده تخم مرغ
کتیرا از هر یک چهار درم
سرشته شیاف سازند

بشیاف

شیاف مامیثا انزروت مربی از هر یک هشت درم زعفران
دو درم افیون نیم درم کتیرا یکدرم کوفته و بحریر بیخته با آب
باران برشتند و شیاف سازند و بسپیده تخم مرغ در چشم
کشند شیاف بریو ما بنسخه دیگر رمد را نافع باشد و سرخی ببرد
و آماس بنشاند و درد تسکین دهد صفت اقلیمیای نقره
و روی سوخته از هر یک سه مثقال کتیرا و اقاقیا و صمغ عربی
از هر یک دو مثقال افیون و زعفران از هر یک یکمثقال کوفته
و بحریر بیخته بسپیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر ظفره و شیم را زایل
نافع باشد صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی
و مس سوخته و زنگار از هر یک دو درم با آب رازیانه
برشتند و شیاف سازند شیاف خلوق بادها را کنده کند
و آماس ملتحمه بنشاند صفت مس سوخته سه درم اقاقیا ده درم
کتیرا و صمغ عربی و سنبل و زعفران از هر یک یکدرم با آب
باران شیاف سازند شیاف اسود نافع است بادها را که در چشم

از هر یک شش درم ملقطار سوخته

او جمع باشد کشیدن و طلا کردن صفت مس سوخته
و افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف ما
میثا از هر یک یکدرم و نیم مروارید ناسفته بسد از هر یک یکدرم
اقاقیا پنج درم کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند
شیاف ابیض کندر قرحه و مده غلیظ را نافع باشد
صفت سفیداب ارزیز هشت درم افیون انزروت مربی کتیرا
از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم با آب
باران شیاف سازند شیاف آبار و تم و معی سرخ را
نافع باشد و حرارت بنشاند و جعفر را بر سازد صفت
اقلیمیای طلا سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی
صمغ عربی کتیرا سرب سوخته از هر یک هشت درم
و افیون از هر یک یکدرم با آب باران شیاف
سازند شیاف آبار بنوع دیگر منفعت آن قریب بمنفعت
اولست صفت آبار سوخته سرمه اصفهانی مس سوخته

توتیا

توتیا کتیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته
و بیخته شیاف سازند و بعض اقلیمیای طلا و سفیداب
ارزیز از هر یک شش درم کندر چهار درم اضافه میکنند
شیاف کندر قرحه و قرحه را نافع باشد و گوشت برد
یاند صفت اشق انزروت از هر یک پنج درم کندر
ده درم زعفران دو درم اشق را در لعاب حل کنند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته بران برشتند و شیاف سازند شیاف
که ابتدای رمد را نافع صفت فربیون سفید یکوقیه تلق
نیم وقیه اشق یکدرم با آب ترب شیاف سازند شیاف
روشنائی چوب و ظفره را بنشاند و ابتدای نزول آب را
نافع باشد صفت اقلیمیای نقره و اقلیمیای طلا مروارید
ناسفته از هر یک دو درم کافور دو دانگ از هر یک دانگی
صلایه کرده با آب باران برشتند و شیاف سازند شیاف
اصفر جهت ابتدای نزول آب و تاریکی چشم را نافع

صفت اثر دوت ترا شیاف مامیثا از هر یک هشت درم
مرو بوره ارمنی و فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ
زرد دو درم زعفران یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف اصفر بنوع دیگر هلیله زرد و توتیای هندی
زعفران یکدرم از هر یک پنجدرم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک سه درم باب
باران باز یا نه شیاف سازند شیاف سماق جوب دخارش
و مخلوط ما نافع باشد صفت سماق مشغال ۱۲ با آب باران
بیزند و بجا لا بیند و بجوشانند تا غلیظ شود و بکذارند تا سرد
شود دو ده درم سفید آب ارزیز بدان بسرشند و شیاف
سازند و بعضی آب سماق را میجوشانند تا غلیظ شود و
دیگر دسماق با آن سرشند شیاف سازند شیاف دیبا رحون
سبل رقیق بردارد صفت اثر د جو به ساذج مغسول
صبر سقوطری شیاف مامیثا کوفته و بیخته با آب باران
شیاف سازند شیاف وردی صعوبت دردچشم را

والحال

9

فی الحال منفعت باشد صفت ورق گل سرخ پانزده درم
زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب ده درم
صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف
اسود بنسخه دیگر ... خرقه علق و دمعه دسبل را که با اد
حرارت باشد نافع باشد صفت اقلیمیای طلا سفید آب
ارزیز صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم قرنس سوخته سنبل
الطیب شش از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا مغسول بیست درم
کوفته و بیخته تبعتی را آب سو ... دهد با عنب الثعلب شیاف
سازند شیاف اصطیطقان استرخاء و جفن و تاریکی بصر
و ابتدای آب را نافع است اقلیمیای طلا قلقل سیاه
افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی شیاف مامیثا از هر یک
هشت درم انزروت نمک هندی زرنیخ زرد از هر یک
یکدرم بوره ارمنی دوازده درم با آب باران یا نه شیاف
سازند شیاف که نافع است جرب و غلیظ جفن را و سبل کهنه

کهن و حرارت باشد و جمره یا نشد و بیاض و تاریکی چشم را
زائل گرداند صفت افیون اقلیمیا ... از هر یک یکدرم
سفید آب ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم باقی که
اشق در آن حل کرده باشند شیاف سازند شیاف که نافع بست
ابتدای زمد را و درد ساکن کند و غراب آکرد صفت
شیاف مامیثا هفت درم زعفران افیون حضض صمغ
عربی از هر یک ... دو درم کثیرا انزروت از هر یک
چهار درم جند بیدستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف که نافع است قرحه حاره جدیده را د چشم را
خشک سازد و گوشت را بر دیانند صفت سفید آب ارزیز
دو درم کثیرا انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم
کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
زنگار جرب و باد و سبل را نافع بود صفت صمغ عربی
سفید آب ارزیز زنگار ... با آب سداب شیاف سازند

شیاف زعفران جهت سیلان دمعه را نافع
صفت سنبل الطیب و زعفران از هر یک دو درم
... فلفل سفید دانگی و نیم نوشادر نیم درم
... یکدرم ... کوفته و بیخته با بیشیاف
... درم کافور نیم ... سازند

شیاف

شیاف خوره جرب و حکه و کهنه را نافع بود صفت نحس
پنجدرم هلیله زرد صمغ عربی توتیای مغسول از هر یک ده درم
حضض مکی چهار درم زرد چوبه زعفران از هر یک دو درم
با آب غوره شیاف سازند شیاف جرب صبر کند ر گلنار
انزروت دم الاخوین ... اقاقیا ... از هر یک
یکدرم زنگار دانگی و نیم بطلای شیاف سازند و سوراخ را
از چرک پاک کند در این جا نهند شیاف درد قرحه و سنجر
قشره و ... وتنوی قرنیه و سبل و حکة المده و زمد کهنه را
نافع بود صفت برگ گل تازه هفت دو دو مثقال
اقلیمیای نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست و
چهار مثقال زعفران شش مثقال افیون و سرمه
از هر یک سه مثقال زنگار و توتیا و کحل سنبل هندی
از هر یک دو مثقال مرصاف کوفته و بیخته با آب باران
شیاف سازند شیاف دینار جون بیخ ... دیگر ابد سودا ...

نافع باشد صفت سفیداب ارزیز اقلیمیای از هر یک
دو درم افیون و نشاسته از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم
بطریق معهود شیاف سازند شیاف آنزروت بنفشه و اقلیمیای
طلا توتیا مرسفیداب ارزیز روی سوخته کندر از هر یک
دو درم دم الاخوین و افیون از هر یک یکدرم انزروت
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه و بثور را نافع است
صفت اشق و انزروت از هر یک پنجدرم زعفران دو درم کندر ده درم
بلعاب حلبه شیاف سازند شیاف قلقند از برای ظفره نافع است
صفت روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم نوشادر قلقند
سازند بوره ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ نیم درم سبب که بر شیاف [illegible]
بکمزار آنند و بکهنه استعمال نمایند شیاف مرطوبه را نافع بود صفت
کندر مر زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ نیم درم
شیاف سازند و بآب کشنیز تازه در چشم حل کنند شیاف
حرارات ابتدای رمد [illegible] را نافع باشد صفت

زهره

زهره کلنگ زهره شنقوط زهره بز کوهی زهره باز زهره
عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده درم تخم حنظل
و سکبینج و فرفیون از هر یک یکدرم بآب رازیانه شیاف
سازند شیاف حرارات تیخنه دیگر ضعف بصر و ابتدای
آب را نافع بود صفت زهره باشق زهره عقاب زهره
خرس زهره روباه زهره شنقوط خشک کرده مساوی بآب
رازیانه شیاف سازند شیاف حرارات تیخنه دیگر زهره
کلنگ زهره کبک زهره گرگ زهره بز کوهی زهره باشق
زهره خرگور زهره کبوتر زهره شیر زهره تعلق زهره ماهی
از هر یک یکدرم خشک کرده سکبینج فرفیون تخم حنظل از هر
یک یکدرم سکبینج را بآب بادیان حل کنند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته در آن بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر که
قایم مقام حرارات است صفت زهره بز کوهی در ظرف خشک کرده
ده درم تخم حنظل نیم درم سکبینج دو درم فرفیون و نوشادر

زهره خوک زهره روباه زهره خرگوشی
زهره آهو
مسینی

از هر یک یکدرم بآب سداب یا بآب بادیان رازیانه
شیاف سازند شیاف که علاقی گویند حکه جرب
و سلاق و ظلمت و دمعه و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع
بود صفت توتیای مغسول شش درم مامیران چینی
شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم فلفل زنجبیل زبد البحر
حضض هندی پوست هلیله زرد ساذج هندی از
هر یک سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ عربی
از هر یک دو مثقال بآب غوره بپرورده شیاف
سازند شیاف حلتیت خیالات و ابتدای آب را نافع
باشد صفت حلتیت خربق سفید از هر یک ده درم سکبینج
سه درم بعسل سرشته شیاف سازند شیاف دینارجون
دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع باشد و چشم را جلا دهد
صفت اقلیمیای طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم
کثیرا دم از هر یک پنجدرم مروارید ناسفته بسد دم الاخوین

زبد البحر
کف دریا است

از هر

از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ اقاقیا از هر یک نیم درم افیون
هفت درم زعفران نشاسته روی سوخته از هر یک دو درم
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که جرب و سبل و لحم زاید را
نافع باشد صفت ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنجدرم زنگار
سه درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک یکدرم زعفران نیم درم
بآب سداب شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد
صفت زنگار سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیای نقره صمغ
اشق را بآب سداب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن
بسرشند و شیاف سازند شیاف که بثره و قرحه را نافع بود
و نشان قرحه را ببرد صفت شاخ گوزن سوخته مغسول
سرب سوخته مغسول از هر یک چهار درم توتیای مغسول محرق
دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند چنانکه
رسمست و در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و
صفرا دفع کند و درد پشت را نافع باشد صفت

از هر یکی دو درم اشق

سکبینج و مقل جاوشیر اشق نمک هندی شحم حنظل بوره
ارمنی سقمونیا حب النیل ترید مساوی صمغها را بآب سداب حل کنند
و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند بزهره
دو درم شیاف دیگر درد پشت و جمیع امراض مفاصل که سبب آن بلغم
نافع بود صفت سکبینج جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق زنجبیل بورانی
شقاقل شحم حنظل کرفس رازیانه انیسون نمک هندی جندبیدستر انزروت
زرنباد قسط ماهی زهره سعد کوفته بآب سداب نمک مساوی کوفته
بآب سداب تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر
که پشت درد و وجع مفاصل و بواسیر را نافع بکند صفت
سکبینج مقل جاوشیر بازرد بید انجیر ماهی زهره بوره یدان از هر یک
یکدرم بذر البنج یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم جند
بیدستر نیم درم بآب کنند تا شیاف سازند شیاف زحیر زعفران
عصفی مر افیون کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند
قیروطی بکند و طبع را شیاف خمار جز صفت سنبل هندی دو درم سنای مکی نیم درم نمک هندی

شحم حنظل

یکدرم

یکدرم عسل خیار چنبر شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند
شیاف بنفشه که همین خاصیت دارد صفت بنفشه درم
سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی و تربد از
هر یک سه درم انزروت و فانید از هر یک پنج مثقال شیاف
سازند شیاف قولنج بوره ده درم شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک
پنجدرم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف سازند
شیاف فرفیون ضعف مثانه و سلس البول و فتق را نافع بود
و باه قوه دهد صفت نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مغز بادام
تلخ کرمدانه حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جندبیدستر
سداب از هر یک سه درم مقل ده درم بآب کنند تا شیاف سازند
شیاف که مقوی باه است صفت حلتیت فرفیون از هر یک
یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که همین
خاصیت دارد صفت سوسمار زهره کرگ حب الفلفل
عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته بروغن بلسان شیاف سازند شیاف

شیاف ... شحم حنظل ... یکدرم
... سه درم جندبیدستر ... و ... ارمنی ...
... نیم درم ... فرفیون ... زنجبیل ...
... کرده و ... شیاف سازند ...

که استسقا و طحال را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت
سداب و تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی از هر یک یکدرم شکر سرخ
پنجدرم بآب سداب شیاف سازند شیاف ثقل سمع دوی
و طنین را که سبب آن بلغم یا ریاح غلیظ و وجع بلغمی گوش
و طرشی که سبب آن اخلاط غلیظ بود زایل کند صفت شحم
حنظل بوره ارمنی سه درم جندبیدستر ذراریح و غصاره
افسنتین از هر یک نیم درم قسط دارچینی و نیم فرفیون دانگ کوفته
و بیخته بزهره گاو بسرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت
یکی را از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش چکانند
شیاف که خون از بواسیر باز دارد صفت کندر و انزروت و
دم الاخوین گلنار سرمه زاج سفید از هر یک یکدرم زنگار دانگی
کوفته و بیخته بعسل سرشته شیاف سازند شیاف که همین خاصیت
دارد صفت قنطوریون دقیق بیخ سوسن انزروت از هر یک
یکمثقال زنگار دانگی بعسل سرشته شیاف سازند شیاف دیگر که همین

رازیانه تخم

مازو نیم مثقال

خاصیت دارد صفت اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی از
هر یک یکدرم ودع سوخته و سفیداب از هر یک نیم درم بآب
لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شیاف سازند شیاف دیگر که همین
خاصیت دارد صفت عصاره لحیة التیس اقاقیا حب البلوط
دم الاخوین از هر یک یکدرم سفیداب صدف سوخته از هر یک
نیم درم بآب لسان الحمل شیاف سازند شیاف که در عقب مسهل
استعمال کنند که مسهل تقصیر یابد و کرم مزاجان را موافق
باشد صفت ترنجبین پنجدرم صابون رقی و خطمی نمک طعام از
هر یک دو درم شکر سرخ پنجدرم شیاف سازند شیاف که
اسهال دم را نافع باشد صفت مرداسنگ اقاقیا بزر البنج صمغ
برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بآب مورد سرشته شیاف
سازند شیاف که شکم ببندد صفت اقاقیا صمغ عربی گلنار
کزمازج بلوط برنج بریان کرده ذرة بریان کرده کوفته و
بیخته شیاف سازند شیاف که نافع است از جهت زحیر و

صدف سوخته و درخ گوشش سوخته

ذرة ارزن باشد

اسهال دم و اخراجی صفت صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بذر
البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته با آب
مورد یا برشینه و شیاف سازند و بعض از ضعف استعمال
نمایند شیاف عنزروط که از جهت کرم کوچک که در امعا و شغل
المقال باشد نافع است صفت شحم حنظل قنطوریون نمک
هندی مغز استخوان زردالو تلخ مساوی کوفته و بیخته
شیاف سازند باب الصاد صبغ که بهق ابیض را
برنگ خود آورد صفت تخم تربت شیطرج فوه کندش
خردل کوفته و بیخته برگ کهنه تر کنند و در آفتاب بمالند
صبغی که برص را از آن رنگین کند صفت سونیزه تربد
یمانی فوه کوفته و بیخته بدرد بشراب تر کنند و چند نوبت
بمالند صبغ دیگر که همین خاصیت دارد صفت شیطرج عاقرقرحا
حضض مکی خردل شوتیز گل ارمنی سماق مرزنجوش زرد فوه
مساوی کوفته و بیخته بسرکه بمالند که نافع است صبغ
دیگر

با آب گشنیز تازه

شیاف عنزروط

صفت صمغ عربی کوفته و بیخته
از هر یک ...

صبغ دیگر که همین خاصیت دارد صفت شیطرج فوه ملک تربت
یمانی گل سرخ ... شانه روز در سرکه خیسانند و روز دیگر بمالند
صبغی که بهق اسود را بسر دو برنگ بدن آورد صفت تخم
ده درم کندش و قسط از هر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند صبغ
که رنگ را سرخ گرداند صفت زعفران فوه کندش مصطکی
مساوی کوفته با آب سلوس تر ساخته بمالند و صباح با آب
گرم بشویند صبغ که اثر آن آبله و جراحت و ریشها بر دو رنگ
بدن آورد صفت سنگ سوخته تخم ... کهنه آرد نخود
استخوان پوسیده مغز تخم ... حب البان قسط کوفته و بیخته
بلعاب حلبه و بزرکتان بمالند و صباح ... آب گرم
بشویند صبغ که همین خاصیت دارد صفت ... مرداسنگ مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق کوفته
بمالند الشعیر بمالند باب الضاد ضماد صلابت طحال را
نافع باشد صفت مقل دو درم اشق یک درم آرد باقلا سرکه

شعیر آب جو باشد

طحال سپرز

اکلیل الملک برگ حلبه بابونه ترمس سنبل از هر یک نیم درم انجیر زرد
بیست عدد چهار درم کوفته و بیخته بروغن بابونه ضماد کنند ضمادی
که نافع است از برای اورام طحال صلبه و جگر صفت زعفران صبر از
هر یک یک درم افسنتین و سنبل از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته
با آب گرم ضماد کنند ضمادی حی العالم نافع است از جهت حرارت
درم جگر صفت بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل
سفید از هر یک چهار درم قصب الذریره دو مثقال کافور یک درم
کوفته با آب گشنیز تازه ضماد
کنند ضماد دیگر ورم جگر را نافع باشد صفت جو در سرکه
خیسانند تا مهرا شود پنج درم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم
افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره صندل سفید
شیاف مامیثا از هر یک یک درم کافور دانگی کوفته و بیخته
بر لسته مالند و بر موضع جگر اندازند ضماد شوحه صفت بنفشه
نیلوفر گشنیز ... اکلیل الملک مساوی کوفته
بروغن

یا روغن نیلوفر

گل ...

دیگر ...
بروغن بادام ضماد کنند ضماد دیاخلیون برگ حلبه از هر یک
ده درم میوه سایله چهار درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین
ضماد کنند ضمادی که شکم را ببندد صفت اقاقیا ...
کندر سعد ... سنبل مصطکی از هر یک پنج درم ... ده درم
کوفته و بیخته با آب به ضماد کنند ضماد دیگر که معده بارده
گرم کند و قوت دهد صفت سعد کوفته و مصطکی سنبل قسط
افسنتین از هر یک پنج درم ... قرنفل دارچینی
قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب ... ضماد کنند
ضمادی دیگر که ورم معده را تحلیل دهد صفت مقل حب
البان کرفس از هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی
از هر یک پنج درم موم سه درم روغن ناردین یازده درم
صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته اضافه
نمایند و با موم و روغن ضماد کنند ضمادی دیگر که همین
خاصیت دارد صفت حلبه ... یمانی خطمی برگ خطمی بابونه

سنبل سعد قصب الذریره ... ادخر
از هر یک دو درم ... بابونه دو درم

اشنه از هر یک پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد — مصطکی
المعتدلین از جهت جگر و معده گرم نافع است صفت
صندل سرخ صندل سفید گل سرخ شیاف مامیثا گل سرخ
کافور کوفته و بیخته با عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند
ضمادی که استسقا که با آن حرارت باشد نافع است صفت — 9
آرد جو سعد کوفی پشک گوسفند کهنه بوره ارمنی کوفته و بیخته — گل ارمنی
مساوی با سرکه ضماد کنند ضماد دیگر نفخ طحال را سود دارد
و صلابت را نرم کند صفت اشق هشت درم سداب ده درم
بوره ارمنی و فودنج از هر یک ... درم کوفته و بیخته با سرکه کهنه ضماد
کنند ضماد الاشق صلابت طحال را سود دارد صفت
اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی از هر یک چهار درم و اشنه
کرمازج از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد دو درم
الخیر را در سرکه بیزند و اشق را و مقل را در آن بگذارند و
باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضماد

کردج

کردج رحم و بواسیر را نافع بود صفت افیون بذر البنج زعفران
پیه مرغ از هر یک دو درم خطمی و برزک از هر یک پنج درم و زرده
تخم مرغ یک بیضه بروغن استخوان زرد آلو ضماد کنند ضمادی — نیم بخته
دیگر که همین خاصیت دارد صفت جوز السرو و حب ورق
سداب بارزد بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط
ضماد کنند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
مصطکی کندر زراوند جوز السرو و برگ مورد و برگ بلوط
مساوی کوفته و بیخته ضماد کنند ضمادی که نواصیر را
باز دارد و بقایای اورام بارده را تحلیل دهد صفت مقل
کندر حلبه برزک اشق کوفته و بیخته با سرکه ضماد کنند
ضمادی که بلغم را از بدن بیرون آرد صفت اشق
بیار زرکبنج تی ضماد کنند ضمادی اصطمخیقون برود — کوفته بیل
معده و طحال و کبد را نافع باشد صفت افسنتین سنبل
الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان ز — خوزان

ضمادی که
از جهت نقرس نافع باشد
جوز السرو دو درم سعد صمغ عربی
مرزنجوش بازو اقاقیا کندر از
هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب
کهنه ضماد کنند

از هر یک دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن
ناردین یا روغن مصطکی یا روغن زنبق بگدازند و باقی
ادویه را با آن کوفته و بیخته با آن بر هم زنند و ضماد کنند
ضماد دیگر ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع است
صفت حب الآس آمله عود و کشنیز برگ مورد و پوست بیخ سیب
گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته
بگلاب و آب سیب ضماد کنند ضماد دیگر نقرس و اورام
حاره را نافع باشد صفت صندل سرخ عدس مقشر فوفل شیاف
مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد سازند
ضماد دیگر لقوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه و درد — قسطاریون
دندان را نافع بود و نزلات چشم را منع کند و چون
بر صدغین چون بر مثانه ضماد کنند بول براند و چون
بر کندگی عورت ... در ... گردانند و ... ضماد
کنند اورام اعضای باطنه را نافع باشد صفت

ضماد کنند
... سفید ...
... دو درم
... مقل ...
ضماد سازند

دهن الحام

دهن الحام دو درم موم سفید ده درم وانج ... درم روغن زیت
چهل درم موم را و انبج را در روغن زیت بگدازند و دهن الحام
کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که اگر بر معده
نهند قی آرد و اگر بر ناف ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه — علة :
نهند حیض براند صفت زرنبک کابلی عصاره قثاء الحمار از
هر یک مثقال خربق سفید و مرداسنگ از هر یک هشت مثقال
روغن زیت ده درم موم سفید و پیه بز از هر یک پنج درم موم
و پیه را در روغن زیت بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
با آن ضم کنند و بر روی کاغذ پاره کشند و ضماد کنند
ضماد دیگر که چون بر لیفه کشند و بر سر معده اندازند اسهال
صفرا کند و چیزی بر سر بغل ضماد کنند بلغم براند و این ضماد
از برای اطفال و طفال پیران و کسانی که طاقت اسهال
بدوای مسهل ندارند بدین معالجه کنند صفت ترمس مقشر
یک کف بکوبند و در دیگ کنند و آن مقداری تازه که ...

بپوشانند پس آنکه ریزند و بجوشانند تا ترشی شیر را جذب
کند و بجوشانند تا قوام آید استعمال نمایند و
چون خواهند که قطع اسهال کنند لیمو را بر روده و موضع را بگلاب
بشویند ضمادی که خیر و کثرت دق را نافع باشد صفته منک
ملک گل ارمنی از هر یک چهار یکدرم کوفته و بیخته با آب مورد و
از ده کم مرغ ضماد کنند ضماد دیگر عرق النسا و وجع ورک را نافعه
باشد صفته پوست بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک
دو درم عصاره قثاء الحمار و حب الغار از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته بعسل ضماد کنند ضمادی که اعلیٰ نافع است دارد صفته
نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط و تخم تره تیزک از
از هر یک یکدرم زفت بنج درم زفت را با روغن زیت
بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند
که نافع است ضماد دیکه بر سستی که بر کرد ناخن بر خاسته باشد
آورد صفته مصطکی سه درم در بانزده درم روغن گل بگدازند

و ده

ودو درم نمک با آب بیامیزند و بران موضع ضماد کنند
ضمادی که جهت برص اطفال نافع است صفته زیت بیخ
شب یمانی کوکرد از هر یک یکدرم زفت روغن ده درم
زفت را در غسل بر که بگدازند و دارو های دیگر کوفته و
بیخته با آن بر سرشند و ضماد کنند ضمادی که سنبلهای طحالی ۱
را سود دارد صفته بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت بودنه
از هر یک ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته بیخته با آب سداب
ضماد کنند ضماد دیگر که ورم طحال را نافع بود صفته بنفشه تخم خرم ۱
اکلیل الملک مرزنگوش حماما بودنه شبت مصطکی از هر یک
ده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی درم ضماد سازند
ضماد دیگر که قروح مقعد را نافع باشد صفته افیون زعفران
از هر یک نیم دانگ مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز
نیم درم روغن گل پنج درم ضماد کنند ضماد بواسیر لحم کنند تا
بر زنگ مثقال ازرق از هر یک پنج درم پیه دو غن کاو در شن

ضماد سازند ضمادی که زلق الامعاء طفل را نافع است
صفته لادن سعد مصطکی قصب الذریره اذخر مرزنگوش
تمام هر یک پنج درم عود و جوز بوا قرنفل از هر یک یکدرم
و نیم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد سازند ضماد دیگه ادرار بول را
سود دارد صفته نان گندم آرد جو مساوی بر که بر سرشند و
در زیر ناف سر ریز مثانه ضماد کنند ضماد دیگه که آماس شکم را ۹
بنشاند و درد ساکن گرداند صفته آرد جو ده درم آرد باقلا
پنج درم اقاقیا یکدرم سفیده و سفیلنه تخم مرغ یکسیفته با آب کشنیز تر
و آب کاسنی و مرزنجوش ساخته ضماد کنند ضماد دیکه از
جهت اختلاط عقل در امراض حاره نافع است صفته
بیه بط پیه مرغ از هر یک پنج درم بشک کوسفند کهنه کوفته
و بیخته با آن بر سرشند و ضماد کنند ضمادی که اسهال اگر
بسبب آن ضعف قوه هاضمه بود و برودت جگر را نافع
بود صفته سنبل قصب الذریره افسنتین رومی و سورنجان

مصطکی

مصطکی لادن زرنک سعد و رق گل سرخ صندل از هر یک
بانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضماد دیگه
درد بواسیر بنشاند صفته مقل کوهان شتر مغز ساق گاو و
مغز استخوان زردآلو پیه زرده تخم مرغ مساوی در
روغن گاو که بیاز دران جوشانیده باشند حل کنند و
ضماد سازند و پیاز بروغن بریان نیز ضماد نافع است
ضماد دیگه قلیه اطفال را سود دارد صفته آرد جو بیک کوبنند
کهنه گل ارمنی ریکینی گاو خشک از هر یک دو درم سعد بواده
ارمنی زیره کرمانی تخم خشخاش تخم حنظل جیر سعوطان قثاء الحمار
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بر که ضماد کنند ضماد دیگه
افراط طمث را نافع بود صفته عدس مقشر پوست
انار ترش مازو برگ مورد مساوی کوفته و بیخته بر که
بر سرشند و بر پشت شکم و عانه ضماد کنند ضماد دیگه
که شیر زنان زیاده کند صفته آرد باقلا ده درم تخم

بادروج پنجدرم کوفته و بیخته با آب بادروج ضماد کنند
ضماد دیگر که نگذارد که ناف بیرون آید صفت شب یمانی
سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته شش درم در که ضماد کنند
و بر ناف ده محکم بربندند ضماد دیگر نقرس گرم را سود دارد صفت
آرد جو بیست درم افیون سه درم با آب عنب الثعلب
ضماد کنند ضماد دیگر نقرس مرکب را سود دارد صفت
لعاب خطمی تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی بر روغن گل
زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع اورام مفاصل را
سود دارد صفت بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست درم
اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم و روغن از هر یک هفت درم
شبت بیست درم ضماد کنند ضماد دیگر که جمیع اورام
حاره را در ابتدا نافع است و ماده را دفع کند صفت
شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب
ضماد کنند ضماد دیگر بواسیر و درد معده و زهیر را نافع بود
صفت

صفت مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین
کندر مر از هر یک نیم درم مرداسنگ سفیداب ارزیز
از هر یک یکدرم و نیم مقل یکدرم افیون دانگی روغن گل بیست
درم ضماد کنند ضماد دیگر مخصوص به بواسیر است صفت
مغز استخوان زرد آلو پنجدرم بیلط پنجدرم میعه سائله سه درم
مقل پنج مثقال زفت یکمثقال و نیم ضماد کنند ضماد
دیگر که همین عمل کند صفت روغن مغز استخوان زرد آلو
ده درم کوهان شتر نه مثقال برگ شفتالو خشک و موم سفید
سه درم مقل یکمثقال مرداسنگ دو درم ضماد کنند
ضمادی که اورام باد خصیه را نافع باشد صفت آرد باقلا
حلبه بابونه زیره مویز منقی بر روغن کنجد ضماد کنند
ضماد دیگر خنازیر را تحلیل دهد صفت کثیرا پنجدرم نانخواه
دو درم صبر یکدرم با آب گشنیز تازه ضماد کنند
باب الطلاء طلائی که از جهت سلاق حار نافع است

صفت صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم
گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم زعفران یکدرم افیون
شیاف مامیثا از هر یک دو درم بیخ لفاح یکمثقال با آب برگ
کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلائی
که ورم پس گوش را نافع است صفت صندل سرخ
فوفل شیاف مامیثا مویز زعفران و مر مساوی بگلاب طلا کنند
طلائی که آرد جو کلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل
سفید از هر یک سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر
پیشانی طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت
اقاقیا اشنان سته کلنار گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته با آب
مورد یا آب برگ تاک یا آب لسان الحمل سرشته بر پیشانی
طلا نمایند طلائی که موی را از ریختن نگاه دارد صفت سرسیاه
و شان لادن افسنتین حب الغار مساوی کوفته و بیخته
در روغن مورد بیزند و طلا کنند طلائی که شکستن و شگافتن

حبر
ریحان فرنگی
که از بیخ آید

موی را

لعاب بزرک بزرقطونا
و بر حلیم بر سر و رویش طلا کنند

صفت طلائی سبوس را ببرده
آب برگ چغندر حبلی درم
بوره دو درم

موی را نگاه دارد صفت برگ چغندر رجیل تخم بورده درم
زهره گاو یکدرم بعسل بسرشند و در سر طلا کنند طلائی
که منع انبات موی کند صفت وزغ در سایه خشک کنند
و بسایند و خون لاک پشت نهری خشک کرده و آهک و بوره
و مرداسنگ و صدف سوخته از هر یک قدری با آب بسرشند
و چون موی بغل و عانه بر کنده باشند طلا کنند و
نیک بمالند دیگر بر آنجا موی نروید و جمیع محرمات
همین خاصیت دارد و مثل آنکه اگر موی از موضعی
بر کنند و آنموضع بزنگ و افیون و سگوران
طلا کنند چند بار انبات منع کند طلائی که درین باب مجربست
صفت شیره تخم کرنب و خایه مورچه و زبد البحر و ترشی ترنج از هر یک
قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی را بر کنند و سه بار بر آن موضع
طلا کنند منع انبات کند اگر پیش از بلوغ و انبات
عانه این طلا استعمال نمایند موی از آنجا نروید طلائی که موی را تر و

یا برکه مورد

ودار الثعلب را نافع باشد صفت لادن سوخته حب کتان
کل شقایق بار دغن مورد کوفته بالادن ومرد رسوخته مصطکی بمالند
یا تفاح اذخر قرنفل وسعد ومازو کوفته وبیخته با شراب
طلا کنند یا سیم استر محرق با دبه بمالند بعد از انکه بیاز
عنصل چندان مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع باشد
واگر زبد البحر وبرکناسف سوخته بار دغن زیت طلا کنند
همین خاصیت دارد طلای که حکه وجرب یابس را نافع باشد
مغز استخوان زرد آلوی تلخ ریباس از هر یک بیست
درم نمک طعام زیبق مقتول از هر یک دو درم مجموع را در بیست
درم ماست ممزوج سازند ودر حمام طلا کنند ویکساعت
بگذارند پس بشویند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت
زیبق مقتول حنا تخم حنظل اقلیمیای نقره عود قرح مساوی
بسرکه وروغن گل طلا کنند طلای که همین منفعت دارد
صفت مغز بادام تلخ سنداروس مردار سنگ از هر یک سه درم کندر

مجرّه سوختن

یابس وجرب قوبا

رطب جرب ترب

ده درم سرکه وروغن گل طلا کنند طلای که از جهت جرب
رطب نافع است صفت زرد چوبه بوره مرقشیشا
از هر یک یکدرم میویزج نیم درم بروغن گل ترسا ساخته در حمام
طلا کنند سه ساعت بگذارند پس باب گرم بشویند طلای
همین منفعت دارد صفت گوگرد زرد یکمثقال بیه بز
دو مثقال روغن گل ده مثقال بیه را در روغن بگذارند و
گوگرد را صلایه کرده بران ممزوج سازند شب بمالند و صباح
در حمام بشویند طلای که همین منفعت دارد صفت زیبق
مقتول نیم درم کندش دو درم فراد ینز طویل سنت درم
بروغن گل سه روز طلا کنند طلای همین عمل کند صفت
عاقرقرحا میویزج تخم حنا زیبق مقتول گوگرد موم مساوی
بروغن دنبه ممزوج سازند طلا کنند طلای که از جهت جرب
نظیر ندارد و مکرر به تجربه رسیده صفت گوگرد حنا از
هر یک یکمثقال پوست بلیله زرد زیبق مقتول شیطرج هندی

ده درم نمک ...

طلای دیگر

صفت

طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت اشق ترمس
از هر یک یکدرم بوره ارمنی دو درم بسرکه کهنه سرشته
طلا کنند وبعد از ساعتی باب گرم بشویند طلای که
قطع ثالیل کند صفت مازو سبز یمانی تخم حب کوفته
وبیخته بزهره گاو بسرشند وچند نوبت طلا کنند
طلای که سوختگی آتش را نافع است صفت عدس مقشر
گل سرخ بپزند تا مهری شود پس شیاف سفیداب داخل کرده
روغن گل با آن بیامیزند وطلا کنند طلای که اثر بل
واماکن نرم گسیدکه بعد از بیماریهای دراز بر پا و پشت دست
وچشم دو رو بدید اشود زایل کند صفت صبر اقاقیا
سعد شیاف مامیثا زعفران حضض مکی گل ارمنی کوفته
وبیخته بسرکه داء عنب الثعلب طلا کنند طلای که صداع را
نافع است صفت مرزعفران افیون بذر البنج کندر
مساوی بگلاب تر کرده بر صدغین طلا کنند طلای

از جهت حکه

از هر یک نیم مثقال فلفل دانکی بروغن دنبه بیست مثقال
بطریق معهود یکدیگر ممزوج بسازند وشب بمالند وصباح
بحمام بشویند وسر که وآب گرم بشویند که از جهت حکه نافع
طلای دیگر که نافع است تخم خشخاش اسفناج کوفته در سرکه
خیسانیده در حمام بمالند طلای که حکه خصیه را نافع است
صفت شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو
درم نوشادر دانگی زعفران یک طسوج کوفته وبیخته بروغن
گل وسرکه ترکرده طلا کنند طلای که همین خاصیت دارد
صفت نوشادر چهار دانگ شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک سه درم
صبر چهار دانگ شب یکدرم بگلاب درکرده طلا کنند طلای که قوبا را
نافع است صفت گوگرد دو درم سفیداب هشت درم
مویزج یکدرم بسرکه طلا کنند طلای که همین خاصیت دارد
صفت خربق سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون
از هر یک سه درم کوفته وبیخته بسرکه ترساخته طلا سازند

صداع دوار بارش

بابونه بنفشه نیلوفر تخم کاهو از هر یک سه درم پوست
خشخاش شیاف ماميثا از هر یک دو درم مثقال کوفته
و بیخته بآب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین
طلا کنند طلای دیگر که اسهال و ذرب باز دارد صفت
گل سرخ پنج درم اقاقیا گلنار زرشک یمانی جوز
السرو صندلین عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر
دو درم بآب به بر شکم و معده و پشت طلا کنند
طلای که ورم حار جگر را نافع باشد صفت بنفشه خطمی
آرد جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندلین بابونه
اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک
دو درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند
طلای که ورم حار خصیه را نافع باشد صفت بابونه اکلیل
الملک خطمی شیاف ماميثا بوشش دربندی از هر یک هفت درم
بنفشه دو درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی

صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال

شیاف ماميثا سه درم [illegible] یکدرم

سنبل نیم درم

صندل سرخ و سفید از هر یک سه درم

طلا

خون بسیار آید

طلا کنند طلای افراط حیض باز دارد صفت گل سرخ
عدس مقشر از هر یک پنج درم اقاقیا گلنار صندلین از
هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط طباشیر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بآب به بر عانه و پشت طلا کنند
طلای که از جهت بنات اللیل نافع است صفت خطمی اکلیل
الملک از هر یک چهار درم برس بوشش دربندی از هر یک
یک درم مقل شیاف ماميثا از هر یک یکدرم و نیم آرد باقلا
سه درم کوفته و بیخته بآب کرفس طلا کنند طلای
که جهت سعفه تر که بر روی اطفال باشد نافع است
صفت سفیداب ارزیز سه درم گل ارمنی دو درم گلنار
زردچوبه از هر یک یکدرم کافور [illegible] موم سفید ده درم
نیم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند و باقی
ادویه کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند
طلای که همین خاصیت دارد صفت اسنان سبز مرداسنگ

بابونه

سعفه سایر [illegible]

[illegible]

از هر یک پنج درم گل ارمنی حضض پوست انار از هر یک
سه درم حنا و قنبیل از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف
ماميثا صندل از هر یک دو درم بگلاب تر ساخته
طلا کنند طلای دیگر از جهت سعفه صفت برگ مهک چهار درم
حنا و مازو از هر یک دو درم بروغن دنبه طلا کنند طلای دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آب برگ چغندر روغن
دنبه از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود و روغن
بماند بعد از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته با آن ممزوج ساخته طلا کنند طلای زردچوبه حنا
و زراوند [illegible] در سنگ پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند
طلای که از جهت سعفه کهنه نافع است صفت نمک محرق زاج
محرق گوگرد خاک زیبق مازو و زردچوبه مرداسنگ کوفته
و بیخته بروغن گل و سرکه طلا کنند طلای که سعفه تر را نافع
باشد صفت نمک اشنان برگه تر کرده چند نوبت

دیگر از جهت سعفه که در بدن اطفال پیدا شود صفت

زراوند

بمالند

بمالند و اگر صابون رقی بگلاب بزنند تا کف برآرد
بعد از آن بیخ بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه بادام
از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند و یکساعت
بگذارند و بعد از آن بآب گرم بشویند سعفه را مستاصل نماید
طلای که شپش دفع کند صفت مویزج [illegible] و شوره از هر یک دو درم
یکدرم بسرکه و روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن کافور چرب
کنند و بآبی که در آن گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند
بغایت نافع است طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت
مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت سرشته
کرده بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آن که عرق کرده باشند
طلای که پوست کم مرغ با آب خربزه بر دو آرد جو بیخ نی
پوست عدس آرد باقلا فوفل کف دریا ایرسا [illegible]
مساوی بآب ترب طلا کنند طلای که برش را ببرد صفت
سپندان سفید زرنیخ مساوی بشیر تازه طلا کنند طلای

زرنیخ سرخ یکدرم نیم

زیبق مقتول

باشند

کلف را ببرد [illegible]

که داغهای زردی از روی ببرد صفت زراوند مدحرج
شیطرج هندی از هر یک پنج درم آرد باقلا آرد نخود
عدس مقشر از هر یک پنج درم سفیده تخم مرغ تر سازند
و نیک طلا کنند و صباح بآبی که تخم خرفه نیم کوفته
دران جوشانیده باشند بشویند طلای که بهق را نافع باشد
صفت حنا طلا و نمک کوفته و بیخته سرکه تر سازند و در حمام
بمالند و یکساعت بگذارند پس بآب سرد و صابون
بشویند طلائی که جذام را نافع باشد صفت نطرون
اشق زفیون کوکرد زرد ورق اطریساوی کوفته سرکه
طلا کنند طلای که از جهت کلف نافع است صفت
تخم ترب تخم جرجیر ترمس مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل مساوی کوفته بآب قسط
برگ ترب طلا کنند طلائی که بهق و برص را زائل کند صفت
قوه کندش شیطرج هندی خردل تخم ترب مازریون تخم
حنظل خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک یکجزو شقایق

دوجزو کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانروز و روز
دیگر طلا کنند طلای که بهق ابیض و اسود را نافع است
صفت گل شقایق سقمونیا تخم ترب خردل صمغ عربی آلو از — شیطرج
هر یک یکمثقال کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانروز و
بعد از آن که کیسه دران مالیده باشند طلا کنند و اگر در ابید
صلابه کرده باشد که طلا کنند همین خاصیت دارد طلای که
حب القرع و کرم دراز را اخراج کند صفت افسنتین سه درم
شفتالو ده درم زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند
طلای که چون بر راس صبی مالند موی برویاند صفت
فلفل کوفته و بیخته بپیه خوک و عسل آمیخته طلا کنند
طلای از تیاسوی شعره و برده را نافع بود صفت کندر مر از
هر یک یکدرم لادن سنبل جاوی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم
سوم نیم درم بروغن زیت طلا کنند طلای که چون بر سپیدی
و لسیب چشم مالند ابتدای رمد را نافع بود صفت شیاف — علاج ابتدای رمد

مامیثا حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران
مساوی بآب کشنیز تازه یا بآب کاسنی طلا کنند
طلای دیگر که شقاق را نافع بود صفت صبر یکدرم شیاف
مامیثا اقاقیا از هر یک دو درم زعفران دو درم نیم
کوفته و بیخته بآب مورد یا آب کاسنی طلا کنند طلای که
درد چشم را بنشاند و درد سر را ساکن سازد صفت عدس مقشر
صندل گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم بآب کاسنی
بر پیشانی طلا کنند طلای که همین خاصیت دارد صفت
صبر شیاف مامیثا حضض مکی زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی
صندل سرخ مساوی بآب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند
طلای دیگر که صداع بارد را نافع باشد صفت مسک
مشک صبر فرفیون جندبیدستر صمغ عربی عود زعفران از
هر یک دو دانگ افیون دانگی و نیم بآب کرفس یا آب
مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ پاره کشند و بر پیشانی تر سازند — و صدغین اندازند

طلائی که جره را نافع باشد صفت صبر زعفران اقاقیا فوفل
گل ارمنی صندل سرخ شیاف مامیثا بآب عنب الثعلب طلا
کنند طلای که سکته را نافع بود صفت خردل جندبیدستر
برگ کهنه پیر طلا کنند بعد از آنکه تر تراشیده باشند طلائی
که نقوه را سود دارد صفت صبر حضض مکی اقاقیا عصاره لحیة
التیس بآب عنب الثعلب طلا کنند طلای که ورم حاره را
نافع بود صفت صندل سرخ شیاف مامیثا از هر یک دو درم
سفیداب ارزیز مرداسنگ از هر یک یکدرم فیلزهرج نیم درم
کوفته و بیخته بآب کاسنی سرشته و گلولها سازند بر مثال
کعبتین و در وقت حاجت یکی از آن بآب تازه کشنیز بسایند و
طلا کنند طلای که شکم را بنشاند و اسهال باز دارد صفت
اقاقیا سعد کندر مر کعک جوز السرو مازو گل سرخ آمله گل ارمنی
گاورس سرخ عدس بلوط کنار بزر البنج صندل بآب
مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلای که چون بر خصیه

طلای حضض مکی و از هر یک یکدرم زعفران
دو دانگ بگلاب طلا کنند طلای که
صفت ... را سود دارد
گل ارمنی ده درم فوفل اقاقیا حضض مکی
از هر یک دو درم

اطفال مالند بگذارد که بزرگ شود صفت فیلوبیا دسفید آب

ار ریز از هر یک ده درم شب مانند و مادر و از هر یک [illegible] درم

تنک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل در دیغ مورد چند نوبت

طلا کنند طلای که استسقای طحال را نافع باشد صفت

در منه ترکی صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی

بر که طلا کنند طلای که منع استسقی کند واگر استسقی باشد

کم بلند از و صفت سداب خشک نطرون مساوی کوفته

و بیخته با آب سداب تر بسرشند و بر قضیب طلا کنند

و مباشرت نمایند طلای که بر استسقی معین باشد صفت

حب البلسان جادشیر مقل بادا ورد مساوی کوفته و بیخته

با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و بگذارند تا خشک

شود و بعد از ان مجامعت کنند بطلا زن استسقی شود

و دولت طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت برگ

سنجد خشک بکوبند و با زهره گاو بر قضیب مالند و مباشرت

نمایند

زن را نتیجه [illegible] مرتب و [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] شود
در کیسه [illegible] نشان [illegible]
[illegible]

نمایند طلای که کراهت عرق دار زایل کند صفت

مشک گل سرخ سنبل سعد شب یمانی مر از هر یک قدری کوفته

و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن طلا کنند طلای که [illegible]

زایل کند صفت اس زراوند طویل برگ چنار کاغذ

الگینه مجموع سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته با آب مورد

بر سرشند و گلولها سازند و خشک کنند و بعد از ان بغل را

بخراشند تا خون آلود شود و یک گوله در ان بگلاب

سوده دران مالند یک شبانه روز بگذارند دیگر آن نتن

نباشد طلای که حبس عرق کند صفت برگ مورد گلنار

مازو مساوی کوفته و بیخته با آب غوره یا آب برگ مورد

تر سازند و بر بدن طلا کنند طلای که صبیان را نافع

بود صفت شب یمانی گل سرخ برگ مورد مرداسنگ

بغل را باب اشنان بشویند دارد ما را کوفته و بیخته بگلاب

تر ساخته بران طلا کنند طلای که منع نزلات کند

تنان را

صفت انا تیا حجر شادنج ما میشا حضض گل مکی ارمنی صمغ عربی

کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ بسرشند و بر شانه و شقیقه طلا کنند

طبیخ که حقنه براند صفت اسارون یکدرم سداب نیم درم رازیانج

دو درم لوبیای سرخ بنج درم عسل ده درم بجوشانند و صاف

کنند و سه روز متوالی باز خورند طبیخ که همین خاصیت دارد

و نافع است مرد آنرا نیز چون منی ایشان محتبس شده باشد

صفت افسنتین درمنه ترکی ترمس سداب رازیانج تخم کرفس

از هر یک دو درم انجیر پنج عدد گلقند ده مثقال بجوشانند چنانکه

رسمست و صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند و سه روز

دیگر استراحت نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند و همچنین عمل

می کنند تا ادرار تمام واقع شود طبیخ که قرباز دارد و معده را

قوت دهد صفت انار دانه ده درم مصطکی و نعناع خشک از

هر یک یکدرم در رطل آب بجوشانند تا به نیم آید صاف کنند و

عود و مشک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه نمایند و بنوشند

طبیخ

طبیخ دیگر که حیض براند صفت لوبیا سرخ حلبه انیسون فوه

از هر یک چهار درم بنوشند طبیخ که همین عمل کند صفت

لوبیای سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم

فودنج ده درم در پنج رطل آب بجوشانند تا به نیم آید پس

صاف کنند و قدری مشک اضافه نمایند و هر صباح سه درم

بنوشند باسلیقون که فالج و لقوه و سکته و امراض

بارده راس را نافع بود و تنقیه دماغ کند از اخلاط پاک کند

و عسر البول را سود دارد و اخراج مشیمه کند صفت کندش شونیز

فرفیون فلفل چند بیدستر زراوند حب البلسان

مشک ساقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی

دمند عطوس که همین خاصیت دارد صفت شحم حنظل فلفل

اسطوخودوس چند بیدستر از هر یک سه درم و بیخته قدری در

بینی دمند حقنه سیماب از جهت رعشت انزال نظیر ندارد صفت

زیبق پنج مثقال با قدری سیر که بادسته ابکینه با آهن نیک بمالید

سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به رطل آید صاف کنند و قدری شکر
اضافه کنند و هر صباح چهار درم
بنوشند

کندش اشنه درم کوفته

نمایند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل نمایند
و منفوخه آهنی را براز که سازند و آنها را دران منفوخ ریزند
و بر سر آتش نهند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک اندک
بگذارد آن میدهند و بدسته آبگینه یا آهن بهم میزنند تا ملتحم شود
بعد از ان او را بر صلایه منتقل باک سالایند الکه در کرباس بجانه
بستانند و چندان باک بشویند که تمام پاک شود و چون از ان
بر دو بس آنرا گلوله سازند و میان او را سوراخ کنند و رشته
دران بکذرانند و در آب لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم
شود ما بجری و بعد از ان آنرا در روغن تازه بجوشانند و در محل
حاجت در دهان نگاه دارند و چون خواهند که انزال شود
از دهان بیرون آورند **باب الثنی غرغره** از جهت ثقل
لسان که سبب آن بلغم باشد **صفت** نوشادر سه درم نمک
هندی زنجبیل شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ابدیه فیقرا ایرج
از هر یک هفت درم بوره ارمنی ونج از هر یک پنج درم زوفا

دار فلفل

فلفل لسان درشت بودن زبان

دار فلفل از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
و سکنجبین غرغره کنند **غرغره** که قروح حلق را نافع بود
صفت زاج سفید و سیاه کاغذ سوخته مازوی سبز کندر
خمار زعفران از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته ارکه غرغره کنند
غرغره دیگر که همین عمل کند **صفت** مازوی سبز کاغذ سوخته
زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند **غرغره**
که همین منفعت دارد **صفت** اصل السوس خرنوب
کوفته و بیخته بعسل و گلاب غرغره کنند **غرغره** همین
عمل کند **صفت** یک درم مازوی سوخته یک عدد زنگار نیم
درم کاغذ سوخته یک ورق زعفران دانگی کوفته و بیخته در
سرکه حل کرده نیم درم غرغره کنند **غرغره** که فالج
و لقوه و صرع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط
غلیظ پاک کند **صفت** ایاره فیقرا وج خردل مویزج
خردل عاقرقرحا زنجبیل قودنه صعتر اصل السوس پوست

قروح زخم که در حلق پیدا شود

نمک سوخته نوشادر از هر یک نیم مثقال

بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند **غرغره** که لسان
و سکته و فالج را سود دارد **صفت** مویزج خردل زنجبیل
عاقرقرحا فلفل دار فلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنگوش مساوی
کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند **غرغره** که خناق
و ذبحه صفراوی و دموی را نافع است دوا رب توت
صفت گل سرخ جلنار شیر نشاسته تخم گل زعفران از هر یک
دو درم تخم کرفس دو درم زرشک و سماق از هر یک نیم درم قند چهار
درم کوفته و بیخته غرغره کنند **غرغره** که دماغ را از فضول
پاک کند **صفت** مویزج دانگی و نیم عاقرقرحا خردل از
هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند
غرغره که قلاع لثه و مری و ذبحه را نافع باشد **صفت**
سماق برگ مورد گل سرخ زیتون جوشانیده صاف
کرده غرغره کنند **غرغره** که سقوط لهاة را که سبب آن
رطوبت باشد نافع بود **صفت** گلنار سه درم شب یمانی

دو مثقال

دا سترخاء

بلی فرو رفتن و درشت بودن زبان و حلق

رب توت ده درم اضافه کنیم

دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال و نیم اقماع الرمان و
تخم گل از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته برب توت
غرغره کنند **غرغره** غرغره که ردی شعید و صاف کرداند
صفت آرد جو آرد نخود آرد باقلا نشاسته کتیرا تخم
ترب کوفته و بیخته بشیر تر سازند و شب بردی مالند
و صباح بآب گرم و سبوس بشویند **غرغره** که همین
خاصیت دارد **صفت** آرد جو آرد باقلا آرد نخود و از
هر یک یک جزو عدس مقشر کتیرا نشاسته زعفران از هر یک
نیم جزو مغز تخم خربزه دو جزو سفیده تخم مرغ
سرشته شب بمالند و صباح بآبی که دران پوست خربزه
و بنفشه جوشانیده باشند بشویند **غرغره** همین منفعت
دارد **صفت** باقلای مقشر کرسنه ترمس تخم ترب
مغز تخم خربزه نخود نشاسته کوفته و بیخته و سرا بدان
بشویند **باب الفاء فی فهبوس** معده را قوت دهد

غرغره در قلاع سودا و دمی را نافع است

صفت آن سماق ... غرغره کنند

غرغره که ... صفت آن ...

غرغره ... بجوشانند

زیاد تا کند

و بواسیر را نافع بود و باه را قوت دهد و رنگ را نیکو گرداند
و دفع رغبت انزال کند صفت پوست هلیله کابلی و هلیله
سیاه و پوست بلیله سیاه و پوست بلیله و آمله مقشر و
شیطرج هندی و سنبل الطیب و فلفل و دار فلفل و
زنجبیل و سعد از هر یک ده درم تخم شبت و تخم گندنا از
هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن ادویه
خبث الحدید را چهار شبانه روز در سرکه خیسانیده بعد از آن
خشک کنند و صلایه نمایند و چندان که بر وی آب چکانند
و در ته آب فرو نشیند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه
نمایند و به عسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو درم و بعضی دو درم مشک اضافه کرده اند
فرودنوشی نسیان و قولنج و ضعف رگی و امراض
زنان حامله که بسبب آن برودت باشد سود دارد و بادهای غلیظ دفع کند صفت افیون عاقرقرحا سنبل

زعفران

زعفران از هر یک پنج درم کوفته و بیخته به عسل سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نمایند فرودنوشی معده را
قوت دهد و باه را قوت دهد و رغبت انزال را دفع کند
صفت پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی
تخم کرفس جوزبوا قسط تلخ سلیخه قرنفل کبابه خولنجان مشک
از هر یک شش درم تودری قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل
فلفلمویه از هر یک هشت درم سعد ده درم مشک دو مثقال
عنبر یکمثقال خبث الحدید بوزن ادویه در خرکاه
چهل مثقال عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه بطریق معهود
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی بنبید زبیب یا شیر گوسفند تازه فندادیقون درد معده را و امعا را
سود دارد و معده را قوت دهد و کرم کشد و بادها
بشکند صفت زعفران الخدان تخم سداب تخم کرفس
زنجبیل حاشا مو جلغوزه از هر یک شش درم فلفل هشت

دو درم

درم عسل دو وزن ادویه شربتی یکمثقال یا دو مثقال فندا
دیقون دیگر منافع هر دو قریب یکدیگر است صفت تخم کرفس
فلفل سنبل از هر یک شش درم مصطکی نانخواه از هر یک چهار تا درم
ساذج هندی یکدرم کوفته و بیخته به عسل معجون سازند فلونیای
رومی این معجون مبارکست نزلها باز دارد و نزلها ساکن کرداند
و قی الدم و اسهال دموی دفع کند و قولنج و هیضه
و سیلان طمث را نافع باشد صفت فلفل سفید دار
فلفل بزر البنج از هر یک بیست مثقال تخم کرفس بنطی
مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال
ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فربیون از هر یک یکمثقال
و در بعضی نسخها بعوض تخم کرفس بنطی دوقوا است مجموع کوفته
و بیخته معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
نیم مثقال نیم مثقال از جهة قولنج در طبیخ شبت و از جهة
درد گرده در طبیخ بعده و از جهة درد معده در طبیخ انیسون

تخم کرفس فندق از
هر یک پنج درم زیره
کرمانی سلیخه حب
بلسان عاقرقرحا
از هر یک دو درم

افیون ده مثقال
زعفران پنج مثقال

تا یکدرم

جوهره الاداره گوید

واز

و از جهة سرز در سکنجبین و از جهة کرده و مثانه در طبیخ سماق
دهند فلونیای فارسی استفراغ خون از هر موضع که باشد باز
دارد و رحم را قوت دهد و حمل قطعت جنین نماید و اسهال
و قی باز دارد و درد دندان ساکن کند و دماغ را قوت دهد و
حافظ زیاده کند صفت فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست درم
افیون دو گل مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم فربیون
سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم در بناد
درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم کافور دانگ
و نیم کوفته و بیخته به عسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی یکدرم فودنجی که درد معده و جگر را که بسبب آن
برودت باشد و تحلیلات بلغم و تب ربع و تبهای کهنه را
سود دارد صفت فودنه نهری فودنه کوهی و فطراسالیون
و سیساليوس از هر یک دوازده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم
تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم کوفته

راز یانه
و از جهة باز داشتن حیض
در طبیخ
و بادهای رحم را دفع کند

این دوا برای زنی
که این علت با او باشد

و بیخته با وزن ادویه عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم
باآب گرم **فلافلی** درد معده را و شهوت کلی را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام هضم گرداند **صفت**
فلفل و دار فلفل از هر یکی سی درم زنجبیل ده درم علما
دستیل از هر یک دو درم زرنبیل تخم کرفس سیلیا سلیخه
اسارون راسن از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با مثقال ادویه
عسل بسرشند شربتی یکدرم باآب گرم **قلوقیلون** الکله و عفونت لثه را
نافع باشد و گوشت مرده را ببرد **صفت** اقاقیا دوازده درم
زرنیخ زرد و زرد از هر یک یکدرم مرجان چهار درم آهک تنده
هشت درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته بسرکه
بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت
حاجت استعمال نمایند **فتیله** که رعاف باز دارد **صفت**
گلنار گرد اسیا مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته
و بیخته بآب بعصاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت

الکله خوره را گویند
درزنیخ
رعاف خونی که از بینی آید

بگردانند

بگردانند و در بینی نهند و بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه
شسته باشند **فتیله** دیگر که همین خاصیت دارد **صفت**
مازوی سوخته در سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم
شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله را
از کتان بسازند و بدان بگردانند و در بینی نهند
فتیله دیگر که همین منفعت دارد **صفت** کاغذ سوخته
پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک
دو درم کوفته و بیخته با آب بادروج یا آب لسان الحمل
سرشته فتیله را بدان تر سازند و در بینی نهند **فتیله** دیگر
که گند بینی ببرد **صفت** مر پوست انار ترش از هر
یک دو درم قیقنب الفه ریره بذر البنج از هر یک یکدرم
فتیله را بدان آب تر کنند و داروها کوفته و بیخته با آن
آلوده کنند و در بینی نهند **فتیله** که ریش بینی را نافع
باشد **صفت** زاج سیاه شب یمانی مرمازو توتیای محرق

شب زاغ را گویند
ریش زخم را گویند

از هر یک نیم درم فراوند طویل شش درم کبیکج دوازده درم
مجموع را کوفته در دو من آب بجوشانند و بپالایند و باز بجو
شانند تا بقوام آید و فتیله بدان تر کنند و در بینی
نهند **فتیله** که درد چشم را نافع باشد **صفت** جبر سعد سنبل
گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب فودنه بسرشند و
در بینی نهند بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت
شسته باشند اگر شونیز بریان کنند و در سرکه کهنه بخیسانند
و با قدری روغن زیت در بینی چکانند همین عمل کنند
فتیله که نافع است از جهت وجع گوش و درد که از دایه
صفت انزروت تخم مورد و عسل سرشته فتیله را با آن
تر کنند و در گوش نهند **فتیله** که گرانی گوش ببرد
صفت الخربق سفید فربیون شکاعی و تخم حنظل از دو جز کنند
و بوره و قردمانا و خردل کوفته بروغن بسرشند و فتیله کنند
و در گوش نهند و خردل و ابجر کوفته در گوش نهاده همین

شونیز سیاه تخمه را گویند
یکشبانه روز

عمل

عمل کند **فرزجه** که اخراج مشیمه و جنین میت کند **صفت**
فراوند مدحرج ابهل ورق ترمس از هر یک جزوی کوفته
و بیخته بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند **فرزجه** دیگر
که همین عمل کند **صفت** تخم خباری خردل سفید مقل ازرق
از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند و فرزجه سازند
فرزجه که مانع آبستنی باشد **صفت** تخم حنظل قدری سرگین فیل خردل
حب فلفل اسحوان زعرور سادس کوفته و بیخته بمیویز بله
بسرشند و به پشم پاره بردارند هرگز آبستنی نشوند و اگر آبستنی
باشند بچه بیندازند و گفته اند هر زنی که دانه از حب الخروع
بلع کند یکسال آبستنی نشود و اگر دو دانه دو سال و علی هذا
فرزجه که بچه مرده و زنده بیندازد **صفت** اشنان فارسی
غافث و جاوشیر سداب و اسیون از هر یک قدری کوفته
و بیخته بروغن زیت بسرشند و استعمال نمایند **فرزجه**
که در آبستنی معین باشد **صفت** سرگین خر گوهر بابه خرگوشی

از هر یک قدری کوفته و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند و به پشم
پاره فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت
مشک و زعفران سوده بزهره گاو بسرشند و به پشم پاره استعمال
نمایند فرزجه که همین منفعت دارد صفت مایه خرگوش یعنی پادزهر :
عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بگلاب سرشته
استعمال نمایند فرزجه دیگر که همین عمل کند صفت مامیران
یعنی سورنجان صبر مازریون زبد البحر از هر یک دانگی با شکر
سرخ فرزجه سازند فرزجه که همین منفعت دارد صفت
میعه سایله جند بیدستر قسط جاوشیر مازو مقل مشک کوفته
فرزجه سازند بعد از طهر چند نوبت و بعد از چهار ساعت مباشرت
نمایند فرزجه دیگر همین عمل کند صفت مایه خرگوش در کهنه
بعسل سرشته به پشم پاره بردارند رشید و بعد از ان مباشرت
کنند فرزجه که بچه مرده و زنده بیندازد صفت مرجو ایسر
فربیون سپند مساوی کوفته بزهره گاو بسرشند و استعمال نمایند

زبد البحر کف دریارا گویند

فرزجه دیگر که حیض براند صفت اشنان عاقرقرحا جاوشیر
سداب از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته
بقطران سرشته فرزجه نمایند فرزجه که منع حمل کند صفت
مازو حب الاس مساوی کوفته و بیخته با یک گرم سرشته فرزجه
سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه که وجع رحم
و وجع بواسیر را نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند صفت
بابونه بیه بط افیون مقل مساوی به پشم پاره بردارند فرزجه
که اورام را نافع بود صفت کندر انزروت دم الاخوین
حب الاس گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته با لسان الحمل سرشته
به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را
تنگ و خوش کرداند صفت سنبل زنگوش قوت کندر
صعتر اذخر خیری گل سرخ پوست بیخ کبر ترمس مساوی کوفته
و بیخته و بروغن بابونه بسرشند و به پشم پاره بردارند فرزجه
که همین خاصیت دارد صفت قیقاع اذخر سعد عود قرنفل

از هر یک یکدرم عنبر نیم درم مشک دانگی اکثر نیم دانگ کوفته و بیخته
بگلاب بسرشند و به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه دیگر که
حکه رحم را که آنرا ابنة النسا گویند نافع بود صفت سداب
نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب و قدری سرکه
بپزند و به پشم پاره بخود برگیرند فرزجه دیگر که همین منفعت
دارد صفت زعفران کافور از هر یک دانگی مر دانگ
دو دانگ حب الغار نیم درم کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ
و روغن گل بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب رحم را
نافع بود صفت کندر حلبه بارزد از هر یک دو درم زعفران
جاوشیر اشق از هر یک یکدرم مصطکی و جند بیدستر و میعه
سایله روغن سوسن پیه بط روغن بابونه از هر یک سه درم
صمغها را در سپنج حل سازند و پیه را در روغن بگدازند و
باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال نمایند
که نافع است فرزجه که حیض بیند صفت کلنار کندر

مازو سرمه اقاقیا سیب یمانی مساوی کوفته و بیخته با آب
لسان الحمل بسرشند و فرزجه سازند در شب و عانه طلا کنند
فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد صفت کاغذ سوخته
اقاقیا کلنار عصاره لحیة التیس مازو گل سرخ و صلیکتان
سوخته مساوی کوفته و بیخته بر که بسرشند و استعمال نمایند
فرزجه دیگر که حیض براند صفت مرفودة از هر یک چهار درم الجبل سه درم
سداب ده درم مویز منقی بیست درم کوفته بزهره گاو بسرشند
و فرزجه سازند باب القاف قرص عنصل بیار عنصل کوچک
بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند تا پخته شود و
بعد از ان مغز آنرا که نرم شده باشد بگیرند و در هاون
بکوبند و با قدری آب بسرشند و دست را بروغن
گل چرب کنند قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیار است و
آن که تریاق فاروق مستعمل است اشو باید زیرا که سیاه
زهرناک باشد و زهر آن بد بود و ضعیف بود و اشو معتدل العد

وبوزن ان آرد کرسنه اضافه نمایند

و جوان و تندرست باید و نشان جوانی آنست که دو کتفهای
او قوی باشد و سریع الحرکة بود و نشان تندرستی و قوت
او آنست که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ باشد
و دلیر بود و ماده باید که زهر ماده ضعیفتر از زهر نر باشد
و نشان مادگی آنست که در دهان او چهار دندان زهر باشد
که آنرا آتش دندان گویند و از زهر جانبی دو دو زرد ابلق باشد
و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک بود و دنبال او دراز
نباشد و این را مارکیران کلته دم خوانند و نیز باید که شکم
او صلب باشد زیرا که صلابة علامت آن بود که در تن او
رطوبة فضلیه کمتر باشد و بهتر باید از برای آنکه علامت
قوت دماغ در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب
در ثور باشد و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار
یا در اول تابستان باید گرفت تا قوی باشد و مادای او
در میان درختان نباید خاصه درخت بلوط و با آب نزدیک
بناید

بناید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرا و پاکیزه باید و
بهتر آن باشد که در محلی که آنرا بگیرند بعد گشیدن تا اصطلاح
بسیار نکنند و جسم او آلوده نگردد و تشنه و بیمار نشود
و کشتن او چنان باید که از سر و دنبال مقدار چهار انگشت
بیکضرب ببندند از تیشه تیز که قطعا هیچ پوست
بر وی نماند و بیکضرب شود زیرا که زهر در دهان و جانب
سر او باشد و فضلها نیز در جانب دنبال چون کشته
باشد نظر کنند اگر حرکت بسیار از وی در حرکت
تا دیرگاه کند نیک باشد و اگر زود از حرکت ایستد
ضعیف باشد بدین کار نشاید و آنکه شایسته این کار
باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست آن باز
کنند و آن را با آب صاف و با اندکی نمک و با چند شاخ شبت چند نوبت بشویند پس در آب صاف
بجوشانند تا مهری شود و گوشت از استخوان جدا گردد و
بگذارند تا سرد شود و آب از وی بپالایند و آن گوشت

وزن آن
با گچهار یک ۷ نان سپید پاکیزه بریان کرده بکوبند و با آن
آب که از آن پالوده باشد بسرشند و دست و
بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص سازند هر یکی
یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا از تری در آن
نباشد و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در وقت
پختن افعی و کوفتن و ساختن بینی بگیرند تا بوی آن بد
نرسد قرص لنه رو خوردن مستعمل در تریاق فاروق
و این نسخه اختیار این چنین است صفته دارشیشعان
قصب الذریره اسارون عود بلسان فو سلیخه مصطکی از فقاح اذخر زعفران از هر یک دوازده مثقال
هر یک شش مثقال دارچینی و حماما از هر یک بیست و چهار
مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب
ریحانی بسرشند و دست را بروغن بلسان چرب
کنند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند قرص
اذیقون مستعمل در مثرودیطوس صفته مویز منقی
چهاردرم

چهار درم علک البطم بیست و چهار درم اذخر درم از هر یک
دوازده درم دارچینی مقل المغافر السنبل الطیب سنبل رومی سلیخه
اکلیل الملک سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب
الذریره نه درم زعفران یکدرم قفر الیهود دو درم و نیم
کوفته و بیخته بشراب بسرشند و اقراص سازند قرص
اذخر معاکه در مخلص اکبر مستعمل است صفته حاما دار
شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض
ناکخواه از هر یک سه مثقال فو یکمثقال سنبل الطیب بادرنج دارچینی مصطکی زعفران از هر یک
بستدی از هر یک بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب صافی شش مثقال
بسرشند و اقراص سازند و قرص یکمثقال در سایه خشک کنند
قرص کوکب معده ضعیف را قوت دهد و نگذارد که
فضول بان مندفع شود و چون بر پیشانی طلا کنند
صداع را نافع باشد و منع نزلات کند و چون بان زد
یا بیا میزند و درد دندان گرم خورده نیستد درد ساکن شود

وچون باب مرزنکوش در کوش چکانند درد بنشاند و
نفث الدم و سیلان خون از هر موضع که باشد باز دارد
و مرهم کهنه را سود دارد و تبهای دایره را نافع باشد
و چون با آب مرزنکوش دهند و چون با آب سداب دهند
جمیع دردها و زهرها و کزیدن جانوران را نافع باشد
و اکر با شراب بنوشند اسهال دموی و قروح امعا و مثانه را
نافع باشد صفته فرو جند بیدستر سنبل و سلیخه گل مختوم
پوست بیخ تفاح از هر یک چهار درم افیون و زعفران
قسط کوکب الارض و آن را طلق نیز کویند از هر یک
پنج درم انیسون دوقو سلیخه ایکوس بذر البنج میوه سایلی فی
از هر یک شش درم جمع ها را در شراب ریحان حل کرده
داروهای دیکر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص
سازند قرص یکدرم در سایه خشک کنند قرص طباشیر ملین
سرفه و خشونت سینه و تبهای محرقه را نافع بوده و طبع را

نرم کند و تشنگی بنشاند صفته طباشیر سفید چهار درم ترنجبین
سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی از
هر یک یک درم کشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه
از هر یک شش درم ورد سوخته و بذر البنج از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا اقراص سازند قرص زرد
کبیر درم جگر و معده و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود
صفته عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه
از هر یک سه درم گل سرخ و ترنجبین از هر یک شش درم
تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب مصطکی
عصاره غافث فوه مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم
زعفران پنج درم کوفته و بیخته با آب ترنجبین سرشته اقراص سازند
قرص زرشک صغیر زرشک منقی پانزده درم تخم کاسنی تخم خرفه
تخم مغز خیارین از هر یک دو درم گل سرخ پنج درم
ریوند چینی و سنبل از هر یک یکدرم بلعاب بذر قطونا اقراص

سازند قرص زرشک حار زرشک پنجدرم لک مغسول ریوند
چینی عصاره غافث سنبل انیسون مصطکی از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته اقراص سازند قرص زرشک بارد زرشک
پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم
کاسنی از هر یک دو درم و نیم اقراص سازند شربتی دو مثقال
بسکنجبین دانک کاسنی و آب عنب الثعلب اقراص سازند
قرص ریوند درم و صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه را نافع باشد
صفته ریوند چینی شش درم فوه و لک مغسول منقی از هر یک
سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافث از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته با آب خالص اقراص سازند قرص دیکر که ریش و سینه
و شش را نافع باشد صفته گل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم
نشاسته و کثیرا رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید
و سیاه از هر یک سه درم زعفران نیم درم طباشیر پنجدرم با آب
خالص لعوقی سازند شربتی یکمثقال یا دو مثقال با شراب خشخاش

قرص ورد درد معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفته
ورق گل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم
طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته و بیخته
بمیبختج سرشته قرص سازند قرص گل دیکر نسخه دیکر اقوی از اول
صفته گل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین
از هر یک چهار درم مصطکی سنبل الساذج عود خام اذخر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بکلاب اقراص سازند قرص ورد نوع
دیکر که شرط الغیب و تبهای مرکبه را نافع باشد و معده را قوت دهد
صفته گل سرخ اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر سنبل افسنتین
از هر یک دو درم ترنجبین سه درم بکلاب قرص سازند قرص
غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهنه را
نافع باشد و سده بکشاید صفته عصاره غافث بیست درم
سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته بکلاب یا آب
صاف بسرشند و اقراص سازند قرص کاکنج قروح کرده

مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت مغز تخم خیارین
کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم
الاخوین کثیرا از هر یک ده درم تخم کرفس دو درم افیون
یکدرم با آب حماض اقراص سازند شربتی یکدرم تا یک مثقال
قرص مقل درد صلب معده را نافع باشد صفت گل سرخ
ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران و مر از هر یک یکدرم
و نیم مصطکی دو درم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل
کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن اقراص سازند
قرص کافور یرقان و تب گرم را سود دارد صفت زرشک
منقی گل سرخ طباشیر از هر یک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه
تخم کاسنی کثیرا از هر یک سه درم مغز تخم خیار زه مغز تخم کدو از
هر یک پنج درم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور
یکدرم بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین
قرص کافور نسخه دیگر تب دق و حمی محرق را نافع بود

ز از هر یک درم نیم
نانخواه
قسط و مغز بادام
یشند و

و تشنگی

و تشنگی بنشاند صفت طباشیر تخم خرفه تخم کاهو
از هر یک پنج درم تخم کاسنی رب السوس صندل سفید
از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت
درم کافور نیم مثقال بلعاب بذر قطونا قرص سازند قرص
بزوری استسقای زقی را نافع بود صفت بزر البنج هلیله زرد
مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین
و بتدریج می افزایند قرص دیگر که استسقای طحلی را سود دارد
و سده بگشاید صفت لک مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم
اسارون زراوند طویل سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون
نانخواه اذخر قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافت
از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم شربتی یک مثقال
قرص افسنتین درد معده را که از پس طعام پیدا شود سود دارد
صفت افسنتین رومی تخم کرفس انیسون از هر یک پنج درم سنبل
بست درم فلفل سفید جندبیدستر افیون از هر یک دو درم کوفته

زنجبیل ده درم

و بیخته با آب خالص اقراص سازند قرص افسنتین نسخه دیگر
حمیات بلغمی و عسر البول و درد جگر و معده را نافع بود و سده
و طحال و کبد بگشاید صفت افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام
مساوی کوفته با آب خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص کبر طحال را نافع بود و سده بگشاید صفت پوست
بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم تخم
فنجنکشت فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه کهنه حل کنند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص سازند قرص
انیسون تب بلغمی و جگر ضعیف را نافع بود و سده بگشاید صفت
انیسون افسنتین مغز بادام تلخ سنبل جبلی از هر یک چهار درم عصاره
غافت سادج هندی اسارون از هر یک سه درم مصطکی و
تخم کرفس از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بجلاب اقراص سازند
شربتی یکدرم با طبیخ افسنتین قرص ایرسا سپرز صلب را نرم سازند
صفت ایرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را

شربتی یکدرم
با طبیخ افسنتین

در سرکه

در سرکه حل کرده باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن بسرشند و
اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجنکشت سده سپرز
بگشاید صفت تخم فنجنکشت تخم کاسنی تخم خرفه تخم کدو مساوی
کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و اقراص سازند قرص فوه
طحال را نافع بود صفت فوه دوازده درم پوست بیخ کبر ابرنج
زراوند طویل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند
و اقراص سازند در طبیخ انیسون استعمال نمایند صفت
عود چهار درم کبابه مصطکی قرنفل سنبل از هر یک دو درم قند سفید
دوازده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم قرص
عود بنوع دیگر معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و
اشتها آورد صفت قرنفل مصطکی از هر یک سه درم قاقله
سنبل بسیار از هر یک دو درم عود خام قرفه پوست
ترنج از هر یک پنج درم زعفران جوزبوا زنجبیل دار فلفل
از هر یک یکدرم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص

قرص عود
باب ورد

سازند قرص کهندز قی و هیضه را باز دارد صفت کهندز سه درم
قرفه پنجدرم کبابه چینی مامیثا سک از هر یک دو درم مشک
و کافور از هر یک دانگی قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی یکمثقال با ده درم شراب انار نافع بود قرص راسن
قی و هیضه را باز دارد و خواب آرد صفت قرنفل دو درم
سک و قرفه و راسن از هر یک دو درم مصطکی افیون
پوست بیخ لفاح از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص
سازند قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت سماق و
حب الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط
از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار و مازو از هر یک
پنجدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب به یا
سیب قرص دیگر که قی بلغم و سوداوی را دفع کند و معده را
قوت دهد صفت پوست بیرون پسته و گل سرخ از هر یک چهار درم
عود خام مصطکی از هر یک سه درم سک پنجدرم کوفته و بیخته با آب

قرنفل میخک را گویند

بیب

سیب قرص سازند شربتی یکمثقال قرص لسبد قی الدم را نافع باشد
صفت لسبد مغسول ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی
از هر یک چهار درم کثیرا و گل مختوم از هر یک سه درم کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی یکمثقال با شراب الجبار قرص سرمه قریب المنفعه است
بو قرص لسبد صفت سرمه اصفهان شادنج مغسول عدس دم الاخوین
از هر یک سه درم گلنار مازو از هر یک دو درم شاخ بز کوهی اقاقیا
از هر یک یکدرم لادن زعفران از هر یک نیم درم پرسیاوشان
یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل اقراص سازند شربتی دو درم
قرص الطین قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت گل مختوم
طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه تخم خربزه تخم خیار
مساوی کوفته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند
قرص سنبل ورم صلب سپرز و معده را نافع باشد صفت
سنبل فقاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم
زعفران انیسون [illegible] قسط تلخ فلفل از هر یک دو درم اشق

در بعضی یکدرم

دم خون را گویند

سنبل و مصطکی از هر یک دو درم

نیم درم اشق را و مقل را در مثلث حل کنند و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته با آن سرشته قرص سازند شربتی دو درم جهة درد
معده با مثلث و از جهة ورم جگر با سکنجبین قرص کزمازج
ترکیب جالینوس است سپرز صلب را بگدازد صفت کزمازج
چهار مثقال فلفل سفید اشق اسارون از هر یک دو مثقال
اشق را در سرکه عنصل حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
با آن سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین
قرص کهربا نوع دیگر بول الدم را نافع بود صفت کهربا صمغ
عربی کثیرا مغز تخم کدو از هر یک دو درم گلنار اقاقیا از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند
شربتی دو درم با شیره تخم خرفه قرص شب یمانی همان خاصیت
دارد صفت شب یمانی شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی
گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص سازند
قرص شب یمانی بنوع دیگر صفت شب یمانی دم الاخوین

نشاسته مغز تخم خیار

گلنار

گلنار از هر یک سه درم کثیرا شش درم صمغ عربی دو درم کوفته
و با آب خرفه سرشته اقراص سازند و با شراب حب الآس
بدهند قرص بزر که جرب و مثانه را نافع بود صفت
مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم کدو تخم خطمی مغز بادام
شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی
تخم کرفس از هر یک دو درم بذر البنج یکدرم کوفته و بیخته اقراص
سازند و با شراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب یابس را
نافع باشد صفت بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو
مغز تخم خیار کثیرا گل سرخ از هر یک پنجدرم رب السوس گل
ارمنی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یکمثقال [illegible] یکدرم کوفته
سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص بنفشه بنسخه دیگر
چون یابس و سرفه خشک [illegible] باشد نافع بود صفت
بنفشه ده درم تربد سفید پنجدرم [illegible] سقمونیا سه درم مصطکی
یکدرم و نیم کثیرا نیم درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم

مغز تخم خیار پنجدرم

بجلاب بدهند قرصی غاریقون بسر زغلیظ را دفع کند
صفت غاریقون گل سرخ از یک پنجدرم طباشیر زرشک
از هر یک دو درم عصاره غافث سنبل لک مغسول ریوند چینی
پوست بیخ کبر در سرکه خیسانیده و خشک کرده از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین
قرصی ضعف معده و ضیق النفس و سلس البول را نافع بود صفت
گل سرخ سنبل از هر یک دو درم مصطکی یکدرم طباشیر گلنار از
هر یک یکمثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم
با گلقند قرصی که دشواری وضع حمل را آسان گرداند و
بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون آرد صفت مر جاوشیر
از هر یک یکدرم حلتیت نیم درم مجموع یکشربت باب سداب
با طبیخ حلبه دهند و تیز ابتها [illegible] عمل کند قرصی که قی الدم را
نافع باشد صفت اقاقیا تخم گل افیون بذر البنج گل ارمنی
گلنار صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته باب خرفه قرص سازند شربتی

> صمغ عربی نامک
> از هر یک دو درم

> سکبینج

نیم مثقال با رب سیب قرصی که با سکنجبین دیگر اسهال دموی
و افراط خون بواسیر و حیض را نافع بود صفت حبثی [illegible] گلنار
مصطکی از هر یک ده درم زعفران دو درم کوفته و بیخته
بلعاب بذرقطونا اقراص سازند قرصی که سستی معده را قوت
دهد و قی و اسهال باز دارد صفت گل سرخ طباشیر انار دانه
کشنیز خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال پوست
و مصطکی
بیرون پسته از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی
مذبر یکمثقال کوفته و بیخته بجلاب اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرص لک با سکنجبین دیگر لک مغسول نیم درم تخم کرفس عنب الثعلب
از هر یک یکدرم رازیانه انیسون دوقو از هر یک یکمثقال
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته
اقراص سازند قرص مبارک بتب رق و حرقه و تبهای حاره
و یرقان را نافع بود و تشنگی را بنشاند صفت مبارک
گل سرخ ترنجبین از هر یک پنجدرم طباشیر مغز تخم خیارین

از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم کدو
دو درم رب السوس یکمثقال کافور دانگی و نیم کوفته
اقراص سازند قرصی الجبار اسهال دموی و افراط طمث
و قی الدم را نافع باشد صفت تخم الجبار چهار درم گل
سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم اقاقیا
یکدرم و نیم کوفته و بیخته باب مورد قرص سازند قرصی که
مصطکی
استسقا را نافع بود صفت گل سرخ سه درم عود سنبل
سلیخه فقاح اذخر دارچینی افسنتین از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته اقراص سازند قرصی که دیگر همین منفعت دارد صفت
مغز بادام تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون
مساوی کوفته اقراص سازند قرصی ایلاوس تخم کرفس انیسون
دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم
فلفل مر افیون جندبیدستر از هر یک دو درم باب خالص اقراص
سازند شربتی یکمثقال قرصی که فواق امتلایی را نافع است

> مغز تخم خرفه سه درم
> تخم کاسنی چهار درم
> تخم کدو دو درم رب
> السوس یکمثقال

صفت قسط تلخ صبر سقوطری اذخر غافث فودنه کوهی
نعناع خشک سداب تخم کرفس سنبل اسارون از هر یک یکدرم
افیون دانگی و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بعسل
سرشته قرص سازند قرصی زحیر خونی شکم درد و نفث
الدم را نافع بود صفت گل مختوم گل ارمنی قرظ طباشیر
طراثیث بلوط ارد کنار حب الآس از هر یک دو درم
تخم حماض بری صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته
گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس مصطکی سماق از هر یک
یکدرم مازو و زیره کرمانی در سرکه خیسانیده و بریان کرده
از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بذرقطونا
اقراص سازند قرصی سرطان سل و دق و نفث الدم را
نافع بود صفت گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از
هر یک شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا شادنج مغسول
از هر یک پنجدرم رب السوس سه درم کوفته و بیخته بآب

> شربتی

> طباشیر

لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیارین تخم خرفه اصل
السوس از هر یک چهار درم طباشیر و سرطان محرق از هر یک دو درم
نشاسته و کثیرا از هر یک یکدرم کوفته بلعاب بزر قطونا اقراص
سازند شربتی یکمثقال قرص اسهال و سعال و نفث الدم را
نافع باشد صفت تخم حماض بریان کرده زرنک مقشر طباشیر نسخه و
حب الآس شاه بلوط از هر یک پنجدرم زعفران یکدرم گل مختوم
صمغ عربی از هر یک چهار درم کهربا و بسد از هر یک سه درم کوفته
بیخته بآب حماض حب سازند شربتی دو درم قرص که تب
نافع بود صفت رب السوس صمغ عربی نشاسته مغز کدو
از هر یک دو مثقال انزروت مربی ریوند چینی از هر یک
یکمثقال سقمونیا دانگ مثقال بلعاب بزر قطونا و بابونه
سرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص مشک نسخه و تشنگی و خفقان بارد را
محمد زکریا است معده و دل و جگر بارد را نافع است صفت مصطکی و معده بارده را نافع باشد
قرنفل عود دارچینی سنبل جوز بوا کبابه هیل پوست ترنج

قاقله

قاقله از هر یک نیم مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب ریحانی
سرشته اقراص سازند قرص دیابیطس نسخه ثابت بن قره صفت حب شربتی یکمثقال
الآس تخم حماض مقشر از هر یک دو درم صمغ عربی نشاسته
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
شربتی دو درم قرص دیابیطس نسخه دیگر طباشیر رب السوس
از هر یک ده درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه پانزده درم
گل سرخ کشنیز خشک از هر یک پنجدرم اقاقیا صندل
سفید گل ارمنی گلنار از هر یک دو درم کافور نیم درم کوفته مجموع راده
و بیخته بجلاب قرص سازند شربتی یکعدد بآب انار خرفه
قرص نفث الدم کندر دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم
و دو دانگ کهربا پنجدرم سادج گل مختوم از هر یک دو درم شب
یمانی دو درم و نیم افیون و دارچینی از هر یک دو درم
مجموع راده قرص سازند شربتی یکعدد با آب خرفه قرص
مروارید دل و دماغ را قوت دهد و یرقان و خفقان حار را

نافع بود صفت گل سرخ ده درم مروارید ناسفته بسد صندل
سفید یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم از هر یک
تخم خرفه سه درم زعفران نیم درم کوفته بلعاب بزر
قطونا اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین قرص
که تب و صداع و سرسام را نافع بود و تشنگی بنشاند و
خواب آورد و هذیان را دفع کند صفت مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو و تخم کاهو از هر یک ده درم رب السوس نشاسته
کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته بآب کاهو یا
بلعاب بزر قطونا قرص سازند شربتی یکعدد یا دو عدد
قرص ذات الجنب رب السوس ده درم بنفشه ده درم نشاسته
کثیرا تخم خطمی را زیانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب بزر
قطونا و بیدانه سرشته قرص سازند شربتی سه درم
بشراب بنفشه قرص فواق معفص ریحی و فواق امتلائی
نافع باشد صفت کندر ... تمام از هر یک

سه درم

سه درم صعتر و نانخواه سعد از هر یک یکدرم و نیم بجلاب
قرص سازند شربتی یکمثقال بطبیخ زیره قرص مازریون استسقا
زقی حار را نافع است صفت تخم کاسنی ده درم مازریون
غاریقون عصاره غافث از هر یک یکدرم و چهار دانگ
گل سرخ مغز تخم خیار از هر یک دو درم و نیم کوفته
و بیخته مجموع راده قرص سازند هر روز یک قرص بدهند قرص
که استسقای حار و فساد جگر و سپرز را که با اسهال
بود نافع باشد صفت طباشیر گل سرخ گلنار حماض
تخم حماض زرنک ترنجبین تخم کاسنی ... تخم خرفه از هر یک
یکدرم سعد فقاح اذخر انیسون سنبل ریوند لک مغسول
افیون پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته را
و بیخته قرص سازند شربتی سه درم قرص افیتمون قولنج
مستاصل نماید صفت تربد افیتمون از هر یک ده درم
سکبینج پنجدرم کوفته و بیخته ده قرص سازند هر روز

کمک قرص بیارالنصول بدبهد قرص که نافع است زحیر را که با آن ریاح و قراقر باشد و حرارت بسیار صفت بذر البنج بشت رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه دو درم و نیم افیون درم تخم کرفس دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص جز نوبت اسهال بلغمی و غیره مومی را نافع است صفت مازو خرنوب گزمازج گلنار از هر یک یکجزو افیون صمغ عربی از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم بدوغ قرص طباشیر افیونی اسهال با اسقاط حرارت را نافع باشد صفت طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هر یک یکدرم گلنار صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانکی با آب خالص قرص سازند شربتی یکدرم قرص آس اسهال بارد را نافع باشد صفت حب الآس ده درم برسیاوشان مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم رب السوس صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم

کوفته

کوفته اقراص سازند شربتی دو درم بشراب خشخاش قرص جهت را برانیدن و تسهیل ولادت گفته صفت مر سه درم ترمس پنجدرم سداب و فودنه قردمانا مشک طرامشیع فوه حلتیت جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم قرص عصرة الادویه تب ربع و جمع کبد و تپ بلغمی را نافع بود صفت افسنتین عصاره غافث از هر یک چهار درم اسارون سادج هندی افسنتین تخم کرفس بسباسه مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم با آب گرم قرص منوم تخم شبت دو درم زعفران مربته بزرالبنج میوه از هر یک یکدانگ افیون یکطسوج و بیخته بلعاب حبه قرص سازند شربتی یکمثقال قرص منوم بارد تخم کاهو خشخاش باقلای مقشر تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یکطسوج کوفته و بیخته بلعاب بذرقطونا قرص سازند قرص دیگر که از جهة اقراط خون سازند و بواسیر را نافع است

بطبیخ ابهل

قرص که سیلان الدم را نافع باشد صفت مغز تخم خرنوب مغز تخم ... و نیم ... تخم گردو از هر یک ... گلنار ... صمغ عربی ... افیون از هر یک دو درم ... کرفس دو درم ... سه درم تخم ... شربتی دو درم اقراص سازند شربتی ... بشراب خشخاش

صفت مرجان و دوغ سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک پنجدرم تخم کبر نار سه درم مقل ده درم مقل را در آب کنند تا شستر حل گشته و دارو ها کوفته و بیخته با آن برسشند و قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب آهنگران قرص که تی و هیضه باز دارد و طبع به بندد و خواب آورد صفت سک قرنفل از هر یک ده درم گزمازج پوست انار مازو از هر یک پنجدرم افیون دانگی کوفته و بیخته برب به سرشته قرص سازند شربتی یکدرم و نیم قرص سعوط زردچوبه مغز بادام تلخ از هر یک یکجزو مقل دو جزو مقل را در سرکه کهنه خیسانند سه روز متوالی زردچوبه و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند و با یکدیگر صلایه کنند و اقراص سازند و در وقت حاجت بآب کاسنی بسایند و طلا کنند قرص مثلث صداع و شقیقه و سهر را نافع باشد جهل برشانی و صدغین طلا کنند صفت افیون عصاره مرمکی لادن کافور زعفران بذر البنج پوست بیخ لفاح از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بگلاب

کنند را ... آنکه ... ارمنی از سهر ... ده درم

صداع درد سر را گوید

واک

واک کاهو سرشته اقراص سازند و بسیل تا از دیگر اقراص ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند قرص از بیخ اکه دهن و لثه را نافع بود و عفونت را دفع کند صفت زرنیخ زرد و سرخ و آهک زنده و مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار از هر یک پنجدرم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک ده درم کوفته در سرکه خیسانند و یک هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت دانگی از آن بلیسد و دهن بمالند و یکساعت بگذارند و بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه دارند قرادارو بعد از آنکه سبیل حیدره باشد استعمال نمایند صفت نوشادر مس سوخته از هر یک ده درم توتیا دوازده درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ برسشند و در پوست تخم مرغ کنند و در گل حکمت بگیرند و در کوزه نو نهند و در کوره فخاری بگذارند تا پخته شود و بعد از آن صلایه کرده استعمال نمایند قطورس که از جهة درد چشم

دوای قره

گوش دو چوک که از گوش آید پاک کند و نافع است صفت
انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین فرزنگار کندر
خبث الحدید کوفته و بیخته در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت
ماء العسل چکانیده باشند و فتیله را بدان تر سازند و باد دیه
مذکوره بکذارند و در گوش نهند قطوری که درد گوش که از گرمی
باشد ساکن گرداند صفت روغن گل شش درم بادام تلخ دو درم
سرکه ده درم بآتش نرم بپزند تا سرکه برود و روغن بماند نیم
گرم در گوش چکانند قطوری که طنین و گرانی گوش را سود
کند صفت زعفران فرفیون جندبیدستر خربق سفید از هر یک
دو درم و نیم کوفته و بیخته در آب حل کرده بچکانند قطوری
که کرم گوش را بکشد صفت آب برگ شفتالو آب برگ بید و
آب برگ توت از هر یک پنج درم خربق سفید بوره ارمنی
سقمونیا افسنتین زراوند طویل از هر یک یک درم کوفته و بیخته
با آبهای مذکوره بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود

بعل

سه درم نطرون
بوره ارمنی از هر یک

و بعد از آن

و بعد از آن بسایند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را
که از سردی باشد ساکن گرداند صفت افیون جندبیدستر از
هر یک یک درم کوفته و بیخته در روغن ... زنند تا بقوام
آید و در روغن سوسن حل کنند و در گوش چکانند
قطوری که طرش را نافع بود صفت خربق سفید یک مثقال
جندبیدستر نیم مثقال قطرون دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه
کهنه در گوش چکانند و یا آب سرگین اسب تازه در گوش
چکانند یا آب ترب با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری
که درد گوش را نافع بود صفت افیون یک درم شیاف ابیض
سه درم روغن گل چهار درم سرکه کهنه چهار درم با یکدیگر مخلوط
ساخته نیم گرم در گوش چکانند قطوری دیگر که درد گوش بارد را
نافع بود صفت سیر نیم کوفته با زهره گوسفند بجوشانند
و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که نافع است از جهت آبی
که در گوش رفته باشد صفت آب ترب آب پیاز بجوشانند

قطوری دیگر که چنین خاصیت دارد
صفت زهره گاو و مازو دو مثقال روغن
خیری ده درم بجوشانند تا زهره
برود و روغن بماند و قطره قطره
در گوش بارد را نافع باشد

د در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش را ببرد صفت 4
شحم حنظل درم بوره ارمنی یک درم جندبیدستر قسط فرفیون
افسنتین از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
گلولها سازند و در وقت حاجت یکی را از آن در روغن
بادام تلخ بسایند و نیم کوفته گرم در گوش چکانند قطوری
که خشک گوش ببرد صفت آب سداب و آب گشنیز ... بجوشانند
تا به نیم آید و دو سه نوبت در گوش چکانند قطوری که چون
در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع باشد صفت
سفید آب کندر انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین
مساوی کوفته و بیخته گلولها سازند و در وقت احتیاج
یکی را از آن بشیر دختران ... بچکانند قطوری که دوی طنین و
گرانی گوش را نافع بود صفت شحم حنظل یک درم بوره ارمنی
نیم درم جندبیدستر زراوند مدحرج از هر یک یک درم و نیم
عصاره افسنتین قسط و فرفیون از هر یک دانگی و نیم کوفته

در احلیل ... زکر ... گویم

و بیخته

و بیخته بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در وقت
حاجت بروغن بادام دو قطره در گوش چکانند نافع باشد

باب الکاف کلکلانج مردوری استسقا و درد دست و معده
و پیتهای کهن و سرفه بلغمی و ضیق النفس و قولنج و درد
و طحال و سلسل البول و بهق و اختناق رحم را سود دارد و
بول بگشاید صفت هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از
هر یک هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی
~~ترنجبین ... نمک اندرانی نمک نفطی و نمک ...~~ لسان
العصافیر شیطرج هندی سعد خیربوا قرنفل صعتر ...
کابلی مقشر شونیز حب النیل زیره کرمانی ساذج هندی تخم کرفس
گشنیز جسنک از هر یک پنج درم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس
خیار چنبر ده درم در آن حل کنند و سرخ نمایند در آن بگذارند و نیم من
روغن گاو بیامیزند با آن و بجوشانند تا بقوام آید و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند تریاقی پنج درم با شیر شتر یا

شونیز منقی نیم ... درشیر ... با آب ... تا بدو من آید و با ... و خیار چنبر

آب عنب الثعلب **کاکلانج** بارد استسقای حار را نافع باشد
صفته مازریون مدبر غاریقون محللی پوست هلیله زرد
از هر یک پنجدرم عصاره افسنتین سه درم پنج سوسن گل سرخ
تخم کاسنی مغز تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم
ترنگبین و فلوس خیارچنبر و فانید بحری از هر یک پانزده درم
صاف کرده بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
با آن بسرشند شربتی دو درم یا چهار درم **کاکلانج** حار نافع
استسقای که با او حرارت نباشد **صفته** مازریون مدبر
غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنجدرم لیرسا درم
ریوند چینی عصاره غافث سنبل الطیب افسنتین از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم یا چهار درم
کمونی برودت معده و شهوت کلی و حمیات بلغمی و سوداوی
و قواق بلغمی و امتلای دشتق و قولنج را نافع بود و بادها را
بشکند **صفته** زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده
درم

ربحی

درم توره ارمنی پنجدرم عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسمست شربتی یکمثقال **کحل** زعفران حکه چشم و جفن و
تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافع بود **صفته** زعفران
سنبل از هر یک دو درم دار فلفل یکدرم فلفل سفید و کافور
از هر یک دانگی و نیم توتیا دو نیم درم مازو سه درم کوفته
بحریر و بیخته در چشم کشند **کحل** دیگر که همین خاصیت دارد **صفته**
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین ساذج هندی سنبل
دار فلفل از هر یک پنج درم مازو یکدرم قاقله و مشک از هر یک
دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بیخته بیان الکتحال نمایند
کحل دمعه توتیای مغسول ده درم بسد هلیله زرد و صبر از هر یک
چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل یکدرم کوفته و بیخته استعمال
نمایند **کحل** الجواهر بصر را قوت دهد و تیز گرداند **صفته**
سرمه اصفهانی هفت درم مارقشیشا پنج درم اقلیمیای طلا
دوازده درم مروارید ناسفته سه درم زعفران نیم درم ساذج

هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند **کحل** الجواهر
نسخه دیگر سرمه شش درم توتیا چهار درم بسد مارقشیشا از هر
یک دو درم مروارید ناسفته هفت درم مشک یک طسوج
صلایه کرده چنانکه رسمست استعمال نمایند **کحل** الجواهر دیگر بنوع
دیگر سرمه صفاهان توتیای هندی از هر یک ده درم
مارقشیشا مرجان سرخ دهانه فرنگ عقیق سرخ طلا نقره مامیران
چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیای نقره روی سوخته از هر یک
چهار درم سرطان بحری مروارید ناسفته ساذج هندی از
هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توبال مس
سوخته از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال نمایند **کحل** روشنائی
نافع است جهت ضعف بصر و شبکوری **صفته** مس سوخته و شاذنج
هندی مغسول از هر یک پنجدرم فلفل دار فلفل تخم حنظل زعفران
از هر یک نیم درم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک
یکدرم اقلیمیای دو درم صلایه کرده استعمال نمایند **کحل** عنبر

ساذج هندی یکدرم

اقلیمیای طلا

سرطان
کبر چنگ را گویند

بوی

بوی بصر را تیز گرداند و تاریکی چشم را ببرد و دمعه
و سبل را نافع بود **صفته** سرمه اصفهانی پنجدرم اقلیمیای
طلا و نقره ساذج عدسی مغسول توتیای هندی مس سوخته
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد و ساذج هندی فلفل
دار فلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران سرطان
بحری از هر یک یکدرم زنجبیل نیم درم کافور دانگ
مشک حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند **کحل**
مازو بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را سود دارد
صفته شادنج مغسول عدسی ساذج هندی از هر یک دو درم دار فلفل
دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته و مازو از هر یک
یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور یک طسوج کوفته بحریر
بیخته بدان اکتحال نمایند **کحل** کم بیاض و آثار قروح از
چشم ببرد و شعیره را نافع باشد **صفته** زبد البحر اقلیمیای
نقره اسفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم

بجهت ... نیا

سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ عربی کثیرا
انزروت بوالعنب نشاسته سقمونیا از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند **کحل** که نزول آب را نافع بود **صفت**
زهره بز کوهی ده درم شحم حنظل یکمثقال افیون و نوشادر
از هر یک نیم مثقال سکبینج نیم درم کوفته و بیخته با آب رازیانه
یا با آب سداب سرشته **کحل** کرده برد بایند **صفت** استخوان
خرفا سوخته پنج درم دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان
از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن کنند **کحل**
منفعت تاریکی چشم و دمعه و جرب دیگر را نافع بود **صفت**
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دار فلفل
سنبل الطیب از هر یک نیم درم ساذج هندی دو
دانگ قاقله و مشک یکدانگ کافور نیم دانگ کوفته و حریر
بیخته استعمال نمایند **کحل** که صحت چشم را نگاه دارد **صفت**
توتیا ده درم [illegible] ماهیزهره درم [illegible]

ذ حک کنند و دیگر باره صلایه نموده در چشم کنند

مکی

مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته با آب غوره یا
آب سماق سرد رند و بسایه خشک کنند و صبح و شام
در چشم کشند **کحل** حکمت کل زرد چهار من پاک بکیرند و دیگر بشند تر
و یکمن کاغذ نیم من نمک در آب کنند و یک چهار یک
موی سر آدمی بعوض چند و یک چهار یک سرکین اسب
بیخته داخل کنند و نیک بمالند و هفت روز باک تری
کنند و می سرشند و آنگاه و جله و حله گرد کنند ... در وقت
حاجت آن مقدار که خواهند بکوبند و با آب سرشند و استعمال
نمایند **باب اللام لعوق** سپستان سرفه و خشونت حلق را
نافع بود و سینه را نرم کند و نفث الدم را آسان کند
و طبع را نرم کند **صفت** سپستان دویست عدد
خیار چنبر پانزده درم مویز منقی چهل درم در شش رطل
بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست بمالند و صاف کنند و
یکرطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند **لعوق**

د خشک ... باشد

زوفا بود و حرفه کهنه را نافع و سینه و شش را از اخلاط
غلیظ پاک کند **صفت** زوفای خشک پنج سوسن از
هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید
صاف کنند و با یکرطل قند سفید بقوام آورند **لعوق** بذر
کتان رب السوس سعال مزمن را نافع بود و سینه را از اخلاط
پاک کند و نفث الدم اعانت دهد **صفت** بزرک بریان
کرده سی درم و قدمانا ده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
و لعوق سازند **لعوق** بلبلایش سل و قروح ریه و سرفه حار را
نافع باشد **صفت** نشاسته کثیرا از هر یک ده درم
بلبلایش چهار درم مغز تخم خیار مغز حلغوزه صمغ عربی قاقله
از هر یک هفت درم قند سفید هشت مثقال کوفته بروغن
بادام و عسل سفید سرشند و استعمال نمایند **لعوق** جلیه گویند
و غلظ صوت را نافع باشد و سینه را نرم کند و نفث را
آسان گرداند **صفت** بزرک ده درم مغز بادام مقشر

لعوق ... باید

... سرفه ... نافع بود و سینه را ... از اخلاط غلیظ پاک ... زند ... اصل السوس ... دو درم ... تخم ... زنیبر ... جلوز ... رنیبون و ... چهار درم ... مجمع تخم ... کوفته ... صاف گشته ... بجوشانند تا به طلی آید صاف ... بقوام ... و با یکمن ... عسل صاف

برای گرفتگی آواز

از هر یک

از هر یک چهار درم کثیرا اصل السوس مغز حلغوزه نشاسته
صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بعسل سرشند و لعوق
سازند **لعوق** بادام سرفه و خشونت حلق و بحه را سود
دارد **صفت** کثیرا صمغ عربی نشاسته رب السوس از هر
یک ده درم مغز تخم کدو مغز بادام از هر یک پنجدرم قند
سفید بیست درم کوفته بجلاب سرشند و بروغن بادام
چرب کنند و لعوق سازند **لعوق** رب السوس سعال مزمن را
نافع باشد و فضول لزجه از سینه دفع کند و نفث یاوری
کند دیگر **صفت** رب السوس کثیرا بارزد را زیانه سادی کوفته
و بعسل صاف و روغن بادام سرشند و بلیسند **لعوق**
اسپغول بود سعال مزمن را که از راه رطوبت باشد نافع بود
صفت بیایز عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون
و زوفا از هر یک یکدرم کوفته بعسل مصفی سرشند و لعوق
سازند **لعوق** که سرفه خشک را نافع بود و سینه را نرم کند

سعال مزمن
حرفه کهنه را گویند

صفت رب السوس بهدانه مقشر از هر یک دو درم
آرد باقلا و نشاسته و کثیرا و صمغ عربی تخم خطمی تخم خیارین
مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم خشخاش ده
درم مغز بادام و مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را
در روغن بادام بزنند داروهای دیگر کوفته با آن بیامیزند
و با طبیخ منضج بسرشند و لعوق سازند لعوق خیار چنبر نسخه
یحیی ابن ماسویه درد حلق و سینه و تشنگی و خشونت زبان را
نافع باشد صفت عناب پنجاه دانه سپستان صد عدد
تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست و پنج درم بنفشه و
اصل السوس نیم کوفته از هر یک پانزده درم کثیرا پانزده
درم بزر قطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب
بجوشانند تا ثلث آید و صاف کنند و بیست درم مغز خیار چنبر
در آن بمالند و دیگر باره صاف کنند و بجوشانند تا غلیظ
شود و با روغن بنفشه بادام حل کنند و بلیسند لعوق

از برای درد حلق و زبان

دیگر طبیخ منضج و سی درم فانید داخل کنند

خشخاش

خشخاش سل و قرحه امعا را و ترف دم و سرفه بلغمی را
نافع باشد صفت پوست خشخاش سفید پنجاه درم در ده
رطل آب بجوشانند تا بر رطل آید دیگر رطل قند اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام عسل آید بعد از آن رب السوس و مغز بادام
و مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم کوفته با آن ممزوج سازند
شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش نسخه دیگر نزله گرم
رقیق را ساکن گرداند صفت تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته
کثیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار
شیرین از هر یک سه درم کوفته بجلاب سرشته لعوق نمایند
لعوق حب العطل سینه را از اخلاط پاک کند صفت
مغز بادام شیرین ده درم مغز پنبه دانه دو درم آرد باقلا
پنجدرم کرسنه فراسیون از هر یک سه درم فانید [فانید را] هشت درم
در آب بگدازند و بقوام آورند داروهای دیگر را کوفته با آن
بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه لعوق کرنب

~~از هر یک ده درم ... بریان کرده~~
~~... از هر یک~~

از اخلاط غلیظه پاک کند صفت آب کرنب پخته یک من و نیم
با یک نیم من عسل بپزند و بقوام آورند و بعد از آن مغز
چلغوزه و مغز پنبه دانه و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرک
بریان کرده و چلغوزه از هر یک پنج درم مغز پسته پانزده درم
کوفته با آن بسرشند شربتی پنجدرم بشیر خر لعوق سیر که
بلغم را سود دارد و باد را نفخ دهد و سینه را پاک کند
صفت سیر پاک کرده نیم من در نیم من روغن گاو بپزند تا نرم
شود پس بکوبند و نیک بمالند و با نیم من عسل صاف بقوام آورند
لعوق چلغوزه ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را نافع
و سینه را از اخلاط پاک سازد صفت سوس صمغ عربی و کثیرا و بزرک بریان کرده خرما
مغز چلغوزه [از هر یک] ... دانه سی و پنج درم کوفته با ده رطل عسل و دو رطل روغن
گاو بسرشند شربتی دو ملعقه لعوق صبیان چون شیر مادر
کلو را المعات لعوق سرفه و خشونت سینه را نافع بود صفت
صمغ عربی کثیرا رب السوس فانید از هر یک چهار درم مغز ... دانه

نافع بود

یکدرم

یکدرم کوفته بعسل بسرشند لعوق که ربو و ضیق النفس و سرفه
بلغمی را نافع بود صفت بزرک بریان کرده [کوفته] ده درم با یک مثقال
روغن بنفشه بادام و پنجدرم عسل بسرشند و لعوق سازند
لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت بزرک کرسنه [بریان] از مغز بادام
هر یک ده درم مغز چلغوزه پنجدرم بیخ سوسن هفت درم
صمغ عربی و کثیرا از هر یک سه درم بعسل صاف سرشته
لعوق سازند لعوق دیگر که همین منفعت دارد صفت
مغز چلغوزه چهل درم مغز بادام چهل و پنج درم رب السوس بیست و پنج
درم بعسل بسرشند و بلیسند لطوخ که شقیقه را نافع بود صفت
و تخم کاهو از هر یک یکدرم بزر البنج کثیرا از هر یک دو دانگ
افیون نیم دانگ مجموع را بسفیده بیضه بسرشند و بر کاغذ پاره
بر کشند و بر شقیقه بچسبانند درد را تسکین دهد لطوخ که همین
عمل کند صفت زعفران افیون دم الاخوین صمغ عربی سفیده
تخم مرغ سرشته بر صدغین بچسبانند نافع است لطوخ دیگر

که همین خاصیت دارد صفت لخلخه کافستی تخم کاهو از هر یک
دو درم مرکید رم حضضض سه درم افیون نیم درم کوفته و
بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته بر دو پاره کاغذ کنند
و بر سر عیلی بیا چسبانند طلیه که خواب آورد صفت تخم گل و
بیخ لفاح از هر یک یک درم افیون دانکی کافور دو دانک
کوفته و بیخته در ظرف کنند و بویند طلیه که منع عفونت
کند و صداع را نافع باشد صفت صندل سفید سائیده گشنیز
خشک و گلاب و سرکه در ظرف کنند و بویند لبوب کوکب
کرده را گرم کند و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد
و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه
گرداند و رنگ را نیکو گرداند و اعصاب را محکم سازد و در
امر مجامعت نظیر ندارد و گفته اند که هر که ده روز بدین مداومت
کند هرگز نقرس نشود و ساقط نشود صفت مغز پسته مغز فندق
مغز بادام مغز حب الخضرا مغز کردکان مغز چلغوزه مغز حب الصنوبر ماهی سقنقور

برطبق دارد کرسی

نحو د الهندی

دیبان خولنجان شقاقل احمر زرنج گلیمش سفید تودری سرخ و
زرد زنجبیل کبابه معقشر دارچینی از هر یک سه درم سنبل الطیب
سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب الغلغل تخم گزر تخم شلغم تخم چار
تخم الشبت تخم هلیون لسان العصافیر درونج عقرب زرنباد از هر
یک درم جوزبوا بسباسه دوا آن دار فلفل از هر یک دو درم
قضیب گاو و سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم
بایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک مثقال عود خام دو مثقال
ورق طلاسی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک
نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند
لبوب صغیر منی زیاده کند و گرده و مثانه قوی سازد و پیران را
نافع بود و رنگ نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد و قضیب را
محکم سازد و در امر مجامعت عظیم نافع بود صفت مغز بادام
مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته مغز حبلق تازه مغز حب القلقل
خشخاش سفید تودری کبابه معقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم شلغم
تودری
تخم

تخم ترب

خصیة الثعلب مغز حبلق تازه
مغز کنجد مغز خشخاش سیاه
از هر یک ده درم

مغز کردکان مغز حبة الخضرا
مغز چلغوزه

در زنجبیل

تخم الشبت بهمنین زنجبیل کبابه چینی قرفه دارچینی شقاقل
خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است شربتی دو درم بابیسا لیم مزدیطوس
قریب المنفعت است بتریاق فاروق لیکن تریاق فاروق
از این در دفع سموم انفع است و مقدار شربت این در
امراض مذکوره زیاده از آنست صفت تخم زعفران فاریقو
زنجبیل دارچینی کثیرا از هر یک ده درم سنبل کندر خردل سفید عود بلسان
ماقیطوس قصب الذریره ایرسا دار فلفل عصاره لحیة التیس فود بیدستر
سادج هندی میعه جاوشیر از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید و
سیاه سورنجان سقوردیون جعده دوقو اکلیل الملک حشیشا
روغن بلسان حب بلسان اقراص قرنیون مقل از هر یک
هفت درم سذاب دو درم اشق بسبایج مصطکی صمغ عربی
فطراسالیون قردمانا رازیانه افیون گل سرخ مشک اشیع
از هر یک پنج درم انیسون مو صمغ کنیخ اسارون از هر یک سه درم قوه

ارسطولوخیا و سیساليوس
قسط

و ج مو

اقاقیا نانخواه سقنقور مویز غاریقون از هر یک چهار درم و نیم
شراب ریحانی کهنه چندانکه ضعف او ران حل کنند عسل مصفی
دو وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند منفعت اکبر مرع
و دوار و صداع کهنه و رعشه و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل
و درد دندان و وسواس و درد طحال و قروح امعا و
مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و قی الدم باز دارد
و چون با آب لسان الحمل دهند درد معده و سپرز را نافع باشد
و چون با آب رازیانه دهند بثرهای کهنه را زایل کرداند و
محلل اورام بود و دفع سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند
نعوظ آورد صفت سلیخه اذخر از هر یک یکوقیه و نیم جندبیدستر
فطراسالیون از هر یک پانزده مثقال تخم کرفس دو وقیه
سیساليوس یک مثقال قسط دارچینی اقراص ادرد ناما میوسایله
اسارون از هر یک شش مثقال سنبل هفت مثقال حاما و زعفران
دوار فلفل از هر یک چهار مثقال افیون دانیسون از هر یک ده مثقال

وسعد از شش ماه استعمال نباید

فلفل سفید دوازده مثقال

جوارشنی
عاقرقرحا سنبل بلوط و سنبل الطیب
ساوی شکوفه و بیخته با ... وزن
ادویه عسل معجون سازند شربتی
درم

عسل بوزن ادویه معجون سازند چنانکه رسم است و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی از نیم مثقال یکدرم تا یکمثقال معجون فلاسفه
و آن را مادة الحیوة نیز گویند باضمه را قوت دهد و اشتهای
طعام آورد و بلغم دفع کند و نسیان و سلس البول و درد پشت
و درد گرده و اوجاع مفاصل را نافع بود و منی زیاده کند
و باه برانگیزد و دندانها را سخت کند و دل را قوت دهد
و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند
پیران و سردمزاجان را نافع باشد و موافق افتد صفت
زنجبیل فلفل دار فلفل دار چینی آمله مقشر بلیله شیطرج هندی دراونج
بیخ حضیة الثعلب مغز جلغوزه عروق بابونه ناجیل تازه
از هر یک ده درم تخم بابونه پنج درم مویز منقی سی درم عسل مصفی
دو مثقال ادویه بطریق متعارف معجون سازند شربتی
دو درم معجون جالینوس گرده و مثانه سرد را گرم گرداند و
سده بکشاید صفت فلفل سیاه و سپید و حماما قسط سنبل الطیب

قصب الذریره

مصبب
الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا تخم الجزر
تخم سداب مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک
مثقال در ماء الاصول یا در آب بادیان و آب کرفس بنوشند
معجون ابو سلیم این معجون را فریادرس گویند و همه دردها را
تسکین کند صفت انیسون بذر البنج از هر یک ده مثقال افربیون
زعفران سنبل عاقرقرحا سورنجان فاقله دار فلفل از هر یک
پنج مثقال کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی از دانگی تا نیم مثقال
معجون ریاحی قولنج صعب را زمان بکشاید صفت تربد
قرفه ساذج هندی فلفل دار فلفل زنجبیل ریوند کابلی مصطکی آمله
مقشر قرنفل از هر یک یکمثقال تخم کرفس سنبل زعفران نیم مثقال
مصطکی از هر یک
تربد سپید و سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه
چندان عسل سرشته شربتی دو درم معجون زنجبیل الذئب که همچنین خاصیت
دارد صفت زنجبیل الذئب چهار درم ... تربد ... پنج درم
تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم تا چهار مثقال معجون تربدی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم

قولنج بکشاید و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن گرداند
صفت سقمونیا ده درم قاقله صغار و کبار زنجبیل دارچینی
قرفه و نارمشک قرنفل و فلفل از هر یک پنج درم شکر سرخ و
تربد سپید از هر یک صد مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج
معجون سازند شربتی دو درم معجون ردی صفرا و بلغم دفع کند ۹
صفت مغز کاهیه مغز بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران
یکدرم نبات بیست و پنج درم (نبات تر را) در گلاب بگذارند و داروها
کوفته و بیخته بدان سرشته شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر
و اسهال کهنه را سود دارد صفت افیون جندبیدستر میوه بذر
البنج زعفران اسارون مر تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی
مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند شربتی
یکدرم با آب مورد یا با آب به معجون حجر الیهود سنگ مثانه
بریزاند صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک
پنج درم حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل سرشته شربتی

دو درم

دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ گرده و مثانه را بریزاند
و گزندگی عقرب را بغایت نافع است صفت عقرب محرق
سه درم و نیم نخطیا تا یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم فلفل دار فلفل
از هر یک دو درم کاکنج پنج درم و نیم جندبیدستر چهار درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دانگی با آب کرفس معجون
کاکنج قرحه مثانه و گرده و بول الدم را نافع بود صفت
بذر البنج تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم مقشر تخم خربزه
تخم خیار افیون مغز جلغوزه بریان کرده مغز فندق از
مغز بادام تلخ بریان کرده
هر یک سه درم زعفران یکدرم (دو درم) و نیم کاکنج بیست و پنج عدد
کتیرا چهار درم کوفته و بیخته بمیپختج سرشته شربتی یکدرم با فند یعقوبی
یا با ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند معجون مسیح الملک
... لقوه و فالج و رعشه و برص و جذام را نافع باشد صفت
زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط و ج عسل بلادر از هر یک ده درم
سداب حلتیت دارو خطیا شیطرج حب الغار جندبیدستر

خردل از هر یک نیم درم با عسل صاف معجون سازند چنانکه رسمست شربتی یکمثقال معجون حب الغار نسخه محمد زکریا قولنج بگشاید و استسقای طبلی و جمیع امراض ریحی که بادان وارث باشد نافع بود صفت سداب خشک نیم درم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز صعتر کرفس بادیان اسالیون مغز بادام تلخ فلفل فودنه دار فلفل وج زرنباد حب الغار جندبیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها را در شراب حل کنند و داروها را داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون ذراوند آنرا معجون اربعین گویند نسخه محمد زکریاست که ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع بود صفت ذراوند مدحرج قردمانا فلفل کرفس تخم سپندان سپید مغز بادام تلخ لحم الجزر از هر یک نیم درم ایت الکوس پرسیاوشان زرنباد از هر یک ده درم کوفته بعسل بسرشند شربتی سه درم
مواد بارده را دفع کند بطبیخ زوفا معجون ایهل نانخواه کمدرو وج دارچینی
و بادها بشکند صفت ایهل

مساوی کوفته و بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سعال نافع است سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت مغز جلغوزه سه درم مغز پسته نیم درم مغز بادام مقشر و بزرگ از هر یک ده درم فانیذ سی درم بطریق معهود معجون سازند شربتی دو درم بعاب بلیک کردکان معجون کل درم جگر را نافع بود صفت گل سرخ چهار درم سوسن اسمانجونی سقت درم ریوند چینی ودال حصل از هر یک یکمثقال و نیم سلیخه زعفران از هر یک درم مر نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و دارو ها را کوفته و بیخته بران مخلوط سازند و بعسل بسرشند معجون راحت قولنج را در ساعت بگشاید صفت فلفل دار فلفل زنجبیل دارچینی زیره کرمانی سداب خولنجان قرفه از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم عسل صد و چهل درم شربتی یکمثقال معجون وج ابتدای نزول را نافع بود صفت وج حلتیت زنجبیل را نانخواه مساوی بعسل معجون سازند معجون لولوئی

ترکیب جالینوس است هفت منفعت دارد قضیب را سخت گرداند و اوعیه منی را بگشاید و شهوت زیاده کند و اعصاب را قوه دهد و درد رحم تغیر خطلیم پیدا کند و نعوظ بسیار آرد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند صفت مرداریند ناسفته و بسد از هر یک مقیسم یکمثقال قاقله خسیعر کوفته کرم مازج سلیخه دارچینی اساردن مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی و کثیرا از هر یک نیم درم کوفته با انجندان کل بسرشند و در وقت خواب و نزدیک مجامعت یکمثقال با یک نیم کرم بنوشند معجون که اعضای رئیسه را قوه دهد و باه را زیاده کند و نشاط آرد و معده را قوی گرداند و اشتها آورد و رنگ را نیکو سازد و طعام را هضم کند صفت دارچینی سنبل الطیب پوست بیرون پسته جوز بوا معاشر خولنجان بهمن سفید و سرخ و شقاقل دوالی پوست بلیله سیاه بادرنجبویه گاوزبان از هر یک
انیسون بهمن سفید از هر یک درم
کبابه نیم لبلاب از هر یک یکدرم

سه درم مصطکی و هیل زرنب زنجبیل قرنفل اساردن بسباسه نیلدی کبابه چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد صندل سفید حب الفلفل انیسون نعناع بسبار هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه فرفین کهربا صلایه کرده مرجان از هر یک دو درم مروارید ناسفته کوفته ورق گل از هر یک چهار درم ماهی ریان خصیة الثعلب تودری از هر یک پنج درم مشک تبتی نیم مثقال عنبر اشهب یکمثقال ورق نقره پنجاه عدد ورق طلا سی عدد قند سفید نیم من معجون سازند چنانکه رسمست معجون عطاس قیطرول و سرعت انزال را نافع است صفت علک رومی کندر گشنیز رب السوس بلوط بذر القنب مساوی کوفته و بیخته بعد از آن بعسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون دیگر که همین منفعت و خاصیت دارد صفت علک رومی کلنار کندر بلوط گشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی کردمانا نانخواه از هر یک نیم درم پوست بلیله هلیله زرد آمله سیاه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بیاره
تعداد یکی ترنج
پوست هلیله

معده از غسل سرشته شربتی دو مثقال صباح و مسا می خورند و غذا کباب و بریه قلیه مناسب است معجون رشیدی احسان منفعت دارد صفتش کبابه چینی موصل و نقل حضیه سنبل الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده درم با نیم من عسل معجون سازند شربتی دو مثقال معجون بذوری در تقویت باه بی نظیر است صفتش تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم بیازتخم تخم کرفس تخم جرجیر مغز جلغوزه حب الفلفل حب الزلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمنین دار فلفل حرف حلتیت قرفه مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی سه درم با ده درم شیر تازه با شراب نوشیدنی معجون دیگر این معجون انفع از مفرح است و بعضی از تریاقات شمرده اند منافع بسیار است صفتش قرنفل فوتنج زنجبیل دار فلفل نیز بوا جوز بوا قاقله کبار شیطرج هندی لسان العصافیر درونج عقرب یا در نجبویه

مصطکی لسان الثور نوخنجان فرنج مشک مروارید ناسفته صندل سفید دوا و فرنجمشک سلیخه کل سرخ یاقوت رمانی بهمنین از هر یک دو درم بسیار شیشی درم پوست ترنج سه درم پوست هلیله یکدرم عنبر اشهب و زعفران از هر یک یکدرم و نیم مشک نیم درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکدرم یا دو مثقال معجون لولس حافظ را قوت دهد و نسیان را نافع است صفتش ~~بلادر و افیون از هر یک یکدرم صبر زرد و شصت مثقال غاریقون~~ ~~بسبت وجهار مثقال~~ غسل سه چهار یک بیطلی یوق معهود معجون سازند

غاریقون بسبت وچهار مثقال سنبل بجی مصطکی
وج زراوند و زعفران دارچینی
از هر یک شش مثقال قسط تخم سداب
نانخل شبه از هر یک بست مثقال

معجون اسطمیقون تباهی مزاج و درد معده را سود دارد صفتش قسط حاما سنبل سلیخه مصطکی از هر یک دو از ده درم دراونه طویل فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه نانخواه زیره کرمانی دوقوقطر اسا لیون کاشم اسارون فستیتین الجذان قودنه تنقاح از هر یک چهار درم

کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون نمک قولنج نیک شاید صفتش زنجبیل فلفل سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرمای دانه بیرون کرده مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرما را در سرکه خیسانند و یک شبانه روز بکوبند و با داروهای کوفته و بیخته و با نیم من عسل صاف کرده معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم معجون جنطیانا صلابت سپرز و جگر و درد معده و گرده و مثانه را نافع بود و سده بگشاید صفتش جنطیانا زروحی و فلفل سیاه از هر یک ده درم قسط ساذج سنبل ریوند چینی از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته با بوزن عسل سرشته شربتی دو درم با آب سداب معجون افسنتین درد معده و جگر که از سردی بود زایل گرداند و استسقا را نافع بود صفتش انیسون تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی کوفته با بر چندان عسل سرشته شربتی دو درم معجون سنبل معده و جگر را نافع بود

صفت سنبل الطیب فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم مویز منقی سلیخه از هر یک پنج درم زعفران مر انیسون از هر یک یکدرم فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل از هر یک دو درم مقل و مویز را در مثلث حل کنند و داروهای کوفته و بیخته پاک بیامیزند و با عسل معجون سازند معجون مقل سرفه و درد جگر و درد معده و سینه را سود دارد آواز را صافی کند و بول براند صفتش مویز منقی بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک دو درم و نیم مر چهار درم الجم حل کرد نیست در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند و بیزند مجموع را با عسل بسرشند و شربتی یکدرم با شراب زوفا یا با آب گرم بنوشند معجون قباد الملک مفاصل و نقرس و درد سپرز و بیماریهای کهنه و ضیق النفس و سرفه کهنه

در ریش بود دمها و تاریکی چشم را نافع بود و بادهای غلیظ را
دفع کند صفته حشیشا نای رومی اسطوخودوس قردمانا
جاوشیر کمافیطوس تخم شداب فراسیون اسقوردیون
[illegible] از هر یک نیم مثقال مر زعفران قسط فلفل سفید
اذخر سنبل فربیون پوست بیخ لفاح اشق فودنج
رازیانه دوقو گل سرخ ناردین حب البان از هر یک
ده مثقال [illegible] هشت مثقال سلیخه [illegible] مثقال [illegible]
[illegible] تخم [illegible] بادام از هر یک چهار درم افیون
[illegible] سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم [illegible]
حل کردنی است در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنی است
بکوبند و با آن ممزوج سازند و بعسل معجون کنند و بعد از
شش ماه استعمال کنند معجون قیصر خفقان بارد را
و صرع را و درد معده که از سردی باشد و فواق امتلائی را
نافع بود و صداع بیدی کشد صفته جندبیدستر رب
السوس

السوس سلیخه قسط تلخ فلفل سیاه افیون زعفران سنبل
از هر یک سه درم جاوشیر یک درم درونج عقربی زرنباد
مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک نیم درم دو دانگ
[illegible] کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقدار نخودی
معجون که از جهت ضعف معده نافع است صفته
طباشیر پوست سنگدان خروس از هر یک دو مثقال
گل سرخ سه درم نعناع خشک پوست بیرون پسته
پوست ترنج پوست هلیله زرد از هر یک یک مثقال [illegible]
و سنبل [illegible] صعتر و کشنیز خشک بریان کرده [illegible] حب
الآس از هر یک دو درم کوفته و بیخته در شراب فواکه
معجون سازند شربتی دو مثقال معجون نجاح مسهل سودا
و بلغم بود صفته هلیله سیاه پوست هلیله کابلی [illegible]
[illegible] افتیمون از هر یک ده مثقال غاریقون [illegible] درم
بسفایج فستقی اسطوخودوس ترمس سفید از هر یک پنج

و امراض سوداوی و بلغمی را نافع بود
پوست هلیله
مثقال

حجر لاجورد و حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم
سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم عسل بسرشند
شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون خیارشنبر مسهل صفرا
و بلغم باشد صفته ترنجبین سفید چهل درم بنفشه سی درم [illegible]
[illegible] رب السوس از هر یک [illegible] سقمونیا [illegible] خیارشنبر صد درم
روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد مثقال مغز خیار
شنبر را در عسل و قند حل کنند و داروها را کوفته بروغن بادام
چرب کنند و در یکدیگر بسرشند شربتی از پنج مثقال تا هفت
مثقال معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد مخصوص مفاصل
و نقرس و عرق النسا صفته سورنجان شش مثقال
ماهی زهره زیره کرمانی پوست بیخ کبر [illegible] هندی
[illegible] از هر یک دو درم پوست هلیله زرد [illegible] درم
تخم کرفس نمک هندی برگ حنا [illegible] فلفل سفید صعتر رازیانه
از هر یک یک مثقال گل سرخ زنجبیل نمک [illegible] سقمونیا کشنیز [illegible]
از هر یک

رازیانه افتیمون مصطکی از هر یک
پنج درم
[illegible]

عسل مصفی صد و پنجاه درم
از هر یک سه درم ترنجبین سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم و نیم
شربتی یک مثقال تا هفت معجون مشک [illegible] دیگر ضعف معده را
نافع بود و معده [illegible] صبر [illegible] اکلیل [illegible] صفته
مسک سلیخه [illegible] ساذج هندی لک مقل ریوند چینی حشیشا نای
رومی زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود
هندی مر قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل
معجون سازند معجون نانخواه معده را پاک کند و اشتها آرد
و باه قوت دهد صفته صعتر و نانخواه [illegible] زیره کرمانی
از هر یک یک مثقال [illegible] زنجبیل از هر یک [illegible] مثقال [illegible]
دو مثقال کوفته و بیخته با دو چندان عسل بسرشند معجون
مسیحی درد پشت و درد [illegible] را نافع باشد و باه قوت دهد
و معده را از اخلاط پاک کند و موی را دیر سفید گرداند و سودا را
دفع کند و سرعت انزال را نظیر ندارد صفته گل سرخ سعد
عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران فاقلیتین

از هر یک دو درم
رازیانه [illegible] تخم کرفس

جوز بوا مساوی قند و عسل منا صفو بقدر احتیاج قند را در
گلاب بگذارند و با عسل بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته
با آن برشند معجون عیاشی اشتها آورد و بوی دهن خوش
کند صفت زعفران عاقرقرحا بذرالبنج فرفیون خولنجان
قاقله کبار جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته بار چندان عسل
برشند معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر را
در حس ها نافع باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد
و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ رخ را سرخ گرداند و
غریزی را برافروزد و بسیار از این مایت نافع بود صفت
سیر پاک کرده نیم من در یک من شیر گاو بپزند تا مهرا شود و
چهار یک عسل و سی درم روغن گاو در آن ریزند و با یکدیگر
ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته
با آن برشند زنجبیل جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله
کبار و مغاره هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود
خام

خام در عنوان از هر یک پنج درم شربتی مثقالی یک گرد کا
معجون نمک تسهلی معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی
باز دارد و دوای بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت پلیله بلیله
آمله هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم
کوفته و بیخته بسکنجبین برشند شربتی سه درم با آب گرم
معجون قسط او جاع کبد و معده را نافع بود صفت دارچینی
بلیله قسط از هر یک سی درم افتیمون انیسون ریوند
چینی تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست و نه درم زعفران
هشت درم فقاح اذخر و مر از هر یک بیست و چهار درم مر را
در شراب حل کنند و ادویه های دیگر کوفته و بیخته با آن
ممزوج سازند و بعسل صاف معجون نمایند معجون ضمیر ها
فالج و لقوه و استرخاء امراض بلغمی را نافع بود و مجون بر
غضو مفلوج و استرخاطلا کنند نافع باشد صفت
افیون فرفیون جند بیدستر دارچینی دار فلفل بذرالبنج سنبل

زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل برشند
معجون که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد
سورنجان عاقرقرحا از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم و نیم
زیره کرمانی هفت درم راسن چهار درم زنجبیل دو
درم افیون نیم مثقال بعسل کوفته و بیخته برشند شربتی دو
مثقال معجون سکنج تخم کرفس جند بیدستر از هر یک جزو
سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در روغن بادام بسایند و
سکنج را در عسل حل کنند و با یکدیگر بیامیزند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته با آن برشند شربتی سه مثقال معجون
جلغوزه عسرالبول را نافع بود صفت دوقو ریوند
چینی اذخر حب بلسان افیون سلیخه زعفران دارچینی اسارون
قسط اسالیون کما فیطوس از هر یک سه درم مغز جلغوزه
سی درم نعناع خشک نیم درم کوفته بعسل برشند معجون
ریوند ریوند چینی شداه و ج تخم الکرفس حب الحذان تخم کرفس رازیانه
انیسون

انیسون تا نخواه مساوی بعسل برشند و بعضی بعوض
شهدانه راسن کنند شربتی یک مثقال با ماءالعسل معجون
فیقرا شهوات ردیه را دفع کند و صداع را دفع کند صفت
ایارج فیقرا ده درم پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله از هر یک دو درم ملح نفطی ده درم و نیم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ فودنه
معجون فودنه درد جگر و معده و تبهای کهن و تب ربع را
سود دارد صفت فودنه کوهی فودنه دشتی فطراسالیون
سیساليوس از هر یک چهار درم تخم کرفس بونه و حاشا از
هر یک چهار درم در بعضی نسخه ها بیست و چهار درم با انگبین
مصفی برشند معجون مقل با دیواسیر و بادی که اندر رود ها
باشد بشکند و آماس مقعد که خون آید سود دارد صفت
پوست هلیله کابلی بلیله آمله تخم گندنا سپندان سفید تخم گندنا تخم شاهترج
از هر یک پنج درم مقل بیست درم مقل را در آب گندنا حل

کوفته و بیخته

دواروها را بدان بسرشند شربتی دو درم معجون ماسک
البول ~~از کوتوال کاو او بول از نفع بکشد~~ و سیلان منی را
باز دارد ~~نافع~~ صفته اقاقیا کلنار از هر یک درم
صندلین عدس بریان قصب الذریره تخم خاص صمغ عربی
طباشیر از هر یک دو درم تخم مورد ده مثقال کنند یکدام
سوده و بیخته بجلاب بسرشند شربتی از وی پنج درم و غذا بریانی
و قلیه خشک تناول نمایند معجون اختلاف اسهال بلغمی و زحیر را
نافع باشد صفته افیون جند بیدستر میعه سایله بزر البنج
زعفران مر اسارون تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل الطیب
گل ارمنی کلنار رسادی کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند
شربتی نیم درم بربت یه یا آب سرد یا آب سماق معجون
امراض سوداوی را نافع باشد و سرفه را دفع کند صفته
بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم کاسنی سه درم مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو سلیخه از هر یک پنج درم کثیرا یکدرم

اصل السوس

اصل السوس یکسیم کوفته و بیخته بیفزایند و بگلاب معجون سازند
شربتی یکدرم بگلاب گرم کرده معجون سقراطیس و مالیخولیا
و صرع و بهق و برص و درد مفاصل و درد معده و داء الحیه
و داء الثعلب و داء الفیل و تقطیر البول و سرفه کهنه و تب ربع
و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان سدی و طحال را
نافع باشد غایله سموم کسترد و دل را قوت دهد و باه را زیاده
کند و حب القرع را دفع کند و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و حیض بکشاید و بوی دهن و بوی عرق خوش
کند و گرانی زبان ببرد و صداع را زایل کند
و جمیع امراض بلغم و سوداوی را سود دارد و پیران را
بغایت مفید بود صفته جنطیانا فودنج ساذج مرزنگوش
تخم فرنجمشک حب الغار زراوند طویل از هر یک یکمثقال انیسون
جند بیدستر انیسون حب بلسان اسارون مصطکی از هر
یک یکدرم درونج عقرب زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر

تخم

بهار نکنند از هر یک دو درم صبر سقوطری ده درم تربد سفید
بیست درم عود خام دوازده درم جوز بوا ریوند چینی قرنفل
قاقله
قند لبسار سنبل الطیب زعفران افسنتین بریان کرده در
شیطرج اقلیمه دارچینی از هر یک درم ورق گل سرخ
بادرنجبویه الله فلفل از هر یک پنج درم سعد کوفته حب المحلب
از هر یک چهار درم هلیله آمله سیاه از هر یک شش درم کوفته و بیخته
بروغن بادام تلخ چرب کنند و باره چندان عسل بسرشند
و در ظرف آبگینه کنند و شش روز در میان جو نهند شربتی از دو
دو درم تا پنج درم معجون که نافع است از جهت کسی که از جهت
در معده طعام را قی کند صفته اصول اذخر سعد از هر یک
~~...~~ هلیله فلفل کبسند زنجبیل خولنجان از هر یک درم
قرنفل مسک از هر یک دانگی مویز را بکوبند و قدری آب
اضافه کنند و بیست آن را بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود
و ادویه دیگر را کوفته و بیخته بدان بسرشند و بهر دو مقابل

یک

یک بادام تناول نمایند معجون مسهل کهنه و زحیر را نافع بود
صفته جند بیدستر اسارون افیون میعه سایله بزر البنج کندر
کوفته
مساوی بعسل معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم معجون فولاد
این معجون هندیانست و ترکیبی عجیب است و خواص بسیار دارد
و فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان و عرق النسا و
مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را نافع بود و حفظ را
زیاد کند و معده را قوت دهد و باه برانگیزد و رقت
انزال و سلس البول را دفع کند و بیرانرا موافق باشد صفته
زعفران قلقل دار فلفل شنجرف مغسول بآب لیمو صلایه کرده
کبابه چینی و مصطکی افیون ماهی سقنقور سنبل بسباسه قرنفل
دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم گزر
تخم کاسنی تخم خرفه عاقرقرحا بهمنین هلیله سیاه کهربا
مروارید ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس مغز پسته دانه تخم
ناتوره بهر کوفته در بیان کرده جنطیانا مایه اعراب زنجبیل

مغز تخم کنجد مغز تخم ... کنجد مقشر ... بابونه
جوز بوا آمله قاقله کبابه بلیله شیطرج ناگخواه جوز هندی ...
سلیخه ... از هر یک ده مثقال اشترغاز مغز جلغوزه آبهنگر
بهارکردکان حب الصنوبر هندی خصیة الثعلب زر بناد درازنایه
بلادر زنهر گرفته ~~بریان کرده~~ کجیله زهر گرفته بریان کرده
اینسون ذراوند طویل بیاز عنصلی راوند ... شاهتره
از هر یک نیم مثقال افیون مصری چهار مثقال عنبر خالص
مشک تبتی از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک
پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا
فولاد مکلس هر چند مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد
آنست که فولاد جوهر دار بستانند و صلایه کنند و هر پنجاه نخالی از نانک
مثقال فولاد پنجاه مثقال گوگرد زرد پاک صلایه کرده با آن
ضم کنند و در بوته ریزند و در کوره نشنند آتش کنند تا
گوگرد

گوگرد تمام بسوزد و دود گوگرد برنیاید پس از آن بیرون
آرند و خوب صلایه کنند و بهمان طریق در بوته ریزند و و باز پنجاه مثقال دیگر گوگرد با او صلایه کنند
در کوره نهند و آتش کنند تا گوگرد تمام بسوزد و بعد از آن
از بوته بیرون آورند و با آب حیور که آهک (؟) بشویند تا تلخی یکدفعه صلایه کنند تا نیک صلایه شود
از او برود پس با آب بشویند تا شیرین گردد و بعد از آن خشک بعد از آن برگه
کنند و با آب ترب صلایه کنند چنانکه در آب ریزند
معجون بته آب فرو نرود تا نیم روز بر بالای آب بایستد
صفت خبث الحدید بسیاری بول که از سردی بود نافع بود و دارد
خبث الحدید مدبر بیست درم فشار کشند که در سرکه خیسانیده
باشند یکروز پس خشک کرده و کوفته و بیخته بیخته بادام طباشیر
چهار درم کشنیز خشک پنج درم سه گران دو درم بلیله سیاه ده
معجون بسرشند بامداد سه درم و شبانگاه سه درم بشراب عنبه
صفت راسن ورم صلیب کبد و معده را نافع بود ابونه
جبنی زنجبیل و راسن و اشترغاز از هر یک یک جزو تخم کرفس

مجموعات خبث الحدید نسخه
صفت
رغبت انزال و ضعف معده و نبوا را
نافع باشد
بوست هلیله کابلی بوست بلیله آمله
گل سرخ از هر یک دو درم اصل السوس
جند بیدستر سنبل ... مصطکی
از هر یک هفت درم مشک یک درم
خبث الحدید مدبر صد درم کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
سه درم

ابنیسون رازیانه و نانخواه از هر یک نیم جزو کوفته
و بیخته بعسل سه وزن ادویه بسرشند شربتی مثل یک غندق
معجون که منع استسقا کند صفت شاخ زسوخته مغز
بادام تلخ تخم کرنب بوده کوهی ملح نفطی سداب
نانخواه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون
بد تورد درد معده و جگر و سپرز را سود دارد و باد را بشکند
صفت سلیخه و حماما و سنبل و نانخواه و رازیانه و تخم کرفس باد یاقی
انیسون سیسالیوس جند بیدستر شبت ذراوند طویل
مصطکی اسارون کرد با اجزای مساوی با انگبین حصفی کوفته
بسرشند معجون چوب چینی ترکیب مولانا عماد بن محمود حکمت
تقویت باه و معده و دل و دماغ و جگر و کرده و مثانه و
سرخی رنگ چهره و فربهی بدن نیکو بود و بوی دهن ببرد
و خوش بوی سازد و منافع بسیار دارد صفت بیخ چینی
آقاقیا پنجاه مثقال مروارید ناسفته صلایه کرده دو مثقال شط
دو مثقال

دو مثقال ریوند چینی افیمون زرد از هر یک سه مثقال بسفایج
فلفل از هر یک سه درم مصطکی عود خام مایه شترا اعرابی زعفران
مشک عنبر از هر یک دو درم سکه صیدا و در دیجان از هر
یک سه مثقال دارچینی قرنفل فلفل زنجبیل از هر
یکی دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک ده مثقال
درونج زرنباد از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب
پنج مثقال تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم بسمیه تخم کهلیلن
نخک مربی از هر یک سه مثقال بوزیدان سورنجان
از هر یک دو درم تودری از هر یک سه مثقال سعد کوفی
ده درم ورق سبط سرسی ادویه مجموع را کوفته و بیخته
گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ دواله از هر یک ده
مثقال جوشانیده صاف کرده آب آن بنجاه ده ارند
تخم خیار تخم کاسنی خرفه از هر یک ده مثقال بکوبند
نرم و شیره را اضافه جلاب سابق کنند و با آب

به شیرین و آب سیب شیرین و آب انار شیرین و گلاب
از هر یک صد مثقال با قند و عسل صاف مساوی بوزن
ادویه بقوام آورند و مغز فندق و بادام و کردکان
و جلغوزه را از هر یک ده مثقال نرم بکوبند مرهم
مرهم در عسل اندازند و زعفران را بگلاب حل کنند
و بعد از آن که سرد شود اضافه نمایند و مشک و عنبر را
دو حصه کنند و یک حصه اول داخل کنند و یک حصه دیگر
بعد از آن سایر ادویه نافع بود و بعضی دیگر از اجزا را
داخل نمایند اسارون سه مثقال آمله مقشر بشیر پرورده
ده مثقال گل مختوم صندلین از هر یک سه مثقال خشخاش
سفید ترکیب ساخته در ظرف آبگینه یا ظرف چینی پاکیزه کنند
معجون که نافع است از برای کسیکه علاج باشد از آله
بلحارت صفته زنجبیل خصیة الثعلب شقاقل جوزبوا
لسان العصافیر مصطکی زعفران دارفلفل بوزیدان

درد

احمر بهمن سرخ بهیون تخم جرجیر از هر یک دو مثقال
مشک عنبر از هر یکی یکمثقال حب الفلفل سه درم زایدا
لنگر بیست و پنج مثقال عسل نیم من ترکیب سازند معجون
مسمی قرنفل پنجمثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل جوزبوا
از هر یک سه درم تخم خشخاش ورق قرنفل از هر یک سه مثقال
گاوزبان بادرنجبویه از هر یک پنجمثقال سنبل اشنه از
هر یک چهار مثقال بهمنین از هر یک چهار مثقال سادج
هندی زنجبیل دارچینی فلفل از هر یک دو مثقال پوست
ترنج پنجمثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال خصیة الثعلب
لسان العصافیر بسباسه از هر یک سه مثقال عنبر اشهب
دو مثقال لعل یکمثقال مشک نیم درم مروارید سه کهربا
از هر یک یکمثقال حریر و اخطم بیست مثقال عسل دو وزن
ادویه معجون الباه از ترکیب مولانا فخرالدین رازی
صفته بهمنین خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل سه مثقال

ماهی شیر اعرابی شقاقل تودری از هر یک پنجمثقال
خشک مغز جوزبوا درم مقشر بادام مغز فندق از هر
یک ده مثقال زعفران سه درم گاوزبان پنجمثقال
بسباسه سه درم عنبر اشهب یکدرم ورق الجبال صد مثقال
شیر گوسفند جوشانیده صاف کرده با قوام آورند
و دیگر اجزا با آن بسرشند معجون سنجری ترکیب شیخ
ابو علی مشهور است بقرص سنجری فواید بسیار دارد
مقوی باه است جگر و دل و معده را قوت دهد هاضم طعام
و مرتب حافظ و قوت بصر افزاید و قوت سمع نگاه دارد
صفته سنبل ده مثقال بسباسه جوزبوا قاقله صغار دار چینی
قرنفل زعفران بهمن سرخ عود صلیب مصطکی نارجیل
سادج هندی از هر یک شش مثقال تخم ماهی زهره تخم
شبت نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم خربزه تخم
جزر از هر یک سه مثقال مغز بادام شیرین مغز پسته

سر کنجشک

سر کنجشک از هر یکی شش مثقال مویزج قند سفید از
هر یکی سی مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربت
دو مثقال معجون که نافع است یرقان را که بلغمی باشد
صفته گزیره بابسه درم درداهرسریکدرم و نیم
طباشیر یکدرم کوفته و بیخته بشراب سیب سرشته شربتی
یک مثقال با ده درم شراب سیب معجون مفرح که مقوی
قلب و باه و معده است صفته مروارید ناسفته سه مثقال
لعل بدخشان فیروزه یشب بوری بسد کهربا یاقوت
حجر الیهود مشک خالص از هر یکی دو مثقال عود چهار
مثقال پوست پسته دو مثقال پوست اترج
دو مثقال بهمنین از هر یکی دو مثقال درونج عقرب
سه مثقال خولنجان زنجبیل فلفل دارفلفل از هر یکی سه مثقال
خصیة الثعلب دو مثقال گل سرخ و شقاقل از هر یکی سه مثقال
مصطکی پنج مثقال قسط شیرین دو مثقال تخم کاسنی

سه مثقال قرنفل عاقرقرحا از هر یکی دو مثقال فرفیون
یک مثقال حماما سه مثقال بذر البنج یک مثقال لحم ثعلب خشک
دو مثقال افیون زعفران از هر یکی دو مثقال عسل
سه وزن ادویه که سیصد و سی مثقال باشد معجون راس
که بزبان هندی برد رس گویند صفته بلیله یکمثقال و نیم
فلفل دو مثقال زنجبیل یکمثقال و نیم عاقرقرحا یکمثقال
میویزج یکمثقال عسل سه وزن ادویه و میتوانه بود که
کل واحد از ادویه یکمثقال و نیم باشد و می باید که
که هر یک از ادویها کوفته و بیخته بعد از ان کنند
معجون یقوی علی الباه و یطیب النفس و یسخن البدن
و ینفع الریح من المعدة و من برد الکلی و یزید فی الحفظ
صفته دارچینی چهار مثقال زعفران سه مثقال رازیانه
زنجبیل نعناع خشک یک یک صعتر فودنج الیاس
سلیخه من کل واحد اربعة مثاقیل ساذج هندی دار فلفل

نسق

فلفل ابیض فلفل اسود اسارون بذر الانجره قرنفل
خولنجان مثاقیل من کل واحد اربعة مثقال الصنو
عاقرقرحا فاقله بذر اللفت بذر الفجل بذر الشلجم
من کل واحد مثقالان سمسم المقشر لب الفستق لب اللوز
جلغوزه من کل واحد عشره مثاقیل عود هندی ثلث
مثاقیل سکر الابیض مثل الجمیع عسل مصفی ضعف الادویه
معجون بهی فواید بسیار دارد نسخه مولانا عماد الدین
محمود صفته بهمنین از هر یک ده درم تودریین
شقاقل از هر یک پنج مثقال خولنجان سه مثقال سورنجان
ده مثقال زراوند مدحرج زرنباد درونج عقرب از
هر یک سه مثقال خصیة الثعلب ده مثقال لسان العصافیر
سه مثقال لحم جوز لحم ثعلب از هر یک پنجمثقال لحم
الجزره سه مثقال الشمشی سپید ده مثقال بذر البنج پنجمثقال
کلیجه مقشر مغز تخم خیارین از هر یک ده مثقال حب

الزلم

حب الزلم حب الفلفل کبابه چینی عود هندی از هر یک
سه مثقال دارچینی سنبل از هر یک پنجمثقال مصطکی سه مثقال
صندل سپید ده مثقال فلفل دار فلفل قرنفل از
هر یک سه مثقال هیل پنجمثقال جوزبوا ده مثقال دواله
سه مثقال بسباسه پنجمثقال مغز بادام شیرین یازده مثقال اقر
بنه دانه تخم خرفه تخم کاسنی ورق گل سرخ کشنیز خشک
زرشک منقی از هر یک پنجمثقال آمله مقشر پوست بلیله پوست
بلیله پوست هلیله کابلی از هر یک ده مثقال بادرنجبویه پنجمثقال
گاوزبان ده مثقال طباشیر سپید سه مثقال تخم کدو تخم خیار
از هر یک پنجمثقال حب البلسان سه مثقال بادیه کشنیز اواء پنجمثقال لک
صدانج مثقال ریوند ده مثقال مایه خروس پنجمثقال
مغز سر گنجشک پنج مثقال حلتیت یک مثقال بوزیدان سه مثقال
زعفران پنجمثقال آب انار شیرین آب امرود بلخی از هر یک صد
مثقال آب سیب سلطانی دویست مثقال آب به شیرین صد مثقال

گلاب

گلاب نیم من عرق بید مشک نیم من عنبر اشهب دو مثقال
مشک دو مثقال قند سپید و نبات و عسل سه وزن ادویه معجون
زبیب مصروع را نافع باشد صفته پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک ده درم
عود الصلیب پنج درم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه
کوفته و بیخته با مویز منقی معجون سازند شربتی پنج درم معجون
سیسالیوس همین خاصیت دارد صفته سیسالیوس عاقرقرحا
اسطوخودوس از هر یک ده درم غاریقون پنج درم قردمانا
حلتیت زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
سکنجبین عسل بسرشته شربتی یکمثقال معجون لبان
نسیان را نافع بود صفته کندر وج سعد از هر یک ده درم
فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی
یکمثقال معجون البستی بکنند صفته شاخ بز سوخته مغز بادام
تلخ کرنب فودنه کوهی ملح نفط شراب تا کخواه مساوی کوفته

و بپخته بعسل معجون سازند معجونی که سلس البول را باز دارد صفت گلنار ده درم کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد کوفته با از هر یک پنج درم کوفته و بپخته بعسل معجون سازند معجونی که همین خاصیت دارد صفت شاه بلوط هفت درم گلنار ده درم دار فلفل حب الصنوبر از هر یک یکدرم کوفته و بپخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم معجونی که بادهای زنان السیتی را دفع کند و محافظت نماید صفت زرنباد درونج عقربی از مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم دو درم جدوار بیدستر یکمثقال دوالدوسبتی از هر یک یکدرم کوفته و بپخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال معجونی دیگر که همین منفعت دارد صفت زرنباد درونج حلتیت مازو طباشیر از هر یک یکدرم زنجبیل دو درم قند سفید دوازده درم مشک نیم مثقال کوفته و بپخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سورنجان ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هر یک دو درم کوفته و بپخته ۹

جنبی مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم

مفاصل

بعسل بسرشند شربتی دو مثقال با آب گرم معجون مفرح ما لیخولیا و توحش را نافع بود و دل قوت دهد و نشاط آورد صفت ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنجدرم بسباسه پوست ترنج قرفه تخم فرنجمشک از هر یک دو درم کوفته و بپخته بشراب سیب معجون سازند معجون مفرح معتدل دل را قوت دهد و خفقان را نافع باشد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و تشنگی را بنشاند صفت مروارید ناسفته بسد گاوزبان عود خام از هر یک دو درم کهربا تخم کاسنی کشنیز خشک از هر یک پنجدرم صندل سرخ و سفید طباشیر از هر یک شش درم افتیمون گل سرخ از هر یک سه درم سادج هندی درنباد تخم فرنجمشک بادرنجبویه تخم خرفه سفید بهمن گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران و عنبر درونج رومی از هر یک دو درم کافور یکدرم مشک نیم درم کوفته و بپخته بشراب سیب معجون سازند مفرح حار ۹ خفقان و ضعف دل را که از سردی بود نافع بود صفت

مسک دانگی

مروارید کهربا از هر یک یکدرم کافور نیم مثقال

گاوزبان بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید تخم فرنجمشک از هر یک هشت درم آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال زعفران یکدرم بسد سوخته کهربا سوخته قرنفل زرنب کشنیز خشک دارچینی از هر یک پنجدرم عسل هلیله کهربا از هر یک یا قوت ورق محلول از هر یک نیم درم درونج عقربی یکدرم و نیم مویز منقی را با یکدیگر بکوبانند و بقوام آورند و داروها کوفته و بپخته با آن بسرشند شربتی یکمثقال مفرح بارد خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفت گل سرخ کتیرا بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک منقی هشت درم مروارید ناسفته کهربا زعفران کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید مشک یکتار ندو پنجاه مثقال

کهربا چینی زرنباد از هر یک سه درم گل سرخ و صندل مقاصیر از هر یک پنجدرم نیم درم قند نیم درم عسل هلیله و قند منقی را

آب سیب بقوام آورند و داروها کوفته و بپخته با آن بسرشند مفرح بارد نسخه دیگر مروارید ناسفته صفت بسد سوخته طباشیر کهربا گاوزبان گل ارمنی از هر یک دو درم مسک نیم درم قند سفید سی درم معجون سازند چنانکه رسم است مفرح دلگشای معتدل خفقان و ضعف دل را زایل گرداند و نشاط مرجه تمام آورد صفت بهمنین پنجدرم پوست هلیله کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم خام موقفی مروارید ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هر یک ده درم کشنیز خشک طباشیر از هر یک سه درم بسد کهربا زرنباد درونج رومی از هر یک یکدرم عود خام یکمثقال آب انار آب به آب سیب آب تفاح آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید شراب نبفشه از هر یک صد مثقال آبها با قند و شربت بقوام آورند و داروها را کوفته و بپخته با آن بسرشند مفرح دلگشا حار خفقان و ضعف دل که از سردی بود

ترنج بادرد مروارید سفید طباشیر کهربا گاوزبان سفید سعد گل ارمنی بنفشه زرشک نیم درم گل سرخ مسک عنبر درطلا سیاه عدد یک عرق بید مشک

گل سرخ

سود دارد صفتش پوست ترنج بادرنجبویه گاوزبان مغز تخم
خیارین از هر یک پنج درم بهمنین از هر یک دو درم و نیم
هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید مقشر از هر یک سه درم زعفران
دو درم دارچینی سه درم و نیم تخم کرفس یک درم مشک یک مثقال
روغن بادام پنج مثقال نبات مصری ترنجبین در گلاب
حل سازند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند
نسخه دلگشای بارد طباشیر بهمن سفید گل سرخ بسد
کهربا مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال صندل سفید گشنیز
خشک از هر دو درم تخم خرفه اشنه درم زرشک دانه ده درم
زر محلول نقره محلول از هر یک نیم درم پوست بیرون
پسته یک درم قند سفید یکمن آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود
معجون سازند نسخه مسمی بنسخه دیگر دل و دماغ را و جگر را قوت
دهد و منی بیفزاید و اشتهای طعام آرد و جماع آورد و باه را
قوت دهد صفتش قرفه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از

کبخد

از هر یک نیم درم نبات
و ترنجبین را

هر یک

هر یک پنج درم خولنجان کبابه چینی قرنفل بهمن قاقله کبار و
صغار جوزبوا تخم فرنجمشک مصطکی پوست ترنج حب الغار
بسباسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم مروارید ناسفته
ساذج هندی سعد کوفی عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل
دارفلفل از هر یک یک درم خصیة الثعلب ده درم مشک زر محلول
نقره محلول از هر یک نیم درم لعل کدیالید از هر یک یک درم
جزو اعظم سی مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است نسخه رسیدی لعل بسباسه از هر یک پنج مثقال
زعفران سه مثقال جزو اعظم ده مثقال قند سفید پنجاه
مثقال قند را در گلاب بگذارند و بقوام آورند و
داروهای کوفته و بیخته بدان بسرشند مفرح که خفقان
سوداوی را نافع باشد صفتش ساذج هندی سعد یا نخواه
دواء المسک انیسون تخم کرفس تخم فرنجمشک از هر یک درم
مروارید ناسفته بسد از هر یک پنج درم عصاره افسنتین

الشنه

شش درم زعفران و مشک از هر یک یک درم بادرنجبویه
ده درم پوست ترنج گاوزبان کوفته و بیخته با یک
افتیمون جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربای
هلیله معده را قوت دهد و حافظه را قوی گرداند و طبع را
نرم کند و بواسیر را نافع بود و باصره را تیز گرداند و
نسیان را زایل گرداند و جوانی را نگاه دارد صفتش
هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان آب
بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند و خاکستر را تیز کنند و
هر سه روز یکبار رسن بشویند چنانکه پوست از و جدا نشود
و در دیگ کنند آب صافی بر سر آن ریزند دیگ کف
جو مقشر نیم کوفته اضافه آن کنند و بجوشانند تا
جو پخته شود پس بیرون آورند و دیگر باره بآن دستور بشویند
و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی کنند و چندان
عسل بر سر آن ریزند که آن را بپوشاند و بیست روز

ده درم

و خاکستر تاک چهار درم
و چهار نوبت
بر سر آن کنند
آب

بگذارند

بگذارند و بعد از آن از میان عسل بیرون آورند و
آن عسل را نگاه دارند و دیگر عسل تازه بر سر آن کنند و ده
روز دیگر بگذارند و بعد از آن با عسل اول و دوم بجوشانند
تا بقوام آید و اگر این داروها داخل کنند بهتر باشد
قرفه قرنفل زنجبیل قاقله جوزبوا مصطکی عود تخم فرنجمشک
مشک نیم مثقال زعفران یک مثقال در ظرف چینی کنند
و بعد از چهل روز استعمال نمایند مربای شقاقل باه را
قوت دهد و نفوذ تمام آرد و مثانه را سود دارد
صفتش شقاقل تازه در آب خیسانند یک شبانه روز
و آن آب بریزند و یک شبانه روز ~~در آب تازه~~ خیسانند
باز آن آب بریزند و یک شبانه روز دیگر در آب تازه خیسانند
و بعد از آن مقشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود
آنگاه عسل صافی بر سر آن کنند و بآتش نرم بجوشانند
تا بقوام آید و در ظرف کنند و بعد از چهل روز تناول نمایند

از هر یک

دیگر در آب تازه

مربای بالنگ معده را قوت دهد و فرح آورد گوشت
ترنج در دیگ کنند و با آب بجوشانند و تا نیم پخته شود و
بعد ازان بیرون آورند و بیفشارند و عسل صاف
بر سر آن ریزند و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید
اگر بقند خواهند همچنین اما مربای هلیله و بالنگ و شقاقل
و جزر و گردکان بعسل بهتر باشد و مربای تمر هندی
و آلو و به و سیب و امثال آنها بقند مربای جزر باه را
قوت دهد و سینه را نرم کند و پشت را محکم کند
صفت گزر بزرگ با پوست بخراشند و پاره پاره کنند
و میان او را بیندازند و در آب و عسل بجوشانند
تا پخته شود و بعد ازان در عسل اندازند و اندک جوشی
بزنند و در ظرف کنند و بعد از چهل روز تناول نمایند
مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده را نافع باشد و
بول براند و شهوت بلغمی را سود دارد و باه را زیاده کنند

صفت

صفت زنجبیل تازه و خوب را زیر و زبر پاک کنند و بیست روز
هر روز آب بر وی میریزند و بعد ازان بیرون آورند
و بشویند و ریشه ریشه کنند و با آب و عسل بجوشانند
تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوت دهد و باه را
زیاده کند صفت بستانند گردکان تازه که هنوز
صلب نشده باشد و پوست ازو جدا کنند و با آب و عسل
بجوشانند تا بقوام آید مربای وج قولنج ریحی و فالج و ۹
صرع را نافع بود صفت وج ترکی فربه را شبانه
روز در آب خیسانند و بعد ازان بیرون آورند
و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای هندوانه
حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت بستانند پوست
هندوانه و سرد زرد آب و آهک خیسانند و روز چهارم (و سبزی ازو برآرند)
در نمک آب خیسانند یک شبانه روز دیگر بگذارند
پس بیرون آورند و یک شبانه روز دیگر در آب شیرین

بیندازند و بعد ازان در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم
پخته شود پس بیرون آورند و بنهند تا آب ازو برود دیگر
باره در عسل اندازند و بجوشانند تا بقوام آید مربای کدو
سینه و شش و مثانه را نافع باشد صفت کدوی
تازه بخراشند و مغز آن بیندازند و پاره پاره کنند
و با آب و عسل بجوشانند و بقوام آرند مربای تمر هندی صفرا
رفع کند و تب را زائل گرداند و محرور مزاجان را نافع
باشد صفت تمر هندی را از چوب و دانه پاک
کنند و در گلاب خیسانند و بعد ازان قند را بقوام
آرند و تمر بر وی ریزند و چون یک جوشی بزنند
فرو گیرند مربای سیب معده و دل را نافع باشد سیب را
پوست باز کنند (و دانه بیرون آورند) و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود
پس با قند بقوام آورند مربای به این مربا مثل مربای سیب است
اما سیب را درست مربا کنند و به را بشکنند مربای

سیب

به معده را قوت دهد و قی و غثیان بنشاند و سهجه
و فواق و درد جگر را نافع باشد صفت آب به ترش
چهار و نیم من شراب ریحانی هشت من عسل مصفی ده من
مجموع را در دیگ ریزند و زنجبیل و مصطکی و قاقله کبار
و صغار و دارچینی و کبابه چینی و قرنفل از هر یک بیست
درم زعفران سه درم همه را نیم کوفته کنند سوای
زعفران در کیسه ریزند و دران اندازند و بجوشانند
زمان زمان کیسه را بدست بمالند تا شیره تمام باز دهد و
زعفران سائیده اضافه نمایند (و بقوام آورند) ماء العسل معده را قوت
دهد و اشتها آرد و بول براند و مفاصل امراض بلغمی را
نافع باشد صفت عسل بگیرند و آب دو جزو بجوشانند
تا کفش برود و دو ثلث بماند و اگر مقوی خواهند زنجبیل
و دارچینی و خولنجان و مصطکی و زعفران و هیل و جوزبوا
بسیار کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند

ایارج مالیخولیا و یرقان و جرب و کلف و امراض
سوداوی را نافع باشد صفت بز سرخ جوان صحیح
البدن که چهل روز از زاییدن او گذشته باشد گشنیز چند روز
تازه یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا گرد جو یا علف جو
با شاهتره تازه بدهند و بعد از آن دو رطل شیر او بستانند
و در دیگ سنگین با آتش نرم بجوشانند چون یک
جوش بزنند یک رطل سکنجبین حامض الحموضت بر آن
ریزند و چوب انجیر پوست کنده بجنبانند تا ببندد
پس با آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و دیگر باره و بیاویزند تا آب
بچکد آنگاه آب بر گیرند بجوشانند و کف بردارند و با سکنجبین بنوشند
هر روز یک رطل به سه دفعه چنانکه میان هر دو دفعه دو ساعت
باشد و بعد از هر نوشیدن چند گام بروند ماء الاصول
حار نقرس را و وجع مفاصل بلغمی و سودایی را نافع بود
صفت پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست

بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی
تخم رازیانه تخم کرفس تخم ریحان زیره کرمانی نانخواه از
هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک بیست درم در
سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده هر روز
سی درم یا ده درم با گلنگبین بنوشند ماء الاصول بارد
وجع مفاصل حار را نافع باشد صفت عناب سپستان از
هر یک سی عدد پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه
از هر یک ده درم تخم کاسنی و رازیانه از هر یک پنج درم سوسن
سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند
هر روز سی درم یا ده درم گلقند بنوشند ماء الاصول دیگر
و بلغمی را بلغمی که لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض سوداوی
نافع بود و سنگ گرده و مثانه را بگشاید و استسقا و سده جگر و سپرز بگشاید
و درد وجع مفاصل اسود دارد صفت پوست بیخ کبر
از هر یک ده درم
پنج درم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار درم تخم کرفس رازیانه
پوست بیخ پوست بیخ

حب سپستان اسارون از هر یک دو درم سلیخه حنطیانا
از هر یک دو درم نیم عود بلسان بوزیدان بزر السپندان از
هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در دو من آب
بپزند تا به نیمه آید و بپالایند شربتی سه مثقال با دو مثقال
روغن بید انجیر پنج درم روغن بادام تلخ ماء الاصول سده
جگر و سپرز بگشاید و درد جگر و معده و سپرز
بگشاید و استسقای بلغمی را نافع باشد صفت پوست بیخ
کرفس بیخ رازیانه از هر یک هفت درم بیخ اذخر و فقاح
اذخر از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک یک درم و نیم
[illegible] از هر یک دو درم عود بلسان دو درم غافت قوه
افسنتین گل سرخ بادآورد پوست بیخ کبر از هر یک
سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب
بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز چهل درم
با یک درم روغن بادام تلخ و یک درم روغن بادام شیرین بنوشند

ماء البذور

ماء البذور بادها را بشکند و [illegible] اخلاط غلیظ را دفع
کند و قولنج بگشاید و استسقای طبلی را نافع باشد صفت
نانخواه کاشم زیره کرمانی کرویا صعتر سوتیز از هر یک
[illegible] در سه رطل آب بجوشانند تا به یک رطل آید و صاف
کنند و هر صبح و شام بیست درم از آن با سه درم روغن
بید انجیر بنوشند ماء البذور اسهال صفرا کند صفت
پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی سیاه بیست دانه
سپستان سی دانه شاهتره دستارچه از هر یک پنج درم
گل سرخ چهار درم عناب ده عدد رازیانه تخم کاسنی
تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه
نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید
و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هر یک ده مثقال
ترنجبین هم چنین خیار چنبر روغن بادام [illegible] از هر یک پانزده
مثقال در آن کرده بنوشند مطبوخ افتیمون صفراوی

سوخته بلغم و سوداء را دفع کند و امراض سوداوی را
نافع باشد صفت سنا مکی هفت درم گل سرخ چهار درم
افیتمون بادرنجبویه بسته و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از
هر یک پنج درم بسفایج فستقی اصل السوس رازیانه از هر یک
دو درم اسطوخودوس برسیاوشان شاهتره کاوزبان
بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک درم مویز منقی سپستان
از هر یک سی دانه در سه رطل آب بجوشانند تا به نیم آید و صاف
کرده گلقند آفتابی ده درم خیار شنبر ترنجبین روغن بادام
کرده ترنجبین از هر یک پانزده درم دران حل کرده بنوشند
مطبوخ سورنجان او جاع مفاصل را نافع بود صفت سنا مکی
هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم
سورنجان رازیانه تخم کرفس بیخ رازیانه ریوند
قنطوریون دقیق از هر یک دو درم برسیاوشان کاوزبان
بادرنجبویه از هر یک سه درم بجوشانند صاف کرده گلقند ده
مثقال

مثقال ترنجبین بیست مثقال دران حل کرده بنوشند مرهم
شادنج بواسیر و شقاق مقعد را نافع بود صفت شادنج مغسول
گل ارمنی عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم افیتمون نیم مثقال
و چهار رجیه سفیداب دو درم زعفران یک درم روغن بنفشه
بادام
بادام و روغن گل از هر یک ده درم موم سفید پنج درم موم را
در روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته با آن مرهم سازند
و باده درم شیر دختران در هاون بمالند تا مرهم شود مرهم
کافوری ترکیبدن لیث مقعد و سوزش و سوختگی آتش را
نافع باشد صفت مرداسنگ سفیداب ارزیز موم سفید از
هر یک پنج درم روغن گل بیست درم موم را در روغن بگدازند
و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند تا
هموار شود و بگذارند تا خنک شود و یک سفیده تخم مرغ و قدری
کافور داخل نمایند و مرهم سازند مرهم رسل اورام صلبه مثل خنازیر
و سرطان و سلع را نافع بود و جراحتهای را از گوشت ده

درم پاک کند و سلع را نافع بود و ناسور را بصلاح آرد
صفت جاوشیر زنگار مرمکی از هر یک ده درم اشق
هفت درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم مقل
از هر یک چهار درم موم روغن زیت یک رطل صمغها را
در سرکه حل کنند و موم را در روغن بگدازند و اجزا
کوفته بکوبند و ببیزند و با آن ضم کنند و در یکدیگر
بمالند تا مرهم شود مرهم باسلیقون اورام صلبه را نرم کند
و ریم از زخم پاک کند و گوشت بر دیاند صفت زفت
راتیانج موم سفید از هر یک بیست مثقال و روغن
زیت سی مثقال موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه را
دران حل کنند و مرهم سازند مرهم خل گوشت بر دیاند
خشک گرداند و جراحتهای را خوش کند صفت مرداسنگ صلایه کرده ده
درم باده درم موم و بیست درم روغن گل حل کرده و
قدری سرکه مرهم سازند مرهم زنگار زخم زاید را بخورد و ریشهای
که کهنه

خشک
که کهنه بود خوش کند صفت زنگار دو درم صلایه کرده با موم و
علک البطم و راتیانج از هر یک پنج درم در سی درم روغن زیت
گداخته در هاون کنند و با یکدیگر نیک کوفته و بیخته نیک
بمالند تا مرهم شود مرهم داخلیون اورام صلبه را نرم کند و گرم
گرداند صفت مرداسنگ ده درم صلایه کرده با چهار رطل روغن
زیت در دیگ با پیله کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند تا سرخ شود
پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب بزرک و لعاب بذر قطونا و لعاب
خطمی و لعاب هر دو از هر یک پنجاه درم و نیم گرم کنند و بر
آن میریزند و با آتش نرم میجوشانند و کفچه میزنند تا غلیظ شود
مرهم پذیر کرده مرهم دیگر سرطان و خنازیر را نافع بود و دمل
کهنه گرداند صفت مرداسنگ پنج درم کندر با زرد اشق موم
از هر یک ده درم علک البطم صمغ از هر یک هشت درم
الحاصل آنچه است در روغن زیت بگدازند و آنکه باید کوفته
بکوبند و با هم مرهم سازند و در هاون بمالند تا نرم شود

و از آتش فرو گیرند و بگذارند

مرهم سیاه گوشت مرده بخورد و زخم را بصلاح آورد صفته
مرداسنگ یکجا [illegible] زفت رومی بیست درم علک البطم نیم درم
روغن زیتون نیم من موم بیست مثقال کندر خشتها در روغن زیتون
بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده بران افشانند و مرهم
سازند مرهم توتیا که جراحت و قضیب را سود دارد صفته توتیا
بیست درم صلایه کرده با بیست درم موم و پنجاه درم روغن
گل گداخته مرهم سازند مرهم مصری جراحت گوش را نافع
بود صفته سرکه هفت درم عسل هشت درم در یکدیگر
جوشانند و بقوام آورند و دو درم زنگار سوده بران
افشانند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته در گوش نهند
مرهم بالسانی گوشت برویاند صفته سفیداب ارزیز
سه درم دم الاخوین و کندر از هر یک دو درم موم
سه درم در روغن بگدازند و داروها [illegible] تمام هم شود
مرهم آهک سوختگی آتش را نافع [illegible]

روغن گل ده درم موم را
کوفته و بیخته بآن
مخروج سازند [illegible]

[illegible]

و سه روز در آفتاب نهند و بعد از آن صاف کنند مرهم
چهل درم با یکدیگر روغن بادام شیرین نطولی که خواب آورد و
سرسام را نافع بود صفته بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم
پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر پوست کدوی تر بابونه
از هر یک ده درم گشنیز جو پنجاه درم در منی آب بپزند
تا به نیمه آید و بر بخار آن بدارند نطولی که صداع بارد را نافع
بود بابونه اکلیل الملک تمام مرزنگوش برگ آس صعتر ورق
الغار مساوی جوشانیده سر بر بخار آن بدارند نطولی که
صداع ریحی را نافع بود صفته بابونه اکلیل الملک تخم [illegible]
رازیانه زیره کرمانی مرزنگوش صعتر شبت جوشانیده سر
بر بخار آن بدارند نطولی دیگر که صداع سوداوی را سود دارد
بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن [illegible] هندی
قرنفل جوشانیده سر بر بخار آن بدارند نطولی که گرانی گوش را از
عقب [illegible] بود [illegible] سبب آن بخارات بود دفع کند

صداع سرسام
صداع بارد
برگ کرفس
صداع دیگر
گرانی گوش

صفته بابونه اکلیل الملک قیصوم از هر یک ده درم تمام مرزنگوش
اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک
پنج درم در ده من آب بجوشانند تا بنیمه آید و سر و گوش را بر بخار آن
بدارند نطولی دیگر که [illegible] آبله را از بدن ببرد صفته
گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ و سفید نیم کوفته
کاهو تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک چهار درم در ده من آب بجوشانند
تا بر من آید و بپالایند و چون از حمام بیرون خواهد آمد بر
اعضا بریزد نطولی که صداع حار و بیخوابی را نافع بود صفته
بنفشه جو نیم کوفته تخم کدوی کوفته بزرگ بذر قطونا تخم
خرفه پوست خشخاش گل [illegible] بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو
برگ گل سرخ جوشانیده سر بر بخار آن بدارند نطولی که سنگ
گرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد و بول براند
صفته بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر ده درم
پوست خربزه [illegible] تخم [illegible] نیم کوفته از هر یک

صداع دیگر

و بجربه
به برنج و [illegible] گلابها درست [illegible] بقوام آرند و معجون
سازند و بعد از چهل روز که در میان جو گذاشته باشند استعمال
نمایند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر که خفقان و وسواس و ضعف
دل را نافع باشد و اعتدال [illegible] را قوت دهد و لون را صاف
کند و نشاط آورد و سودا دفع کند صفته یاقوت سرخ
مغسول بسد کهربا [illegible] گل ارمنی [illegible] بهمن سرخ
یا درونج از هر یک دو مثقال یاقوت زرد یاقوت کبود
یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون [illegible]
گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول [illegible] دارچینی درونج
[illegible] سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه ابریشم [illegible]
قرنفل نیلوفر صندل سرخ و سفید دارچینی کبابه چینی [illegible]
از هر یک نیم مثقال زمرد یکمثقال [illegible] تخم [illegible] گاوزبان
طباشیر سفید از هر یک نیم مثقال [illegible] پوست هلیله کابلی
از هر یک ده مثقال عصاره زرشک پانزده درم مسک خالص

و خشکی
محرق
نیم

ربما

یکمثقال و نیم کافور نیم مثقال آب به آب سیب انگبین آب حماض و ترنج
نیم من گلاب و عرق بید مشک یکمن نبات مصری یکمن و نیم
نبات را در گلاب و عرق بید مشک بگدازند و با آب به و سیب
بقوام زیاده آورند و فرو گیرند آب حماض ترنج را بر دریزند و ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بیامیزند شربتی یکمثقال
بنوشند یاقوتی دیگر که قوی التروح دگر از غایت ترویح — بعد از شش ماه
روحانی گویند دل و جگر را قوت دهد و امراض سوداوی را
و خفقان و غشی و توحش را بغایت نافع بود صفت مروارید ناسفته مرجان کهربا و بجمنگ — را دفع کند
از هر یک یکدرم صندل یعنی طباشیر زرنباد و بادرنجبویه تخم بادروج
هندی عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک دو درم
گاوزبان درونج عقرب لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا ورق
نقره عنبر اشهب زعفران یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه درم
عسل صاف کرده پنجاه درم معجون سازند چنانکه رسمست یاقوتی
معتدل ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را نافع باشد

ودل را

و دل را قوت دهد و بدن را طاهر گرداند و منفعت تمام آورد صفت مروارید
ناسفته تخم بادرنجبویه پوست بیرون پسته پوست ترنج صندل کیفی
ورق گل سرخ از هر یک سه درم بهمن سرخ گل سرخ کبابه چینی
از هر یک یکدرم نیم لعل عود خام از هر یک یکمثقال یاقوت زرد عنبر
اشهب زر محلول نقره محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید گشنیز
خشک گل ارمنی طباشیر از هر یک دو درم زرنباد کافور
قیصوری از هر یک نیم درم گاوزبان آمله از هر یک پنج درم عصاره
زرشک ده درم زعفران دانگی و نیم شراب سیب مثقال شراب
حماض یمنی شراب سیب چهل مثقال داروها کوفته و بیخته
و جواهر صلایه کرده در شرابها بقوام آورده بیامیزند شربتی
یکمثقال یاقوتی دیگر که یاقوت حجر لاجورد بسد بسفایج قاقله کبار
و صغار گل مختوم گل ارمنی عنبر اشهب پادزهر ماه قرنفل ورق
طلا ورق نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته بسد کهربا
بهمنین قرنفل درونج عقرب زرنباد سعد کوفی کبابه بهمن صندل

کهربا بسد قرنفل بادرنجبویه صندل
دارچینی از هر یک یکدرم

کشنیز پالنگ پوست هلیله آمله صندل تخم کاسنی مشک خالص
از هر یک دو مثقال بادرنجبویه پوست ترنج گاوزبان طباشیر
سفید عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال زرشک
زنجبیل سادج نیلوفر سنبل زرشک منقی گل نیلوفر زعفران
از هر یک مثقال نبات نبات را در عرقها بگدازند و با آب میوها — آب به آب سیب آب
بقوام آورند داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن — امرود آب انار
بیامیزند و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی دیگر یاقوت — گلاب عرق بید مشک عرق
زرد یاقوت سرخ لعل حجر لاجورد عقیق یمنی ماه قرنفل خطایی — گاوزبان از هر یک
سنبل الطیب گل ارمنی گل مختوم از هر یک یکمثقال کهربا مروارید — یکچهار یک
ناسفته بسد بهمن سرخ و سفید قسط هندی قاقله صغار شقاقل
صندلین زرشک منقی گل نیلوفر پوست بلیله کابلی مصطکی ابریشم
مقرض از هر یک سه مثقال فادزهر معدنی عنبر اشهب از هر یک یکمثقال
نیم زرنباد درونج سعد سنبل کبابه چینی ورق گل سرخ گشنیز
خشک آمله منقی تخم کاسنی ورق طلا ورق نقره از هر یک دو مثقال

قاقله

غبت الفضه سفید و سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم سازند چنانکه
رسم است مرهم سفید آب گوشت بر دیاند و جراحت تنگ گرداند
و حرارت بنشاند صفت سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک دو درم
روغن گل ده درم بطریق معهود مرهم سازند مرهم شنگرف
سرطان و خنازیر و داوام صلبه را نافع بود صفت مرداسنگ
بنجدرم کسند بارزد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک
البطم شش درم شنگرف هشت درم روغن زیتون یا روغن
گل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند مرهم گلنار چنانکه
نافع باشد صفت مازو سبز و مرداسنگ زرد چوبه از هر یک
جزوی گلنار برگ عصاره لسان الحمل دو جزو با موم سفید
در روغن مرهم سازند چنانکه رسمست مرهم سرطان و درد بنشاند
و جراحت را با صلاح آورد صفت پوست درخت اقاقیا
از هر یک دو درم صندل سفید شیاف ماميثا چهار درم
روغن گل دو مثقال بطریق معهود مرهم سازند مرهم نسل حرکت جراحات

قیمولیا آهک شسته روغن گل زرنیخ
موم سفید

سرطان سوخته یکدرم موم سفید چهار درم
یکدرم

و دهامبیل پاک کرده صفت غسل الحو بیاپزند تا غلیظ شود و
در ابراکن انزروت کوفته بان حمزوج کنند و مرهم سازند
مرهم که جراحت آتشک را نافع باشد صفت سفیداب
توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم مرداسنگ دو درم
زنگار نیم درم موم پنج درم روغن بیست درم مرهم سازند
مرهم خشک شیاف مرداسنگ توتیا عناب کهنه آب
گشنیز تازه موم سفید مرهم سازند مرهم که بواسیر را نافع است
صفت بیخ بابونه یک درم مقل دو درم روغن مغز زرد آلو
ده درم مقل و بیخ را در روغن بگدازند و مرهم سازند مرهم
که همین خاصیت دارد بلکه از و اقوی و انفع بود صفت
موم خام - مقل کوهان شتر مغز ساق کاو مغز استخوان زرد آلو بیخ
روغن - تربد سفید تخم مرغ گل سرخ بگدازند ممزوج ساخته مرهم
سازند مرهم دیگر که بواسیر را سود دارد و در دارا تسکین
مرغ - گرداند صفت مغز ساق کاو دنبه کوهان شتر روغن گل مساوی

دیگر

و دیگر بکوبانند و قدری افیون اضافه نمایند و در ادان
یک کاسه زند در هم سازند و استعمال نمایند حب دیگر که از
جهة بواسیر عظیم النفع بود صفت بیخ بط بیخ ماکیان بیخ
از هر یک پنج درم مغز ساق کاو پنجاه درم روغن مغز زرد آلو
تلخ ده درم روغن مغز شفتالو مقل ازرق بیست درم بقدر حاجت
موم سفید پنج درم مقل را در آب گشنیز کنند تا حل سازند باید
الشوق نقوع بلیله صفرا براند و صداع حار را نافع باشد
صفت پوست بلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان
عناب از هر یک سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه
تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز خیار چنبر ده درم تر
نجبین پانزده درم شب در پنجاه درم آب خیسانند و
و صباح صاف کرده بیاشامند نقوع فواکه صفرا دفع
کند و تشنگی بنشاند صفت آلوی سیاه آلوی بخارا
عناب سپستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زرد آلو خشک

ده بیخ روغن کل از هر یک ده درم میسائد
دو مثقال
آب کنند تا
کنند تا حل کنند
و روغنها را با موم میویختیار زند
و با مقل محلول در روغن با یکدیگر
ممزوج سازند و استعمال نمایند

ده عدد عناب سفید ده درم تر نجبین بیست درم کلیسانند شب
و صباح صاف کرده بنوشند نقوع صبر صداع حار را
نافع بود صفت آب کاسنی هشتاد و مشتاقی صبر سقوطری چهار
دانگ در آن حل کنند و در برد آفتاب بنهند و شب در
جای گرم بنهند و روز نسیم بپالایند و بنوشند نقوع
صبر دیگر صداع بلغم را نافع باشد صفت سعد سنبل
افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره
کرمانی از هر یک یک کف در یک من آب بپزند تا نیم من
آید و بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز
در آفتاب بگذارند در روز چهارم کشاف کنند بنز تیج
سه درم یا سه درم روغن بیدانجیر نقوع صبر بنفخ دیگر صداع
سوداوی را نافع بود صفت افسنتین ده درم اسارون
پنج درم نسطو ریون و مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری
شش درم ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم خیسانند

و ریوند

جبه دیگر حار
صبر دیگر
صبر دیگر

هفت درم اسنان اصل السوس تودری سفید ستیم دلفرمانه از هر یک
پنج درم کاکنج و حلیه از هر یک برگ آس بنفشه از هر یک سه درم دو
برگ نیلوفر از هر یک ده مثقال در ده من آب بجوشانند تا به پنجم
آید در آن بنشینند و چون بیرون آیند در قیطوطی روغن عقرب
در اخلیل چکانند نطول که همین خاصیت دارد صفت بابونه
در منه ترکی تمام فرنجمشک برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند
و در آب آن نشینند و ثفل آن بر عانه و حوالی آن ضماد
کنند نطول که همین عمل کند صفت درمنه ترکی برگ
ترب سبت سداب قیصوم برنجاسف حسن مرزنگوش تمام
خطمی شلغم بابونه شبت کرنب بجوشانند تا نرم شود و ثفل آن را
بر عانه ضماد کنند و در آب آن نشینند نطول که همین منفعت
دارد صفت نیلوفر گل سرخ خطمی از هر یک پنج درم خشک
بابونه پوست خربزه اکلیل الملک برگ کرنب از هر یک ده درم بجوشانند
و در آب آن نشینند و ثفل آن را بر عانه کرده ضماد کنند

نقوعی که افراط طبیعت را نافع باشد صفت گل سرخ برگ
مورد از هر یک ده درم شب یمانی مازو هر یک نیم کوفته و گلنار
از هر یک پنج درم پوست انار نیم کوفته جوز السرو کزمازج
از هر یک سه درم اقاقیا دو درم مجموع را بجوشانند و در آب
آن نشینند و نرم کنند و در آب مورد بنوشند نقوعی
که محافظت جنین کند و نگذارد که پیش از وقت بیرون
آید صفت گل سرخ هفت درم گلنار کزمازج از هر یک نیم درم
برگ مورد خشک چهار درم شب یمانی پوست انار
و مازو از هر یک سه درم و نیم کوفته بجوشانند و در آن نشینند
نقوعی که سده بینی بگشاید صفت لادن و چوب گز بجوشانند
بجوشانند و در بینی آن بدارند نقوعی که سده بینی ببرد
صفت زاج سنگ قرنفل مساوی کوفته در بینی دمند
نقوعی سکوت را بهوش آورد صفت کندش دو فوبی بیند
کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند نقوعی که صلاح

مقعد را نافع است
نقوعی که از جهت خروج مقعد بود سود دهد
گلنار پوست انار جفت بلوط قدری نیم کوفته
گل سرخ مازو از هر یک قدری
بجوشانند و در آن نشینند
و یا سبوس گندم در آب بجوشانند
و در بینی آن بدارند

نافع

نافع باشد صفت عصاره قثاء الحمار بخور مریم نطرون کوفته و
بیخته در بینی دمند شونیز و عصاره قثاء الحمار همین عمل کند
شونیز و فلفل و نانخواه نیز همین عمل کند نقوعی که صرع را نافع
باشد صفت تخم حنظل قثاء الحمار ساذج کندش فلفل اسطوخودوس
کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الوجور
وجوری که چون در دهن صبی ریزند بهوش آید صفت جلنجبین
جندبیدستر کوفته و بیخته در سکنجبین عسلی حل کرده وجور سازند
وجور دیگر که همین منفعت دارد صفت زرانبا انیسون
زیره کرمانی بجوشانند و صاف کرده گلقند را در آن حل کرده
وجور سازند وجوری که نافع است از جهت غشی که بعد از اسهال
واقع شود صفت مشک سک کوفته در آب حل کرده در حلق
بچکانند وجوری که از جهت صلاح اطفال نیکو باشد صفت
جندبیدستر زیره کرمانی مساوی کوفته سه جزء ای در شیر حل کرده
در گلوی طفل ریزند وجوری که سرفه اطفال را نافع باشد صفت

شونیز

ربّ السوس کثیرا صمغ عربی نشاسته فانیذ از هر یک سه درم
مغز بادام دو درم روغن بادام پنج درم فانیذ را در عسل بکوبند
کف صاف کنند و ادویه کوفته و روغن بادام با آن مخلوط
سازند و قدری از آن در دهن طفل ریزند باب الیاقوتی
که خفقان و غشی را نافع است و دل را قوت دهد و فرح آورد
صفت مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت
رمانی گل مختوم بادرنجبویه تخم صندل سرخ از هر یک دو درم
ورق طلا عقیق یمنی کشت ساذج هندی درنباد و بهمن سرخ و سفید از هر یک
لاجورد مغسول یکمثقال و یکمثقال و نیم بسد کهربا بیلوز زرنگ منقی گشنیز خشک تخم
گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی
ابریشم مقرض از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سفید
ورق گل سرخ از هر یک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک
دو مثقال مشک تبتی نیم مثقال زعفران پوست هلیله کابلی گلاب
شراب سیب و به انار شیرین شراب آبی از هر یک نیم درم کوفته بکوبند

از هر یک سه درم مغز بادام
و دو درم عسل سی درم
بادام پنج درم

دیگر

قاقله کبار چهار عدد ترنجبین طباشیر از هر یک چهار مثقال زعفران
مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من آب به
آب سیب آب امرود از هر یک نیم من گلاب و عرق بید مشک از
هر یک صد درم عرق گاوزبان ده درم آب انار عنب
یکمن عسل سفید مصفی نیمن نبات را در عرقها بگذارند و با عسل
و آب میوه ها بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته را داخل
صلایه کرده با آن بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر شیخ
ابوعلی سینا است مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت
نافع باشد و نشاط مرحمت نماید و اعضای رئیسه را
قوت دهد صفت یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی
مشک خالص کافور از هر یک یک درم نیم ابریشم مقرض و
سرطان نهری محرق از هر یک یکمثقال و دو دانگ لاجورد مغسول یکدرم
دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه اسطوخودوس از هر یک
سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول

کبابه چینی

سلیخه دارچینی زعفران بسباسه قاقله کبابه ماه فرنفلی خطائی

از هر یک یک مثقال افتیمون دو درم و نیم ترنجبین و

سنبل ناردین هندی از هر یک دو درم درونج

عقربی و عنبر اشهب از هر یک دو مثقال شراب تفاحی

شراب سیب شیرین شراب انار عذب از هر یک

سی مثقال عسل صاف کرده بقدر احتیاج بطریق

معهود معجون سازند شربتی یک مثقال بعد از جبل و را استعمال نمایند

والسلام تم این رساله فوائد بانشارت

بالسعادت فوائد بخشید حسنات در روز

پنجشنبه بیستم شهر جمادی الاول سنه اربعین

ثمانین والف من هجریه نبویه

العبد المحتاج الی الله الهادی میر محمد

بن میر سلطان علی الحسینی

غفر الله ذنوبهما